

مردم ما زمان شناس
بصیر و شجاع اند

شهادت حضرت رقیه (س) را تسلیت می‌گوییم

هفته‌نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و چهارم | شماره ۱۱۹۸ | دوشنبه ۶ مرداد ۱۴۰۴ | ۳ صفر ۱۴۴۷ | ۲۸ جولای ۲۰۲۵ | ۱۶ صفحه

بررسی ابعاد خشکسالی در ایران

زنگ خطر

پرونده

شکست‌های سریالی!

رضا صارمی‌راد



دیدگاه

دکتر یدالله جوانی



نگاه

ترامپ و نتانیاهو در بن بست روایت پیروزی

تکالیف
راهبردی

علی حیدری

سردبیر



در پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت چهلمین روز شهادت جمعی از هم‌میهنان، سرداران با کفایت نظامی و دانشمندان برجسته هسته‌ای کشور توسط رژیم خبیث و جنایتکار صهیونی، مفاهیم عمیق و راهبردی متعددی مطرح شد که هر یک می‌تواند نقشه‌راهی برای پیشرفت و مقاومت هوشمندانه باشد. تأکید معظم له بر شتاب علمی و نظامی به سمت افق‌های بلند، نشانگر ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است؛ عمل دقیق، مدبرانه و مسئولانه با ایفای نقش فعال اقشار مختلف جامعه.

رهبر حکیم انقلاب در این پیام، هفت تکلیف راهبردی برای اقشار گوناگون جامعه مشخص کردند؛ از نخبگان علمی تا جوانان که تحقق آنها بدون عقلانیت رفتاری و تشخیص جزئیات حساس ممکن نیست. این امر، ضرورتی فراتر از تلاش کردن صرف است. این همان روح عمل دقیق است که در آن حرکت‌های مؤثر، بنیان‌ساز قوی‌تر شدن ایران اسلامی خواهد بود.

بر اساس این پیام، شتاب در پیشرفت دانش و فناوری و وظیفه نخبگان علمی است. اما شتاب بدون تمرکز، نه تنها به رشد نمی‌انجامد بلکه ممکن است مخاطره‌آمیز باشد. نخبگان باید ضمن رعایت اصول علمی، از تحلیل دقیق نیازها و بومی‌سازی فناوری‌ها غافل نشوند. در عصر رقابت‌های پیچیده جهانی، خرد در طراحی و تولید علم همان نقطه قوت ملی خواهد بود.

تکلیف گویندگان و قلم‌زنان هم، حفظ عزت و آبروی کشور است. این امر تنها در سایه بیان دقیق، منصفانه و روشنگر ممکن می‌شود. از این رو در برابر هجمه‌های رسانه‌ای دشمن، چابکی در تحلیل و صلابت در روایت، همراه با رعایت اصول رسانه‌ای خردمندانه، بهترین دفاع برای اعتبار ملی است.

فرمانده معظم کل قوا در بخشی از این پیام بر مجهز کردن روزافزون کشور به ابزارهای حراست از امنیت و استقلال ملی تأکید کردند. این مهم، نیازمند هوشمندی عملیاتی و طراحی دقیق استراتژی‌های پدافندی است. چرا که در برابر دشمنان عنود، رفتارهای هیجانی کارساز نیست؛ بلکه شناخت محیط تهدید، استفاده به‌موقع از ظرفیت‌ها و حفاظت و تقویت منابع دفاعی تنها راه پیروزی خواهد بود.

بر اساس بند دیگری از پیام امام خامنه‌ای، وظیفه اهل منبر و روحانیت، هدایت دل‌ها با توصیه به صبر، سکینه و ثبات مردمی است. این وظیفه جز با زبانی دقیق، لطیف و منطبق بر نیاز مخاطب، مؤثر نخواهد بود.

اما درباره مسئولان اجرایی وظیفه تأکید رهبری بر این نکته مهم استوار شده که جدیت، پیگیری و به نتیجه رساندن کارها، نباید با حرکت کور و بی‌هدف اشتباه گرفته شود. مدیریت اجرایی باید در کنار تلاش، دارای برنامه‌ریزی دقیق و ارزیابی مستمر عملکردها باشد. ثبات تصمیم، ارتباط صحیح با مردم، و شفافیت اجرایی، ارکان قوام عملکرد دولت‌هاست.

شعور انقلابی، رکن مهم دیگری است که رهبر فرزانه انقلاب آن را ضامن پایداری در حرکت ملی دانستند و تأکید کردند که جوانان، با درک دقیق از پیچیدگی‌های فضای اجتماعی، دشمن‌شناسی هوشمندانه و فعالیت هدفمند، می‌توانند نقش آفرینان اصلی آینده کشور باشند.

پیام رهبر معظم انقلاب، در حقیقت دعوتی است به دقت، هوشمندی، تحلیل‌گری و تبیین و عملکرد مدبرانه. این پیام نه صرفاً یک توصیه اخلاقی، بلکه ضرورتی راهبردی برای بقای عزتمندانه در زیست‌بوم سیاسی امروز و مقابله با تهدیدات و تحرکات دشمنان است که تحقق آنها با عزم و اراده همگانی میسر خواهد شد و ایران قوی‌تر، پایدارتر و سرفرازتر از پیش خواهد شد و پرچم ایران عزیز بر فراز قله‌های عزت و شکوه خواهد درخشید.

۲
سرمقاله

مثالت ظفر

صبح صادق اضلاع سه‌گانه پیروزی ایران
در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه بررسی می‌کند۱۳
فرهنگداستان سلحشوری
یک ایرانینگاهی به اشک هور روایت رشادت
قهرمان شهید «سردار علی هاشمی»

نیم نگاه

ترامپ و نتانیاهو

در بن‌بست روایت پیروزی



دکتر یدالله جوانی

مدیر مسئول

نتانیاهو مدعی است «حمله به ایران موفقیت‌آمیزترین اقدام در تاریخ اسرائیل بود و موفق شدیم به تهدید ایران پایان دهیم!» ترامپ هم به شکل‌های مختلف، اظهار می‌دارد، ما با موفقیت تأسیسات هسته‌ای ایران را نابود کردیم و به اهداف جنگ رسیدیم.

درباره این روایت‌سازی از جنگ علیه ایران، گفتنی‌های فراوانی وجود دارد. روایت‌هایی که حتی آمریکایی‌ها و ساکنین سرزمین‌های اشغالی هم آن را قبول نمی‌کنند. برای نمونه براساس نظر سنجی «مؤسسه یوگاو» آمریکا، بیش از ۷۰ درصد مردم آمریکا نسبت به ادعاهای ترامپ مبنی بر نابودی تأسیسات هسته‌ای ایران تردید جدی دارند. بر اساس همین نظر‌سنجی، بیش از ۵۰ درصد آمریکایی‌ها مخالف اقدام ترامپ علیه ایران بوده و ۸۵ درصد هم مخالف اقدام مجلد نظامی علیه ایران هستند و تنها ۵ درصد تداوم رویارویی با ایران را مفید می‌دانند. طبق نتایج این نظر‌سنجی، ۴۸ درصد آمریکایی‌ها معتقدند اقدام نظامی آمریکا علیه ایران، به امنیت ملی این کشور آسیب‌زده است.

در درون سرزمین‌های اشغالی نیز با توجه به حجم ویرانی‌ها و خرابی‌های ناشی از پرتاب موشک‌های ایران، بدبینی‌ها نسبت به ادعاهای نتانیاهو مبنی بر پیروزی، بیشتر از آن چیزی است که از درون آمریکا نقل شد. نتانیاهو روایت پیروزی در جنگ علیه ایران را، بر پایه‌ی سانسور واقعیت‌ها و پنهان‌کاری انجام می‌دهد. برای نمونه رسانه‌های صهیونیستی در زمان جنگ ۱۲ روزه، تعداد همه کشته‌های ناشی از موشک‌های ایرانی را، ۳۵ نفر اعلام کردند؛ این در حالی بود که قدرت تخریب موشک‌های ایران، علاوه بر وارد کردن حجم بالای خسارت به پایگاه‌های نظامی، مؤسسات دولتی و.. صدها کشته و هزاران زخمی برجای گذاشت. این خسارت‌ها و حجم تلفات، آن چنان بالا و غیر قابل تحمل و تصور بود، که رژیم صهیونی، سیاست انکار و کوچک‌سازی درپیش گرفت. اما غافل از اینکه در عصر رسانه، برای همیشه نمی‌توان حقایق و واقعیت‌ها را پنهان کرد. چند روز پیش یکی از صهیونیست‌ها، پرده از بخشی از واقعیت‌ها برداشت، «رابی سلمان» مدیر شرکت «رد لاین اسرائیل»، در گفت‌وگو با شبکه ۱۴ تلویزیون رژیم صهیونی، با عصبانیت نسبت به سانسورها در رسانه‌های رژیم اعتراض کرد و گفت: «بس کنید این دروغ و مهندسی ذهن را، کشته‌ها در جنگ با ایران ۸۹۳ نفر است، نه ۳۵ نفر!، لعنت به شما و کانال بی‌ارزشتان.»

اینک از این قبیل افشاگری‌ها و اعتراضات در درون سرزمین‌های اشغالی، روی فزونی گرفته، هر روز ابعاد جدیدی از شکست‌ها و ناکامی‌های رژیم صهیونیستی در جنگ علیه ایران افشا می‌شود.

واقعیت آن است که در جنگ تحمیلی آمریکا و رژیم صهیونی علیه ایران، در پرتو الطاف الهی و دفاع مقدس ملت ایران، متجاوزین نه تنها به اهداف خود نرسیدند، بلکه آمریکا سبیلی خورد و رژیم صهیونیستی هم از پا درآمد و له شد. در خواست آتش‌بس از سوی متجاوز، دلیلی چون ناتوانی برای ادامه جنگ نداشت. حال اگر این حماقت و تجاوز تکرار شود، بدون تردید ملت بزرگ ایران، و فرزندان غیور و سلحشور و عاشورایی این مردم در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، در پرتو نصرت خداوند متعال و با هدایت‌های رهبر حکیم انقلاب اسلامی، ضربه‌های کاری‌تر از پیش، بر پیکر در حال فروپاشی رژیم صهیونی وارد خواهند ساخت.



مصطفی قربانی

دکترای علوم سیاسی

مدیریت داهیه‌انه و شجاعانه رهبری معظم انقلاب در پیوستگی با حمایت و اتحاد ملت در سایه انسجام نیروهای مسلح و توانایی‌های تهاجمی راهبردی در این جنگ را می‌توان اضلاع سه‌گانه مثلثی دانست که منجر به غلبه ایران بر دشمن صهیونیستی و ناکامی او در تحقق اهدافش در قبال ایران شد. در مطلب پیش‌رو تلاش می‌شود تا به اجمال نقش هریک از این اضلاع و ارکان پیروزی تبیین شود.

۱

نقش رهبر معظم انقلاب در مدیریت صحنه نبرد

رهبر معظم انقلاب با ورود مستقیم به مدیریت صحنه، ابتدا جایگزین فرماندهان شهید نیروهای مسلح را منصوب کردند و سپس در پیامی تلویزیونی، اقتدار و امید را در فضای کشور احیا کردند و در ادامه، مدیریت اتاق عملیات جنگ را بر عهده گرفتند. به عبارت دقیق‌تر، مهم‌ترین نقش‌های رهبری معظم انقلاب در این زمینه عبارت‌اند از؛

الف: انسجام‌بخشی و روحیه‌بخشی؛ معظم‌له هم در حوزه نظامی و مرتبط با مدیریت میدان عملیات نظامی و هم در برابر جنگ روانی- رسانه‌ای(شناسختی) دشمنان و مدیریت فضای ادراکی جامعه کارویژه انسجام‌بخشی داشتند. در توضیح باید گفت که ایشان با انتصاب سریع فرماندهان نظامی به جای فرماندهان شهید، آشفتگی نسبی حاکم بر فضای نظامی، ناشی از حمله دشمن و شهادت فرماندهان را سریع تبدیل به انسجام کردند و هم با ارائه یک تصویر باصلابت و مقتدرانه از خود و کشور در پیام تلویزیونی، پیام امید و اعتماد را به جامعه منعکس کردند. به بیان دقیق‌تر، در شرایطی که افکار عمومی در داخل کشور احساس می‌کرد که نوعی سردرگمی ناشی از ضربه اولیه دشمن در کشور وجود دارد، ایشان با پیام تلویزیونی خود و تأکید بر اینکه «رژیم صهیونیستی در زیر ضربات ایران لسه و بیچاره خواهد شد»، فضایی از امید، اعتماد و انسجام برای مردم ایجاد کردند.

ب: ترسیم اراده تسلیم‌ناپذیر در برابر دشمن؛ بر خلاف آنچه دشمن تصور می‌کرد که با حمله برق‌آسای خود می‌تواند در اندک زمانی ایران را وادار به تسلیم کند و حتی در این زمینه، تکه‌های جورچین را با دقت خاصی چیده بود، به‌گونه‌ای که علاوه بر تهاجم تمام‌عیار نظامی، یک شبکه نفوذ وسیع در ایران ایجاد و آن را وارد میدان عملیات کرده بود. در این زمینه، حتی دشمنان با پیام به تعدادی از مسئولان نظام و تهدید آنها به ترور، خواهان انتشار ویدئوهایی از آنها به نفع خود یا فرارشان از ایران شده بودند که رهبر معظم انقلاب در نخستین پیام تلویزیونی، این خواب آشفته دشمن مبنی بر تسلیم ایران را بر هم زدند و علاوه بر تغییر توازن روانی میدان، روحیه استقامت و انسجام ملی را تقویت کردند که همین عامل، در موفقیت حاصل شده در برابر دشمن صهیونیستی تأثیر تعیین‌کننده‌ای داشت.

ج: خنثی‌سازی تهاجم شناختی دشمن با تعریف مرکز ثقلی برای همبستگی ملی؛ اگر چه رژیم

صهیونیستی با حمله نظامی به ایران در ساعت‌های اولیه جنگ موفق به وارد کردن ضربه اول به ایران شد، اما واقعیت آن است که گام نهایی راهبرد رژیم صهیونیستی و آمریکا در برابر ایران و مکمل حمله نظامی آنها، امیدی بود که آنها به همراهی ملت ایران با حمله و توطئه خود داشتند. به همین دلیل، بعد از حمله رژیم صهیونیستی، اکانت نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در توییتر خطاب به ملت ایران نوشت که حالا نوبت شما مردم ایران است که کار را تمام کنید(نقل به مضمون). رهبر معظم انقلاب با ارائه روایتی همه‌گیر و همه‌شمول از جنگ و توطئه دشمن برای از بین بردن ارزش‌های دینی و ملی ایرانیان در خنثی‌سازی این ضلع از تهاجم ترکیبی دشمن نیز موفق عمل کردند. به گونه‌ای که در شب عاشورا به مداح مراسم حسینی‌امام خمینی(ره) دستور دادند که «ای ایران بخوان».

د: ارائه روایت اول از پیروزی؛ رهبر معظم انقلاب با تیریک سه پیروزی بر رژیم صهیونیستی و رژیم آمریکا و اتحاد فوق‌العاده ملت ایران، در واقع، روایت اول صحنه نابرابر نبرد را به دست گرفتند و امکان تحریف نتیجه جنگ را از دشمن سلب کردند و جنگ شناختی دشمن پیرامون آتش‌بس را پیشاپیش خنثی کردند.

ه: بن‌بست‌شکنی؛ دشمن تلاش می‌کرد تا فضایی از رعب و وحشت در ایران ایجاد کند و نوعی زندگی در خفا را به مسئولان تحمیل کند و به‌نوعی از این ناحیه ایران را در بن‌بست قرار دهد، اما رهبر حکیم انقلاب نه تنها این نقشه دشمن را خنثی کردند، بلکه با شجاعت کم‌نظیر و با حضور شب عاشورایی‌شان در حسینی‌نشان دادند که در دفاع از کشور و ایستادگی در برابر دشمنان نه تنها صحنه را ترک نمی‌کنند، بلکه اتفاقاً در خط مقدم قرار می‌گیرند.

۲

نیروهای مسلح منسجم

یک واقعیت بسیار مهم در صحنه رویارویی رژیم صهیونیستی با ایران، انسجام و وحدت فرماندهی نیروهای مسلح است، در تلاش برای واکاوی این انسجام نیروهای مسلح، دلایل متعددی می‌توان ارائه کرد که به نظر می‌رسد، یکی از مهمترین دلایل این انسجام و قدرت سازواری نیروهای مسلح ایران با وضعیت موجود، ریشه در «نهادمندی» این نیروها دارد که بنا به موارد زیر حاصل شده است:

الف: تجربه بحران‌های حاد؛ با افزایش عمر یک سازمان یا شیوه عمل، سطح نهادمندی آن نیز بالاتر می‌رود. براین اساس، نیروهای مسلح در برابر شوک و ضربه اولیه نتوانست انسجام خود را با سرعت بازبایی کند؛ زیرا این نیروها پیش از این اساساً به صورت مکرر تجربه مدیریت شرایط دشوار و بحرانی از دوران دفاع مقدس اول گرفته تا مدیریت آشوب‌های ادواری در کشور را در دهه‌های گذشته داشته‌اند.

ب: عدم‌دگرگونی نسلی فرماندهان؛ حضور نسل اول فرماندهان نیروهای مسلح که همگی دوره فرماندهی وزیدگی خود را در شرایط دشوار جنگ و تثبیت و شکوفایی نظام اسلامی گذرانده‌اند در کنار شجاعت، صلابت و آگاهی نسل جدید که شاگردان مکتب انقلاب و فرماندهان پیشکسوت هستند، ترکیبی موفقیت‌آمیز ایجاد کرد.

ج: تطبیق‌پذیری کارکردی؛ تطبیق‌پذیری کارکردی عبارت است از توانایی در خلق کارکردهای جدید که می‌توان از آن به «سازگاری با محیط متغیر» هم

ا سر مقاله

صبح صادق اضلاع سه‌گانه پیروزی ایران در جنگ تحمیلی ۲ روزه را بررسی می‌کند

مثلث ظفر

تعبیر کرد. براین اساس، کارکرد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در برهه دفاع مقدس اول، دفع تهاجم دشمن یعنی بود و به‌خوبی از عهده این امر برآمدند، در برهه بعد از جنگ با درک دقیق نیاز کشور و تحولات نظام بین‌الملل و تهدیدهای منطقه‌ای، استحکام‌بنیه دفاعی کشور در دستور کار قرار گرفت تا اینکه در سال‌های اخیر با درک دقیق و به‌موقع تغییرات در عرصه‌ها و ابزارهای جنگ، تغییراتی در ساختار و کیفیت عملکرد نیروهای مسلح ایجاد شد که دستیابی به موشک‌های بالستیک نقطه‌زن، انواع پهپادها و همچنین، ایجاد یک ارتش سایبری قدرتمند از نموده‌ای آن است. د: پیچیدگی ساختاری؛ «پیچیدگی به بازآورنده یاداری است». نیروهای مسلح ساختار ساده‌ای ندارند، به‌گونه‌ای که در کنار ارتش قهرمان، سپاه فداکار هم حضور دارد و هر کدام از این نیروها، علاوه بر یگان‌های کلاسیک زمینی، دریایی و هوایی، یگان‌های نوین جنگال، پهپادی و... نیز دارند. همین امر به انسجام و افزایش درجه نهادمندی نیروهای مسلح کمک شایانی کرده است.

ج: استقلال؛ واقعیت‌ها گویای درجه بالای استقلال نیروهای مسلح است؛ زیرا این نیروها هیچ‌گاه نماینده مصالح و منافع گروه خاصی نبوده و همواره جان‌فدای وطن، نظام و مردم بوده‌اند. درواقع، نیروهای مسلح با استقلال‌لی که دارند، متمرکز بر کارویژه‌های قانونی خود بوده‌اند.

ه: توانایی در بسیج ظرفیت‌ها و وحدت عمل؛ نیروهای مسلح به‌ویژه در برهه‌های حساس و بحرانی ثابت کرده‌اند که به‌خوبی قادر به بسیج ظرفیت‌ها هستند. مصداق بارز و بهترین نمونه آن را می‌توان در دفاع مقدس دوم، یعنی برهه اخیر در برابر رژیم منحوس صهیونیستی دید.

و: ذخیره‌های معرفتی و معنوی؛ بالاخره آنچه انسجام نیروهای مسلح را مضاعف می‌کند، همانا معنویت این نیروها و اتصال آنها به قدرت لایزال الهی از یک سو و فرماندهی عالی آنها از سوی رهبری الهی است که خودشان همواره متکی به نصرت و عنایات بی‌کرانه‌ی خداوندی است.

۳

همبستگی و انسجام ملی؛

عنصر حیاتی استحکام قدرت ایران

رکن مهم راهبرد رژیم صهیونیستی در این جنگ، امیدواری نسبت به کشاندن مردم ایران به میدان درگیری داخلی و قرار دادن آنها در برابر نظام اسلامی بود. اما آن عاملی که در این زمینه راهبرد دشمن را با شکست جدی مواجه کرد، عدم‌همراهی مردم ایران با دشمن بود. در اینجا تلاش می‌شود تا ضمن واکاوی دلایل شکل‌گیری این انسجام، راهکارهای حفظ و ارتقای آن در برهه کنونی نیز بازگویی شود.

الف: دلایل شکل‌گیری انسجام ملی در ایران؛ مهمترین دلایل این امر که چرا با وجود پتانسیل‌های نارضایتی، حمله نظامی خارجی سبب تقویت همبستگی و انسجام ملی در ایران شد، عبارت‌اند از:

اول، توافق خدشه‌ناپذیر ایرانیان بر روی وطن و کشور؛ اگر چه در تاریخ ایرانیان دگر‌سازی با حکومت‌ها دیده می‌شود، اما هیچ‌گاه ضدایرانی نبوده‌اند. به عبارتی، منازعه در ایران ماهیت سیاسی دارد و معطوف به اصل موجودیت کشور نیست.

دوم، احساس تهدید وجودی؛ مردم ایران با دقت

تشخیص دادند که با مسلط شدن دشمن بر ایران، نه تنها ایرانی دیگر وجود نخواهد داشت، بلکه امنیت، ثبات، پیشرفت و در کل، آینده‌ای برای آنها متصور نخواهد بود.

سوم، فرهنگ سیاسی ایرانیان؛ در فرهنگ سیاسی ایرانیان عناصر پرقدردنی از بیگانه‌هراسی، استکبارستیزی، ظلم‌ناپذیری، مقاومت، عدالت‌طلبی، حمایت از مظلوم، شهادت‌طلبی و... وجود دارد که به یک‌باره در برابر تهاجم صهیونیست‌ها معتبر شد و به صورت مقاومت در برابر خصم متجلی گردید.

چهارم، ذخایر معرفتی منبعث از ارزش‌های شیعی؛ ارزش‌های اسلامی- شیعی یکی از منابع مهم تعیین‌کننده کم و کیف فرهنگ سیاسی ایرانیان است و این ارزش‌ها وقتی در کنار ارزش‌های ملی ایرانیان قرار می‌گیرد، ضریب تأثیرگذاری و تعیین‌کنندگی آنها را به صورت تصاعدی افزایش می‌دهد.

پنجم، آگاهی سیاسی ملی؛ عنصر آگاهی سیاسی همان‌گونه که در بالا هم تا حدودی مورد اشاره قرار گرفت نیز در ایجاد این همگرایی و انسجام تأثیر جدی داشت.

ششم، رهبری و وحدت‌بخش؛ رهبری و وحدت‌بخش نیز دیگر مؤلفه تحقق همبستگی و انسجام ملی در برابر تهاجم صهیونیست‌ها بود.

ب: راهبردها و راهکارهای حفظ و ارتقای همبستگی و انسجام ملی در ایران؛ به منظور دستیابی به اهداف متعالی، توجه مضاعف به راهکارهای زیر توصیه و تأکید می‌شود:

اول، انقلابی‌گری؛ انقلابی‌گری زمانی می‌تواند منجر به تقویت همبستگی و انسجام ملی شود که گرفتار نگرش‌ها و تفسیرهای مضیق نشود.

دوم، توجه به تحقق ایران قوی؛ تلاش برای تحقق ایران قوی یک نقطه اشتراک بسیار مهم برای تقویت همبستگی و انسجام ملی می‌باشد.

سوم، ایستادگی در برابر دشمنان؛ با توجه به عنصر عزت‌مندی و صذیت با سلطه و استکبار در فرهنگ سیاسی ایرانیان، قطعاً کنش‌های معطوف به تقویت استقلال کشور و مقاومت در برابر زیاده‌خواهی‌های بیگانگان، انسجام‌آفرین است.

چهارم، حضور مؤثر دولت در جامعه؛ تقویت انسجام ملی در درجه اول منوط به کیفیت بروز و ظهور دولت در نظام اجتماعی است. بر این اساس، دولت در ایران باید بروز و ظهور مؤثری در ابعاد و حوزه‌های مختلف حیات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی- فرهنگی ایران داشته باشد و در مقام حل مشکلات این مردم غیور برآید که لوازم آن عبارت از؛ تلاش برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های متنکثر جامعه؛ تلاش برای گردش نخبگان و جوان‌گرایی؛ ایجاد جریان تبیین و روشنگری در مقابل اقدامات جریان تحریف در قالب جنگ

شناختی برای از بین بردن همبستگی و انسجام اجتماعی در ایران با ابزار دروغ، تحریف، جعل، وارونه‌نمایی، بن‌بست‌نمایی و... ارائه روایت اول از رویدادهای کشور؛ ایجاد انبساط در حوزه فرهنگی به این معنا که با توجه به تغییرات فرهنگی اجتماعی رخ داده در کشور برای جلوگیری از مترکم و تعارضی شدن شکاف‌های اجتماعی، تعدیل پتانسیل‌های اعتراضی و تقویت گرایش‌های معطوف به انسجام ملی باید بخشی از راه حل را در حوزه فرهنگی جست‌وجو کرد؛ جلوگیری از گره زدن منازعات سیاسی به شکاف‌های اجتماعی.

سیاستمدار فسادستیز

«عباس سلیمی‌نمین»، با ابراز تأسف از درگذشت «احمد توکلی» از سیاستون برجسته کشور گفت: «او ک‌شگر قوی اجتماعی بود و مؤسسه قدرتمندی را رهبری می‌کرد؛ اما بسیار ساده‌زیست و بر عهد و پیمان خود با مردم، پای فُشرد و دنبال دنیا نرفت. شخصیت‌هایی مثل آقای توکلی، هیچ گرایشی به اینکه از سابقه خودشان بهره بگیرند، ندار‌ند. بعد از انقلاب ایشان یک لحظه از مقابله با آفات، غافل نشد. با اینکه دچار مشکلات بود و بیماری داشت؛ اما اگر مطلبی را خطا می‌پنداشت شجاعانه وارد می‌شد.» وی افزود: «رویکرد فسادستیزانه و عدالتخواهانه مرحوم توکلی در زندگی شخصی او نیز نمود عینی داشت»

هشدار آیت‌الله

دفتر حضرت آیت‌الله‌العظمی سیستانی با صدور بیانیه‌ای نسبت به وضعیت فاجعه‌بار انسانی در غزه ابراز نگرانی شدید کرد و نوشت: «اگر چه از نیروهای اشغالگر جز ارتکاب چنین وحشیگری فجیعی در چارچوب تلاش‌های مستمرشان برای کوچاندن فلسطینیان از سرزمین‌شان انتظار نمی‌رود، اما انتظار می‌رود که کشورهای جهان، به‌ویژه کشورهای عربی و اسلامی، اجازه ندهند این فاجعه بزرگ انسانی ادامه یابد... صحنه‌های تکان‌دهنده‌ی گرسنگی فراگیر در نوار غزه که رسانه‌ها آن را مخایره می‌کنند، نباید اجازه دهد که هیچ انسان باوجدانی در آرامش، غذا یا نوشیدنی‌ای بر زبان بگذارد.»

خط قرمز

«مجید تخت‌روانچی»، معاون وزیر امور خارجه که در استانبول، با طرف‌های اروپایی درباره برنامه هسته‌ای ایران و موضوع رفع تحریم‌ها به گفت‌وگو نشست، در مصاحبه با یک رسانه ترکیه‌ای تأکید کرد که غنی‌سازی داخل ایران باید بخش جدایی‌ناپذیر هر توافقی باشد. افزود: «علاوه بر این، نتیجه مذاکرات باید مبتنی بر اصل بر-برد باشد. هر دو طرف باید احساس کنند که به چیزی دست یافته‌اند. ما نمی‌توانیم هیچ تحمیلی از سوی ایالات متحده را بپذیریم. بنابرین، نمی‌توانیم بدون اطمینان از اینکه ایالات متحده اراده خود را تحمیل نخواهد کرد، گفت‌وگوی واقعی را آغاز کنیم.»

هل من ناصر ینصرنی؟!



حسن نوروزی

دبیر گروه سپاه

غزه امروز نه‌تنها میدان خاک و خون، بلکه صحنه‌ای از یک فاجعه انسانی بی‌سابقه است. از سال ۲۰۰۷، رژیم صهیونیستی با محاصره‌ای ظالمانه، هوایی، زمینی و دریایی، غزه را به زندانی بزرگ برای بیش از دو میلیون انسان تبدیل کرده است. اما از ۱۲ اسفند ۱۴۰۳، این محاصره به مرحله‌ای هولناک‌تر رسیده است از بسته شدن کامل مرزها تا قطع ورود اقلام حیاتی مانند غذا، آب، دارو و حتی شیر خشک. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در توصیفی نکان‌دهنده گفته است: «غزه جایی است که بدتر از جهنم روی زمین است.» این کلمات، نه‌شعار، بلکه واقعیتی است که هر روز در خیابان‌های ویران غزه فریاد می‌زند.

سلاح قحطی برای نابودی یک ملت

تصور کنید کودکی با چشمان گودافتاده، با دستانی لرزان در صف غذا منتظر است، اما به جای دریافت یک قرص نان، با گلوله پاسخ داده می‌شود. این تصویر غزه امروز است. طبق گزارش طبقه‌بندی یکپارچه فاز امنیت غذایی (IPC)، از ماه مه ۲۰۲۵، نیم میلیون نفر در غزه در فاز پنجم گرسنگی-فاز فاجعه‌بار- قرار دارند. وزارت بهداشت فلسطین گزارش داده که از اسفند ۱۴۰۳ تاکنون، ۱۲۲ نفر، از جمله ۸۳ کودک، بر اثر گرسنگی جان باخته‌اند. این اعداد، تنها آمار نیستند؛ هر کدام قصه‌ای از درد، رنج و مرگ خاموش یک انسان است.

رژیم صهیونیستی با بستن گذرگاه‌ها، ورود ۷۶/۴۵۰ کامیون حامل کمک‌های بشردوستانه و سوخت را متوقف کرده است. ۶۵۰/۰۰۰ کودک در معرض مرگ ناشی از گرسنگی هستند. ۱۲۵/۰۰۰ بیمار سرطانی و ۶۰/۰۰۰ زن باردار به دلیل نبود غذا و درمان در آستانه مرگ قرار دارند. این اعداد، وحشتناک و تکان‌دهنده‌اند، اما آنچه قلب را به درد می‌آورد، عمدی بودن این فاجعه است. رژیم اشغالگر با هدف قرار دادن ۴۲ آشپزخانه مردمی، ۵۷ مرکز توزیع کمک و انجام ۱۲۱ حمله به کاروان‌های امدادی، عملاً راه هرگونه امدادسانی را بسته است.

تله‌های مرگ در مراکز توزیع غذا

مراکز توزیع غذا، که قرار بود امیدی برای گرسنگان باشند، به تله‌های مرگ تبدیل شده‌اند. بنیاد بشردوستانه غزه (GHF)، که با همکاری آمریکا و رژیم صهیونی تأسیس شده، به جای نجات، به

ابزاری برای تحقیر و کشتار بدل شده است. در هفته‌های اخیر، ۱/۰۵۴ نفر در اطراف این مراکز توسط ارتش رژیم صهیونیستی کشته شده‌اند. فلسطینی‌هایی که با امید دریافت یک بسته غذایی به این نقاط می‌آیند، یا هدف گلوله قرار می‌گیرند یا با دست خالی و تحقیر شده به خانه بازمی‌گردند. این مراکز، به جای امداد، وحشت و خشم را در دل مردم غزه کاشته‌اند؛ خشم علیه مقاومتی که برای بقای آنها می‌جنگد، و وحشی که اراده‌شان را نشانه گرفته است.

غزه جایی است که گرسنگی، تشنگی، بمباران و مرگ در صف غذا، به بخشی از زندگی روزمره بدل شده است. مردمی که از سوءتغذیه رنج می‌برند، آب آلوده می‌نوشند و زیر آوار خانه‌هایشان یا در چادرهای پناهگاه جان می‌دهند. جهانیان این فاجعه را می‌بینند، اما جهان در برابر این جنایت سکوت کرده است. ۲۲ ماه بی‌عملی، ۲۲ ماه تماشای مرگ تدریجی یک ملت.

کجایید ای امت اسلامی؟

ابوعبیده، سخنگوی گردان‌های القسام، در پیامی که قلب هر انسان آزاده‌ای را به لرزه درمی‌آورد، فریاد زد: «ای سران امت اسلامی و عربی، ای نخبگان و علما، شما در پیشگاه خدا مسئول خون ده‌ها هزار بی‌گناه هستید. آیا امتی بزرگ و پرافتخار نمی‌تواند اندکی غذا، آب و دارو به مردم گرسنه غزه برساند؟» این کلمات، نه‌تنها خطاب به سران کشورهای اسلامی، بلکه هشداری به وجدان‌های خفته جهانی است. چگونه ممکن است جهانی که برای نجات گونه‌های در حال انقراض جانوران تلاش می‌کند، در برابر مرگ کودکان غزه سکوت کند؟

چند روز پس از این پیام، شیخ احمد الطیب، شیخ الازهر، در بیانیهای نادر، نسل‌کشی در غزه را محکوم کرد. اوگرسنگی عمدی تحمیل‌شده‌بر مردم غزه را «جنایتی تمام‌عیار» خواند و از همه دولت‌ها خواست تا برای توقف این فاجعه اقدام کنند. اما این بیانیه، که می‌توانست نقطه عطفی در بیداری وجدان‌ها باشد، تحت فشار دولت مصر و به بهانه مذاکرات آتش‌بس، از فضای مجازی حذف شد. این اقدام، نمادی از بی‌عملی و مماشات کشورهای منطقه در برابر جنایات رژیم صهیونیستی است.

صهیون‌ها به دنبال چه می‌گردند؟

رژیم صهیونی با دستور تانیا‌هو و با تشدید محاصره، به دنبال تسلیم کردن حماس و درهم‌شکستن اراده مردم غزه هستند. استراتژی «گرسنگی» به‌عنوان سلاحی سیستماتیک برای نسل‌کشی به کار گرفته شده است. محاصره کامل،



ممانعت از ورود کمک‌ها و دسترسی محدود به منابع، بخشی از برنامه‌ای است که برای نابودی یک ملت طراحی شده است. حتی علف، که روزگاری مردم غزه برای تهیه نان به آن پناه برده بودند، دیگر در دسترس نیست.

پزشکان در بیمارستان‌های غزه، که خود از گرسنگی و خستگی رنج می‌برند، دیگر توان مراقبت از بیماران را ندارند. برخی در اتاق‌های عمل از حال می‌روند. خبرنگاران، که وظیفه ثبت این فاجعه را دارند، به دلیل ضعف جسمانی نمی‌توانند کار خود را انجام دهند. کودکان در صف‌های غذا بیهوش می‌شوند، مادران یک قرص نان را میان فرزندان گرسنه‌شان تقسیم می‌کنند، و بزرگ‌ترها با آب و نمک روزگار می‌گذرانند. اینها تصاویری از غزه امروز است؛ جایی که ۹۰ درصد کودکان از سوءتغذیه حاد رنج می‌برند، زنان باردار نمی‌توانند فرزندانشان را تغذیه کنند، و بیمارستان‌ها از مرگ کودکان و سقط جنین به دلیل گرسنگی و کم‌آبی خبر می‌دهند.

جهانی که تماشا می‌کند

جهان در برابر این فاجعه چه کرده است؟ سازمان‌های بین‌المللی به انتشار بیانیه‌های تکراری و ابراز نگرانی‌های بی‌پشتوانه بسنده کرده‌اند. دولت‌های غربی، که مدعی حقوق بشر هستند، نه‌تنها سکوت کرده‌اند، بلکه با ارسال سلاح به رژیم صهیونیستی، در این نسل‌کشی شریک شده‌اند. کشورهای عربی و اسلامی، که باید پیش‌قراول دفاع از غزه باشند، در بهترین حالت به محکومیت‌های



پای برهنه، پای وطن/ یک رزمنده پابرنه قسام در میان خارزار، در حالی که یک لانچر آل یاسین ۱۰۵ را حمل می‌کند و به سمت هدف قرار دادن یک تانک مرکاوا در دیر البلح می‌رود.



هزینه میلیون‌دلاری/ نشریه «نیوزویک» اعتراف کرد که برای رهگیری ۱۴ موشک ایرانی شلیک شده به سمت پایگاه آمریکا در قطر، ۳۰ موشک پدافندی پاتریوت شلیک شد که هزینه ۱۱۱ میلیون دلاری روی دست آمریکا گذاشت.

دیدگاه

شماره ۱۱۹۸ | دوشنبه ۶ مرداد ۱۴۰۴

صداق

روزنه

شکست‌های سریالی!



رنا صرار می‌راد

کارشناس مسائل بین‌الملل

مذاکرات روز سوم مرداد در استانبول با اینکه در سطح معاونین سیاسی وزارت خارجه برگزار شد و انتظار نمی‌رود جز تعیین چارچوب مباحث، منجر به دستاورد خاصی نشود، اما یادآور مذاکرات دهه ۸۰ در سمسعدآباد با سه کشور آلمان انگلستان و فرانسه است؛ آن دوره هم به واسطه اشغال عراق توسط آمریکا و تهدیدات این کشور بر علیه جمهوری اسلامی، ایران مایل به مذاکره با آمریکایی‌ها نبود؛ آن زمان هم مانند امروز، محور اصلی مذاکرات برطرف

کردن ابهام بر نامه هسته‌ای ایران بود. با وجود اینکه بررسی فعال شدن مکانیسم ماشه، موضوعی است که از طرف غربی‌ها به عنوان محور مذاکرات مطرح شده است، اما مهم‌ترین مسئله در این مذاکرات تلاش تروینکی‌ای اروپایی برای پایان دادن به ابهام هسته‌ای ایران است.

منابع غیررسمی اعلام کردند که اروپایی‌ها به ایران پیشنهاد داده‌اند که فعال شدن مکانیسم ماشه را به مدت شش ماه به تعویق بیندازند، به شرط آنکه ایران از یک سو به بازرسان آژانس اجازه ورود به کشورمان را بدهد و از سوی دیگر مذاکرات ایران با آمریکا آغاز شود، سخنگوی کاخ سفید در همین رابطه از مذاکره با ایران استقبال کرده است.

به نظر می‌رسد ترامپ پس از سریال شکست‌های در سیاست خارجی، از مذاکره با روسیه در موضوع اوکراین، پرونده غزه و حماس، نامشخص بودن میزان موفقیت حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای ایران، به دنبال ایجاد یک مسیر تازه است تا برای خود آبرو و موقعیتی دست و پا کند. ترامپ فراتر از این داستان با بحران‌های دیگری نیز روبروست، شبکه فساد «اپستین» و ارتباط او با ترامپ هر روز ابعاد تازه‌ای به خود پیدا می‌کند. ظرف روزهای اخیر سی‌ان‌ان عکس و فیلم‌هایی را منتشر کرده که اپستین در مراسم رسمی و غیررسمی زیادی در کنار ترامپ است در حالیکه کاخ سفید در بیانیهای هرگونه ارتباط بین رئیس‌جمهور آمریکا و اپستین را رد کرده است. ترامپ برای منحرف کردن اذهان عمومی از این موضوع به صورت ناگهانی در سخنانی گفت که اوایما در انتخابات دوره اول ریاست‌جمهوری ترامپ سعی کرده است با جعل اسناد اینطور وانمود کند که روس‌ها در انتخابات از ترامپ حمایت کردن و تلاش داشتند که ترامپ در انتخابات شکست بخورد؛ هر چند دفتر اوایما با صدور بیانیه این موضوع را رد کرده است؛ ولی ترامپ دست‌بردار نیست و «پم باندی» وزیر دادگستری را مأمور کرده است اسناد مربوط به اقدامات اوایما را جمع‌آوری کند تا اگر لازم باشد او را به دادگاه بکشاند. در حوزه اقتصادی هم قیمت مسکن کماکان بالا است و تورم هم افزایشی بوده است که این افزایش تورم ناشی از افزایش تعرفه‌ها بر واردات کالا است.

در آخر اینکه یکی از شعارهای ترامپ اخراج مهاجرین بوده است ولی طبق آمار اعلام شده تعداد افرادی که در دوره شش ماهه ترامپ از کشور اخراج شده‌اند نسبت به شش ماهه دوره مشابه اوایما کمتر بوده است؛ نظر سنجی هادر آمریکانشان می‌دهد که محبوبیت ترامپ به حدود ۳۷ درصد رسیده است که در بین تمام رؤسای‌جمهور آمریکا در قرن ۲۱ پایین‌ترین عدد است و خیلی از کارشناسان معتقدند اگر انتخابات ریاست‌جمهوری اکنون در آمریکا برگزار شود، ترامپ شکست می‌خورد.

دیگران

رویکرد ترکیه به جنگ ایران – اسرائیل

تحولات پس از هفتم اکتبر در خاور میانه و درگیری‌های مستقیم ایران و اسرائیل، فرصت‌ها و تهدیدات جدیدی را برای بازیگران کلیدی منطقه از جمله ترکیه و اسرائیل به وجود آورده است. در این میان، این تصور که ترکیه صرفاً برنده اصلی این منازعه بوده و از درگیری دورقیب منطقه‌ای خود بدون آسیب، سود برده است، ساده‌انگاری است. این دیدگاه صفر و صدی، پیچیدگی‌های سیاست خارجی و امنیتی آنکارا را نادیده می‌گیرد و خطر محاسبات استراتژیک نادرست و بی‌ثباتی بیشتر در منطقه را به همراه دارد. آنکارا برای تحقق این هدف، رویکردی ترکیبی را در پیش گرفته که دیپلماسی عمومی قاطع، ملاحظات تجاری استراتژیک و یک وضعیت ضدجاسوسی قدرتمند را با هم ادغام می‌کند. بنابر این، برای درک صحیح دینامیک فعلی، باید میان آنچه واقعی است، آنچه برای مصرف داخلی طراحی شده و آنچه ممکن است موقتی باشد، تمایز قائل شد.

روابط دوجانبه میان ترکیه و اسرائیل، که پس از سفر تاریخی «اسحاق هر تزوگ» به آنکارا در مارس ۲۰۲۲ در مسیر بهبود قرار گرفته بود، با تشدید عملیات نظامی اسرائیل در غزه و فاجعه انسانی متعاقب آن، به شدت رو به وخامت گذاشت. «رجب طیب اردوغان»، به یکی از سرسخت‌ترین منتقدان دولت «بنیامین نتانیاهو» تبدیل شد و در نهایت، در ماه مه ۲۰۲۴، ترکیه در واکنش به ممانعت اسرائیل از ارسال کمک‌های هوایی، محدودیت‌های کامل صادرات و واردات را علیه این کشور وضع کرد. با این حال، پیچیدگی روابط در لایه‌های پنهان آن آشکار می‌شود. در حالی که آنکارا ادعاهای مربوط به تداوم انتقال نفت آذربایجان به اسرائیل از طریق خط لوله باکسو- تفلیس - جیحان را قاطعانه رد می‌کند، منابع ترک تأیید کرده‌اند که گفت‌وگوهای فنی میان دو طرف در آذربایجان برای ایجاد یک سازوکار عدم درگیری در سوریه برگزار شده است. این تعاملات عمل‌گرایانه، به‌ویژه در حوزه‌هایی که منافع بازیگران ثالثی مانند آذربایجان یا ایالات متحده در میان است، نشان می‌دهد که علی‌رغم تنش‌های شدید سیاسی، کانال‌های ارتباطی همچنان پابرجا هستند. با این وجود، احیای کامل روابط در کوتاه‌مدت بسیار بعید به نظر می‌رسد.

در رقابت منطقه‌ای برای یارگیری، ترکیه می‌تواند نقشی تعیین‌کننده ایفا کند. در شرایطی که اسرائیل و ایران هر دو به دنبال تقویت جایگاه و بازسازی روایت‌های خود پس از درگیری هستند، آنکارا می‌تواند با استفاده از نفوذ دیپلماتیک خود، تلاش‌های اسرائیل برای عادی‌سازی روابط با کشورهای عربی، به‌ویژه در چارچوب «پیمان ابراهیم»، را به چالش بکشد. از سویی دیگر، آنکارا می‌کوشد تا ارزش راهبردی خود را برای متحدان غربی، یعنی ایالات متحده و اروپا، برجسته سازد. ترکیه با معرفی خود به عنوان یک عضو ناتو، یک اقتصاد بزرگ عضو گروه G۲۰ و یک بازیگر منطقه‌ای که قادر است از درگیری مستقیم نظامی اجتناب کرده و فضایی برای کاهش تنش دیپلماتیک ایجاد کند، تلاش می‌کند خود را از بازیگران دیگر متمایز سازد. در عین حال، مخالفت قاطع ترکیه با اقدامات نظامی اسرائیل هرگز نباید به معنای همسویی با ایران یا تأیید ضمنی برنامه‌های هسته‌ای تهران تلقی شود. رابطه ترکیه با ایران نیز ماهیتی پیچیده و مبتنی بر رقابت دارد. این موازنه نشان می‌دهد که سیاست خارجی ترکیه بر اساس منافع چندلایه و درک عمیقی از تهدیدات متقابل شکل گرفته است.

اندیشکده نظامی RUSI

بررسی بایسته‌های حکمرانی در دوران آتش‌بس و گذار به آمادگی راهبردی

حکمرانی بیناجنگی!

ناکارآمد گذشته فراهم می‌آورد. این بازاریابی باید با هدف افزایش کارآمدی و در عین حال، حفظ و تقویت مشروعیت نظام صورت پذیرد. این یک موازنه دقیق میان ضرورت و مسئولیت است که نیازمند درایت و آینده‌نگری عمیق است.

♦ **تاب‌آوری داخلی، ستون بازدارندگی**

نکته حائز اهمیت دیگر آن است که تاب‌آوری داخلی، اصلی‌ترین وجه رایج بازدارندگی بین‌المللی است. دشمنی که با یک جبهه داخلی منسجم، یک اقتصاد مقاوم و یک نظام حکمرانی کارآمد مواجه است، هزینه بسیار بالاتری برای هرگونه اقدام نظامی یا خرابکارانه برآورد خواهد کرد. در مقابل، یک کشور با گسست‌های اجتماعی، آسیب‌پذیری‌های اقتصادی و ناکارآمدی‌های مدیریتی، هدفی سهل‌الوصول‌تر به نظر می‌رسد. از این منظر، هر اقدامی در جهت تقویت انسجام داخلی و افزایش تاب‌آوری ملی، به‌طور مستقیم به تقویت قدرت بازدارندگی کشورمان در عرصه بین‌المللی منجر می‌شود. دیپلماسی فعال در دوران آتش‌بس، زمانی بیشترین اثربخشی را خواهد داشت که متکی بر یک پشتوانه داخلی قدرتمند و باثبات باشد. به اعتقاد نگارنده، گذار موفقیت‌آمیز از این دوران پرالتهاب، در گرو دستیابی به یک «درک منظومه‌ای از قدرت ملی» و حرکت به سوی آن است. قدرت ملی دیگر حاصل جمع جبری توانمندی‌های نظامی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نیست، بلکه محصول برهم‌کنش پیچیده و هم‌افزای این مؤلفه‌ها در یک سیستم یکپارچه است. هم‌افزای این مؤلفه‌ها در یک سیستم می‌کند ضعف در یک حوزه، کل سیستم را تضعیف می‌کند و قوت در حوزه‌ای دیگر می‌تواند سایر بخش‌ها را تقویت نماید. حکمرانی در دوران آتش‌بس، هنر مدیریت این منظومه پیچیده است؛ هنری که نیازمند نگاهی کلان، بینارشته‌ای و آینده‌نگر است. اکنون کشورمان در یک چهارراه راهبردی قرار دارد: یک مسیر، ادامه حکمرانی با منطق دوران صلح و مدیریت واکنشی بحران‌هاست که نتیجه آن فرسایش تدریجی تاب‌آوری ملی خواهد بود. مسیر دیگر، پذیرش واقعیت دوران بیناجنگی و مهندسی مجدد است. نظام تصمیم‌سازی کشورمان باید با انتخاب آگاهانه مسیر دوم، این دوره گذار را به فرصتی برای بازاندیشی در مبانی حکمرانی و تبدیل تهدید به یک کاتالیزور برای نوسازی و تقویت درونی بدل سازد. موفقیت در این امر، نه تنها بقای کشورمان را در برابر طوفان‌های پیش رو تضمین می‌کند، بلکه جایگاه آن را به‌عنوان یک بازیگر مقتدر و تعیین‌کننده در معماری نظم نوین منطقه‌ای تثبیت خواهد کرد.

می‌تواند به یک محاسبه راهبردی غلط منجر شود. این وضعیت، بیش از آنکه حاصل «ادغام» دائمی همه گروه‌ها باشد، نتیجه غلبه یک «گفتمان مسلط» ملی- انقلابی و به حاشیه رفتن یا سکوت موقت سایر گفتمان‌ها در چارچوب پدیده «مارپیچ سکوت» است. این سرمایه اجتماعی، اگر به‌درستی مدیریت نشود، پس از رفع تهدید اولیه، به‌سرعت از میان می‌رود. وظیفه نظام حکمرانی، تبدیل این انسجام موقت به یک وفای پایدار ملی است. این امر از طریق گشودن باب گفت‌وگو، تقویت نهادهای مدنی، بازتعریف رابطه دولت و ملت بر مبنای اعتماد و مشارکت متقابل، و مهم‌تر از همه، ارائه و ترویج یک «روایت ملی وحدت‌بخش» محقق می‌شود. در جنگ روایت‌ها، که هم‌زمان با جنگ فیزیکی و حتی شدیدتر از آن در جریان است، دولت نباید صرفاً یک تأمین‌کننده اطلاعات باشد، بلکه باید در جایگاه «معمار معنای ملی» قرار گیرد؛ روایتی که ضمن به رسمیت شناختن تکثرها، افق مشترکی برای آینده ترسیم کرده و حس تعلق جمعی را تقویت نماید.

♦ **بازآرایی ماشین حکمرانی**

ایین تغییر در ماهیت تهدیدات و پویایی‌های اجتماعی، الزماً باید به تحولی متناسب در ساختار و فرآیندهای حکمرانی منجر شود. اداره کشور در شرایط بیناجنگی نمی‌تواند تابع منطق بوروکراتیک، مشورتی و زمان‌بر دوران صلح باشد. سرعت، تمرکز، قاطعیت و انعطاف‌پذیری ساختاری به‌اصول حاکم بدل می‌شوند. این به معنای نفی قانون یا خرد جمعی نیست، بلکه به معنای ایجاد سازوکارهای چابک و مقتدر برای تصمیم‌گیری‌های حیاتی است. مفاهیمی چون «کابینه جنگی» یا «ادغام موقت وزارتخانه‌های هم‌راستا» که در تجارب تاریخی سایر کشورها در شرایط جنگی نیز مشاهده می‌شود، راهکارهایی برای کوتاه‌سازی چرخه تصمیم‌اقدام و تخصیص بهینه منابع به سمت اولویت‌های راهبردی هستند. این دوره آتش‌بس، بهترین فرصت برای طراحی، تمرین و نهادینه‌سازی این ساختارهای اضطراری است تا در روز مبادا، کشور دچار غافلگیری مدیریتی و ساختاری نشود. البته، تمرکزگرایی و افزایش اختیارات اجرایی، خود می‌تواند با چالش‌هایی همراه باشد. ضروری است که این سازوکارهای ویژه، دارای چارچوب قانونی، موقتی و تحت نظارت باشند تا از تبدیل شدن به رویه‌های دائمی و تضعیف نهادهای حفظ‌نخبگانی نیست، بلکه در «معنابخشی» به حضور و فعالیت نخبگان در داخل کشور است. نخبگان باید احساس کنند که تخصص و دانش آنها، بخشی حیاتی از معماری دفاعی و پیشرفت کشور است. باید این حس را در آن‌ها ایجاد کرد که ماندن و ساختن در این سرزمین، خود نوعی جهاد و یک کنش میهن‌پرستانه است. گذار از پارادایم «فرار مغزها» به «قرار و استقرار مغزها» تنها با ایجاد یک پیوند عمیق میان تخصص آنها و رسالت ملی ممکن خواهد بود.

برای بهره‌برداری از این ظرفیت عظیم، نمی‌توان به سازوکارهای سنتی و دستوری اتکا کرد. ما نیازمند معماری یک «زیست‌بوم نوآورانه برای حکمرانی» هستیم که در آن، دولت نه به‌عنوان کارفرما، بلکه به‌عنوان «تسهیلگر» و «سکوی همکاری» عمل کند. برای به‌برداری از این ظرفیت عظیم، نمی‌توان به سازوکارهای سنتی و دستوری اتکا کرد. ما نیازمند معماری یک «زیست‌بوم نوآورانه برای حکمرانی» هستیم که در آن، دولت نه به‌عنوان کارفرما، بلکه به‌عنوان «تسهیلگر» و «سکوی همکاری» عمل کند.

یک منازعه نظامی، می‌تواند به سادگی به گسست اجتماعی و جنگ فرسایشی اقتصادی-اجتماعی بدل شود. این تغییر ماهیت تهدیدات، نیازمند یک بازنگری بنیادین در تعریف «امنیت ملی» و گسترش دامنه آن به حوزه‌هایی است که پیش از این، ذیل سرفصل‌های توسعه‌ای یا اجتماعی طبقه‌بندی می‌شدند.

♦ **اقتصاد در خط مقدم**

تحلیل اقتصاد سیاسی کشورمان به‌عنوان یک «شبکه تولید» درهم‌تنیده، این واقعیت را آشکارتر می‌سازد. همان‌طور که مطالعات و پژوهش‌های مختلف نیز نشان می‌دهد، تاب‌آوری اقتصادی صرفاً به شاخص‌های کلان وابسته نیست، بلکه به سلامت و کارآمدی «گره‌های حیاتی» در این شبکه بستگی دارد. یک اختلال محدود در یک بخش کلیدی مانند انرژی، حمل‌ونقل، ارتباطات یا زیرساخت‌های دیجیتال، می‌تواند تأثیرات آبشاری و فلج‌کننده‌ای بر کل سیستم داشته باشد. دشمن با درک این منطق شبکه‌ای، دیگر صرفاً به دنبال تخریب فیزیکی زیرساخت‌های نظامی نیست، بلکه حملات خود را بر تضعیف «نقاط آسیب‌پذیر» و «گره‌های بحرانی» در شبکه حکمرانی و اقتصادی کشورمان متمرکز می‌کند تا تاب‌آوری ملی را از درون دچار فرسایش کند. این جنگ اقتصادی موازی، تنها در بعد فیزیکی رخ نمی‌دهد، بلکه در حوزه «مدیریت انتظارات» و روانشناسی بازار نیز جریان دارد. القای ناامیدی، دامن‌زدن به بی‌ثباتی و تضعیف اعتماد عمومی به سیاست‌های اقتصادی، خود ابزار کارآمد در دست دشمن است. بنابرین، حکمرانی هوشمندانه در این دوران، مستلزم شناسایی، پایش و حفاظت پیش‌دستانه از این گره‌های حیاتی است؛ امری که فراتر از توان و مأموریت یک دستگاه منفرد بوده و نیازمند هماهنگی میان‌بخشی در بالاترین سطوح حاکمیتی است.

♦ **معماری معنای ملی**

در بعد اجتماعی نیز، فهم پویایی‌های جامعه در شرایط جنگی، اهمیتی حیاتی دارد. نمایش شکوهمند انسجام و وحدت ملی که در طول جنگ اخیر شاهد آن بودیم، پدیده‌ای عمیق و قابل تأمل است. این پدیده را می‌توان با استعاره «سیال غیرنیوتسی» تبیین کرد؛ جامعه در شرایط عادی ممکن است متکثر و حتی دچار گسست به نظر برسد، اما تحت فشار و ضربه ناگهانی یک تهدید خارجی، به‌سرعت منسجم و یکپارچه می‌شود. این «همبستگی موقعیت‌محور» یک سرمایه راهبردی گران‌بهاست، اما اتکا به آن بدون درک ماهیتش،

تهدیدات امروزیین علیه کشورمان دیگر صرفاً در مرزهای جغرافیایی خلاصه نمی‌شود. جنگ سایبری برای از کار انداختن شریان‌های حیاتی، جنگ اقتصادی برای فرسایش تاب‌آوری جامعه، و جنگ شناختی برای تضعیف انسجام ملی، همگی جبهه‌هایی هستند که پیروزی در آنها نیازمند سربازانی از جنسی متفاوت است. یک برنامه‌نویس نخبه که سدی نفوذناپذیر در برابر حملات سایبری ایجاد می‌کند، یک اقتصاددان که راهکارهای خلاقانه برای دورزدن تحریم‌ها طراحی می‌نماید، و یک جامعه‌شناس که پویایی‌های اجتماعی را برای تقویت همبستگی ملی تحلیل می‌کند، همگی در خط مقدم دفاع از امنیت ملی قرار دارند. غفلت از این ظرفیت و نادیده گرفتن نقش این «لشکریان نامرئی»، به معنای واگذاری بی‌دفاع مهم‌ترین جبهه‌ها به دشمن است. یکی از آسیب‌پذیری‌های مزمن و شناخته‌شده کشورمان، پدیده «فرار مغزها» بوده است. این مسئله در شرایط عادی یک چالش توسعه‌ای محسوب می‌شود، اما در دوران بیناجنگی به یک تهدید امنیتی حاد بدل



نوید کمالی

دبیر گروه راهبردی

شرایط کنونی کشورمان و منطقه غرب آسیا را نمی‌توان با مفاهیم متعارف «جنگ» یا «صلح» توصیف کرد. ما در یک وضعیت «بیناجنگی» یا به تعبیر دقیق‌تر، در یک «آتش‌بس شکننده» به سر می‌بریم. جنگ تحمیلی دوازده‌روزه اخیر که با راهبری ایالات متحده و عاملیت رژیم صهیونیستی و با هدف بازتعریف معادلات قدرت در منطقه به کشورمان تحمیل شد، هرچند با پاسخ قاطع نیروهای مسلح و پذیرش آتش‌بس از سوی دشمن موقتاً متوقف گردید، اما یک نقطه عطف راهبردی بود، نه یک رویداد گذرا. این رویارویی، پایان یک فصل و آغاز فصلی جدید در تاریخ منازعات منطقه‌ای است؛ فصلی که در آن، منطق حکمرانی و الزامات اداره کشور، تفاوت‌های بنیادینی با دوران ثبات و آرامش نسبی دارد. از این رو، پرسش محوری پیش روی نخبگان دلسوز نظام تصمیم‌گیری کشورمان این نیست که آیا دور بعدی تنش رخ خواهد داد یا خیر، بلکه این است که چگونه می‌توان ساختار حکمرانی را برای مواجهه با تهدیدات آتی که ماهیتی موجودیتی دارند، بازآرایی کرد و این دوره گذار را به فرصتی برای تقویت راهبردی قدرت ملی بدل نمود؟

♦ **تغییر دستور زبان منازعه**

برای پاسخ به این پرسش بایستی به این نکته توجه کرد که منطق حکمرانی در شرایط عادی بر پیش‌فرض‌هایی استوار است که تهدیدات، عمدتاً غیرسیستمیک، قابل مدیریت و تفکیک‌پذیر هستند. یک بحران اقتصادی، یک چالش زیست‌محیطی یا یک ناترازی در حوزه انرژی، هر یک به‌عنوان مسئله‌ای مجزا در نظر گرفته شده و راه‌حل‌های بخشی برای آن جستجو می‌شود. اما در دوران آتش‌بس، این منطق فرو می‌ریزد و دستور زبان منازعه تغییر می‌کند. در چنین شرایطی، هر پدیده یا ناترازی داخلی، فارغ از منشأ آن، می‌تواند به یک متغیر در معادله امنیت ملی و یک اهرم فشار در دست دشمن تبدیل شود. تهدیدات از ماهیت متقارن نظامی به سمت ماهیتی نامتقارن، ترکیبی و شناخت‌محور حرکت می‌کنند. بحران فراینده ناترازی آب و برق و پیامدهای آن بر صنعت و معیشت شهروندان، دیگر یک مسئله صرفاً فنی یا رفاهی نیست؛ بلکه یک آسیب‌پذیری راهبردی است که در بزنگاه



فریدون حیدری حویق

کارشناس سیاسی

در دوران شکننده آتش‌بس، هنگامی که غبار نبرد فرو می‌نشیند و صدای توپ‌ها خاموش می‌شود، ارزیابی قدرت ملی غالباً بر معیارهای سخت‌افزاری متمرکز می‌گردد از جمله تعداد موشک‌های باقی‌مانده، حجم ذخایر راهبردی و استحکام زیرساخت‌های اقتصادی. اینها بلاشک مؤلفه‌هایی حیاتی هستند، اما در پارادایم نوین منازعات که ماهیتی ترکیبی، فناوریانه و شناختی دارد، تعیین‌کننده‌ترین سرمایه کشورمان نه در سیلوهای موشکی، که در اذهان و توانمندی‌های نخبگان و سرمایه‌های انسانی آن نهفته است. دوران بیناجنگی، یک مسابقه تسلیحاتی برای کسب زمان است؛ اما این رقابت بیش از آنکه بر سر ساخت جنگ‌افزار باشد، بر سر حفظ، سازماندهی و جهت‌دهی به ارزشمندترین دارایی ملی، یعنی «سرمایه انسانی» است.

اندیشکده

معماری بسیج نخبگانی

مروری بر سرمایه انسانی، سپر راهبردی کشورمان در دوران آتش‌بس

تشکیل «هسته‌های راهبردی» و «کارگروه‌های ویژه» متشکل از نخبگان دانشگاهی، فعالان بخش خصوصی و مدیران دولتی برای حل مسائل کلیدی کشور در حوزه‌هایی چون امنیت آب و انرژی، تاب‌آوری زنجیره‌های تأمین، و دیپلماسی علمی و فناوری، می‌تواند اولین گام در این مسیر باشد. این هسته‌ها باید ضمن برخورداری از استقلال عمل، دسترسی به اطلاعات و حمایت حاکمیتی، مأموریت‌های مشخص و نتیجه‌محوری را برای تقویت آمادگی ملی در برابر تهدیدات پیش‌رو بر عهده گیرند. این همان «بسیج نخبگانی» است که ماهیتی هوشمند، شبکه‌ای و داوطلبانه دارد. بدون شک، دوران آتش‌بس، فرصتی حیاتی برای بازسازی و تقویت بنیه دفاعی کشورمان است. اما باید تعریف خود از «بنیه دفاعی» را گسترش دهیم. در این دوران، قدرت واقعی ما نه فقط در توانایی پاسخ نظامی، بلکه در توانایی حل مسائل پیچیده داخلی، نوآوری فناوریانه و حفظ انسجام اجتماعی نهفته است؛ امری که همگی به دست توانمند سرمایه‌های انسانی و نخبگان کشور محقق می‌شود.

پیشخوان

غول‌های خشکسالی



روزنامه «نیویورک تایمز» از ارتباط ساخت مراکز داده‌غول‌های فناوری آمریکایی، از جمله شرکت متا، در شهرهای مختلف این کشور با خشک شدن چاه‌های آب خبر داد و افشا کرد که هزینه آب شهری در این مناطق به شدت افزایش یافته و شهرها ممکن است با کمبود این منبع حیاتی مواجه شوند. به نوشته این روزنامه، در عصر هوش مصنوعی، آب برای مراکز داده، که توسعه فناوری‌های پیشرفته را ممکن می‌سازند، به اندازه برق اهمیت یافته است. این تأسیسات مقادیر عظیمی آب سرد را به لوله‌هایی که در سرتاسر ساختمان کشیده شده‌اند پمپاژ می‌کنند تا کامپیوترها را خنک نگه دارند و امکان انجام محاسبات و ارائه خدمات اینترنتی مانند شبکه‌های اجتماعی را فراهم کنند. نیویورک تایمز افزود: «یک مرکز داده مانند متا که سال گذشته تکمیل شد، معمولاً روزانه حدود ۵۰۰ هزار گالن آب مصرف می‌کند. مراکز داده جدیدی که برای آموزش هوش مصنوعی قدرتمندتر ساخته می‌شوند، به آب بیشتری نیاز خواهند داشت، احتمالاً میلیون‌ها گالن در روز. یک شرکت مرکز داده روزانه ۹۰ میلیون گالن آب درخواست کرده بود که معادل مصرف ۳۰ هزار خانوار است. مشکلات آبی ایجاد شده توسط این شرکت‌ها در ایالت‌های متعددی چون نیوتون، نگزاس، آریزونا، لوئیزیانا و حتی کشور امارات متحده عربی در حال رخ دادن است.»

قحطی در غزه



روزنامه «واشنگتن پست» نوشت: «پس از چهار ماه محاصره کامل (رژیم) اسرائیل، بیمارستان‌های معهود باقی‌مانده در غزه اکنون بخش‌هایی برای کودکان مبتلا به سوءتغذیه دارند که بدن‌های کوچکشان به اندازه عرض استخوان‌هایشان لاغر شده است. پزشکان به حدی گرسنه‌اند که هنگام انجام وظایف خود دچار سرگیجه می‌شوند، و روزنامه‌نگارانی که این شرایط را مستند می‌کنند، اغلب آنقدر ضعیف هستند که حتی توانایی راه رفتن تا کلینیک‌ها را ندارند.» به نوشته این روزنامه، ماه‌هاست که سازمان‌های امدادی درباره وقوع یک فاجعه هشدار می‌دادند، زیرا رژیم صهیونیستی جریان کمک‌های بشردوستانه به نوار غزه را متوقف کرد. شهادت‌های پزشکان، کارکنان امدادی و ساکنان غزه نشان می‌دهد که بدترین سناریو در حال وقوع است. بر اساس گزارش سازمان ملل، تقریباً از هر سه نفر یک نفر چندین روز است که چیزی نخورده، و بیمارستان‌ها از افزایش مرگ‌ومیر ناشی از سوءتغذیه و گرسنگی خبر می‌دهند. این روزنامه نوشت: «توانایی غزه برای تولید غذای خود تقریباً به طور کامل نابود شده، زیرا (رژیم) اسرائیل زمین‌های کشاورزی و کارخانه‌ها را از بین برده است. با افزایش گرمای تابستان، غیرنظامیان گرسنه و تشنه دیگر ذخیره‌ای از غذا ندارند. ساکنان این منطقه به جای آن به کمک‌های بشردوستانه وابسته‌اند که اکثر مردم تحت سیستم جدید اسرائیل به راحتی به آن دسترسی ندارند.»

خبرنگار آمریکایی در گفت‌وگوی اختصاصی با صبح صادق

مرگ بر آمریکا و اسرائیل شعار جهانی برای آزادی است

زهراتوحیدیان

دبیر گروه بین‌الملل

کالا والش خبرنگار و فعال مدنی آمریکاییست که به همراه تیمی از خبرنگاران بین‌المللی برای بازدید از آثار جنایات رژیم صهیونیستی به ایران سفر کرد. این دانشجوی جوان آمریکایی سال‌هاست علیه سیاست‌های امپریالیستی کشور مطبوع خود فعالیت می‌کند از مخالفت با اقدامات خصمانه واشنگتن علیه کویا تا مخالفت با جنایات رژیم صهیونیستی علیه مردم غزه. او مطابق رویه همیشگی ایالات متحده بعد از بازگشت به کشورش در فرودگاه بازداشت شد و تحت بازجویی چند ساعته قرار گرفت. به بهانه سفرش به ایران، با او به گفت‌وگو نستیم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

لطفاً به عنوان اولین سؤال بگویید تجربه سفر شما به ایران چگونه بود؟

ما اولین گروه از روزنامه‌نگاران خارجی بودیم که پس از جنگ ۱۲ روزه تحمیلی به ایران سفر کردیم. این سفر واقعاً زندگی‌ام را تغییر داد. دیدن ویرانی‌های وحشتناک و تلفات انسانی ناشی از تجاوز آمریکا- صهیونیستی بسیار تکان‌دهنده بود. از آنجا که من در به اصطلاح «ایالات متحده» بزرگ شده‌ام، هرگز در زندگی‌ام زیر بمباران هوایی نبوده‌ام یا قبل از این سفر، در میان ویرانی‌های ساختمان‌های مسکونی غیرنظامی، بیمارستان‌ها، آمبولانس‌ها و ساختمان‌های خبری که توسط موشک‌ها سوخته بودند، نایستاده بودم. نمی‌توانم توصیف کنم که بیرون آوردن اسباب‌بازی کودکان، کشش زنان و تکالیف مدرسه دانش‌آموزان از میان آوارها چه حسی دارد. اسکلت سوخته ساختمان صدواوسیمما در میان انبوهی از خرده‌شیشه‌ها، وحشت‌انگیزترین چیزی بود که تا به حال دیده‌ام. در غرب، سکوت کامل رسانه‌ای درباره این حملات وجود دارد. برایم جالب بود که بسیاری از مردم زندگی روزمره خود را به طور عادی ادامه می‌دهند، اما گمان می‌کنم تهدید مداوم تجاوز صهیونیستی و واقعیتهایی که اکثر ایرانی‌ها به آن عادت کرده‌اند. من با خوشبینی بیشتری درباره آینده از ایران خارج شدم، زیرا با وجود پیچیدگی‌ها و اختلافات در جامعه، مردم ایران به نظر می‌رسد بیش از هر زمان دیگری متحد و مقاوم در برابر صهیونیسم هستند و افرادی‌شماری به من گفتند که این جنگ، ایران را قوی‌تر کرده و آنها حتی برای جنگ‌های احتمالی بعدی نیز آمادگی کامل دارند.

به عنوان یک فعال آمریکایی، نظر شما درباره هدف قرار دادن غیرنظامیان ایرانی و ترور دانشمندان هسته‌ای توسط رژیم صهیونیستی چیست؟

رژیم صهیونیستی بسا دو برابر کردن تاکتیک‌های نسل‌کشی و هدف قرار دادن غیرنظامیان، نشان می‌دهد



که یک بیر کاغذی ترسو و ضعیف است، و قدرت و اتحاد جامعه مدنی ایران، که گهواره مقاومت مردمی است، مانع بزرگی برای آنهاست. مهم نیست که تانیاها و رژیم صهیونیستی چقدر ادعا می‌کنند که کنار «مردم ایران» ایستاده‌اند، واضح است که تجاوز آنها علیه تمام مردم ایران و حاکمیت جمهوری اسلامی است، اما این تنها اثر معکوس داشته و کشور را بیش از پیش متحد کرده است. هدف قرار دادن دانشمندان هسته‌ای، فرماندهان نظامی که مشغول خدمت نبوده‌اند (و طبق قوانین بین‌المللی هدف نظامی مشروع تلقی نمی‌شوند)، کارکنان بهداشتی، روزنامه‌نگاران و کودکان توسط صهیونیست‌ها نشان می‌دهد که آنها می‌خواهند همان روشی را که در غزه و لبنان اجرا کردند، علیه ایران به کار بگیرند. صهیونیست‌ها دهه‌هاست که دانشمندان هسته‌ای و غیرنظامیان ایرانی را هدف قرار داده‌اند. همانطور که آرمن رضایی‌نژاد، دختر داریوش رضایی‌نژاد، دانشمند هسته‌ای شهید ایران، برایمان گفت: «به اشتباه این جنگ، جنگ ۱۲ روزه نامیده شده، در حالی که من پدرم را ۵۰۷۴ روز پیش از دست دادم.» وقتی از یک نمایشگاه انرژی اتمی بازدید کردیم، دیدم که ایران در حال تولید داروهای درمان سرطان است، زیرا تحریم‌های آمریکا مانع واردات بسیاری از داروهای نجات‌بخش به ایران شده است. یکی از دانشمندان شهید شده در این دور از تجاوز، تنها چند ماه با توسعه یک درمان جدید برای سرطان فاصله داشت. دانشمندان هسته‌ای ایران از شجاع‌ترین و قهرمان‌ترین افراد جهان هستند. ایرانی‌ها به من گفتند که رهبر معظم انقلاب فتوایی علیه توسعه سلاح هسته‌ای مطابق با قوانین اسلام صادر کرده‌اند و تمام فعالیت‌های هسته‌ای ایران برای اهداف کاملاً صلح‌آمیز علمی است. با این حال، اگر ایران تصمیم بگیرد مانند کره شمالی برای ایجاد بازدارندگی سلاح هسته‌ای بسازد، با توجه به تجاوزها و تهدیدهای بی‌پایان غرب، کاملاً حق دارد و من از آن حمایت می‌کنم؛ زیرا آمریکا تنها رژیمی است که تاکنون از سلاح هسته‌ای علیه انسان‌ها استفاده کرده است.

به عنوان یک آمریکایی، نظرتان درباره

شعار «مرگ بر آمریکا» چیست؟ چرا خودتان این شعار را تکرار کردید؟

هویت «آمریکایی»، دقیقاً مانند هویت «اسرائیلی»، یک ساختار استعماری مهاجرنشین است که بر اساس سرزمین‌زدی و نسل‌کشی مردم بومی بنا شده است. در مورد ایالات متحده، نسل‌کشی مردم بومی و آفریقایی تبار بیش از چهار قرن است که ادامه دارد و مستقیماً به الهام‌بخش رایش چهارم و پروژه‌های استعماری صهیونیستی تبدیل شده است. رهبری ایران و مقام معظم رهبری همواره واضح بیان کرده‌اند که این شعار متوجه مردم تحت ستم و مستعمره درون ایالات متحده نیست، بلکه دشمن مشترک ماست؛ طبقه حاکم امپریالیست. بنابراین، «مرگ بر آمریکا» شعاری بود که از قبل با آن آشنا بودم و از آن حمایت می‌کنم. در طول سفرمان، از ساختمان شیشه‌ای صدواوسیمما بازدید کردیم که صهیونیست‌ها با یازده موشک آن را هدف قرار دادند در حالی که گزارشگران در داخل این ساختمان در حال پخش زنده اخبار بودند. با سحر امامی ملاقات کردیم که به خبرنگار قهرمان مقاومت تبدیل شده و مراسمی با خانواده‌های شهدای روزنامه‌نگار و دانشمندان هسته‌ای داشتیم. ما این فرصت را داشتیم که در یک طومار مبارزه با تروریسم علیه روزنامه‌نگاران را امضا کنیم و این فرصت در اختیار من قرار گرفت تا چند کلمه‌ای صحبت کنم. از این فرصت استفاده کردم و شعارهای «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل» را به فارسی تکرار کردم تا نشان دهم که این شعارها به یک شعار جهانی برای آزادی تبدیل شده‌اند، حتی برای شهروندان آمریکایی که توسط دولت خود تحت ستم هستند. همانطور که «مرگ بر اسرائیل» به معنای آزادی فلسطینیان است، «مرگ بر آمریکا» به معنای آزادی مردم بومی، آفریقایی‌تبار، پورتوریکویی، هاوایی و همه مردم مستعمره درون به اصطلاح «ایالات متحده» و آزادی هر کشوری در جهان است که مورد تجاوز و اشغال آمریکا قرار گرفته است.

نظر شما درباره حمایت همه‌جانبه دولت آمریکا از اقدامات جنگ‌طلبانه رژیم صهیونیستی که برخلاف حقوق بشری و حقوق بین‌الملل است، چیست؟

آمریکاراهبریک نظام جهانی امپریالیستی است که برای حفظ هژمونی خود نیاز به گسترش بی‌پایان، سودجویی از جنگ، نسل‌کشی و انباشت ضایعات دارد. بنابراین، مبارزه ما صرفاً مبارزه با صهیونیسم نیست، بلکه باید آن را مبارزه با نظام جهانی امپریالیسم و سلطه غرب دانست. برخلاف ادعای برخی، آمریکا برخلاف منافع خود عمل نمی‌کند یا توسط لابی‌گران قریب نخورده تا از صهیونیسم حمایت کند؛ این یک انحراف نیست، بلکه کاملاً در راستای منافع آمریکاست که از این نسل‌کشی علیه فلسطین و پروژه «اسرائیل بزرگ» برای استعمار نهایی کل منطقه، از بین بردن دائمی هرگونه چشم‌انداز وحدت عربی و سرنگونی جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت حمایت می‌کند. مهم

نیست که آمریکا چه تصویری ارائه می‌دهد، موجودیت صهیونیستی بدون حمایت بی‌قید و شرط نظامی، مالی و سیاسی آمریکا وجود نخواهد داشت. از کره تا ویتنام، کوبا، آنگولا، یوگسلاوی، عراق، افغانستان، لیبی و سوریه، آمریکا هرگز به حقوق بین‌الملل پایبند نبوده، فقط وقتی به نفعش باشد، آن را به عنوان سلاح علیه دشمنانش استفاده می‌کند. آمریکا ایران، کوبا و کره شمالی را به عنوان «حامیان دولتی تروریسم» معرفی می‌کند، در حالی که واضح است که خود آمریکا بزرگترین حامی دولتی تروریسم در جهان است.

نظر مردم درباره این موضوع چیست؟ آیا از این موضع دولت آمریکا حمایت می‌کنند؟

از نظر افکار عمومی، قطعاً نه. پس از طوفان قهرمانانه الاقصی، تحول عظیمی در آگاهی ضدامپریالیستی حتی در قلب غرب رخ داده است. در غرب افرادی هستند که برای مشارکت در مقاومت مسلحانه علیه رژیم صهیونیستی مورد حمایت آمریکا از خود گذشتگی نشان دادند. این جنبش یکپارچه نیست؛ برخی صرفاً به صورت زبانی مخالف سیاست‌های آمریکا هستند، در حالی که برخی دیگر از ما، خود را بخشی از یک محور بین‌المللی مقاومت می‌دانیم که وظیفه دارد جبهه جدیدی علیه امپریالیسم را از درون شکم این هیولا باز کند. وقتی در ایران بودم، بسیاری از ایرانی‌ها از من خواستند که این پیام را به «مردم آمریکا» برسانم که ما همه دوست هستیم و تنها دولت آمریکا دشمن است. با وجود اینکه از کشوری می‌آیدیم که به ایران حمله کرده و آن را تحریم می‌کند، با مهربانی و بزرگواری بسیاری از ما استقبال شد. با این حال، مهم است که بپذیریم با وجود رشد جنبش ضدامپریالیستی، هنوز بسیاری در آمریکا، از جمله طبقه کارگر، در ادامه امپریالیسم و صهیونیسم سرمایه‌گذاری و مشارکت مستقیم دارند. همانطور که یک پژوهشگر ایرانی اخیراً بیان کرده، «طبقه کارگر اروپایی- آمریکایی به یک سبک زندگی/ مزایایی متعهد هستند که بر استعمار فوق‌العاده حاشیه بنا شده و برای حفظ آن نسل‌کشی را می‌پذیرند.» طبقه کارگر «اسرائیلی» هم مشابه طبقه کارگر آمریکاست که با ساخت بمب‌ها و موشک‌های مورد استفاده علیه محور مقاومت امرار معاش می‌کند، با دسترسی به سودهای فوق‌العاده امپریالیستی انزاق می‌کند و فقط حاضر به هیچ اقدام مادی یا خودگذشتگی نیستند. این تناقضی است که ما باید در تلاش برای ساختن جنبش مقاومت خودمان در اینجا با آن دست و پنجه نرم کنیم. رژیم‌های آمریکا و صهیونیستی قطعاً ضعیف‌تر و نامحبوب‌تر از همیشه هستند.

با تشکر از این که وقت خود را در اختیار ما قرار دادید. برای شما و مردم آزادی‌خواه آمریکا آرزوی پیروزی و موفقیت داریم.

خیال اشتباه

«رابرت مالی»، نماینده سابق آمریکا در امور ایران، گفت: «تحریم‌های فلج‌کننده اقتصادی، بخشی از میراث دولت اوباما بود. با این حال، تصور اینکه اعمال فشار اقتصادی به‌تنهایی می‌تواند ایران را به عقب‌نشینی وادار کند، نادرست است. ایران در برابر فشارها، حاضر نیست امتیازات راهبردی خود را بدون دریافت امتیاز متقابل واگذار کند. حتی کمپین فشار حداکثری ترامپ نیز موفق نشد ایران را به عقب‌نشینی وادار کند.» وی استفاده از گزینه نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای ایران را اقدامی اشتباه دانست و تصریح کرد: «این حملات نه تنها باعث اعتراض یا قیام مردم نشد، بلکه نوعی همبستگی ملی در واکنش به تهدید خارجی ایجاد کرد.»



نابودی غیرممکن

«رابرت گیتس»، وزیر دفاع پیشین آمریکا، با اشاره به اینکه بحث حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران نخستین بار در دوران ریاست جمهوری جورج بوش مطرح شد، اظهار کرد: «در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ که وزیر دفاع بودم، به رئیس‌جمهور وقت گفتم که می‌توانیم به تأسیسات هسته‌ای ایران آسیب جدی وارد کنیم، اما نابودی کامل آن ممکن نیست.» او با بیان اینکه موضعش تغییری نکرده است، افزود: «حتی امروز نیز حملات نظامی آمریکا ممکن است برنامه هسته‌ای ایران را به عقب براند، اما هرگز نمی‌تواند آن را به‌طور کامل از بین ببرد؛ چرا که ایرانی‌ها نمی‌توانند آنچه را که قبلاً آموخته‌اند، فراموش کنند.»



چوپان دروغگو

«هانتز بایدن»، فرزند جو بایدن رئیس‌جمهور سابق آمریکا، گفت: «تتائیاها ۲۲ سال است که می‌گویند ایران در آستانه دستیابی به سلاح هسته‌ای است...؟ و هر بار اشتباه کرده است. او همان چوپانی دروغگوئی است که هر روز فریاد می‌زند گرگ.» وی با تأکید بر اینکه نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی از تهدید ایران به عنوان یک ابزار سیاسی استفاده کرده، به تداوم هشدارهای تانیاها اشاره کرد و گفت: «تانیاها از سال ۱۹۹۶ در مورد سلاح هسته‌ای بالقوه ایران هشدار داده است اما سیاست‌های او در مورد ایران با انگیزه تمایل به دور ماندن از زندان، در بحبوحه محاکمه کیفری دنبال می‌شود.



یادداشت

مشکل، اجرا نشدن قانون است

موسی الرضا ثروتی

نماینده ادوار مجلس



موضوع ارز و نرخ آن متأسفانه طی سال‌های اخیر همواره تابع جو سیاسی حاکم بر جامعه بوده است، برای نمونه بخش روانی جامعه معتقد است، وقتی مذاکراتی انجام می‌شود قیمت دلار کاهش می‌یابد یا شاخص بورس رشد می‌کند؛ موضوعی که در واقعیت نیز محقق می‌شود. عواملی نیز بر این موضوع تأثیرگذار هستند و فراتر از آن به این نگاه دامن می‌زنند، از جمله اینکه طیفی که می‌خواهند همه چیز را به روابط با آمریکا، مذاکره با غرب و... ارتباط دهند؛ در حالی که رهبر معظم انقلاب بارها فرمودند ما نباید اقتصاد را به مذاکره گره بزنیم. زمان برجام نیز همین اشتباه رخ داد و همه چیز متأسفانه به نتیجه مذاکرات گره خورد. بنده آن زمان در مجلس حضور داشتم چهار بار برای برجام رأی‌گیری شد که من سه بار آن را رأی منفی دادم و آخرین بار و پس از آنکه برجام در شورای عالی امنیت ملی مورد بحث قرار گرفت، من رأی مثبت دادم.

آن زمان به آقای ظریف در مجلس تأکید می‌کردیم که حتماً تعهدات و مراحل اجرای آن باید گام به گام باشد، اما متأسفانه در نهایت این اتفاق نیفتاد و ما به صورت دفعی همه اقدامات را انجام دادیم اما طرف مقابل به هیچ کدام از تعهدات خود پایبند نبود. در تمام مذاکراتی که طی نیم قرن اخیر یک طرف آن آمریکایی‌ها بودند ما همواره شاهد عهدشکنی و خلف وعده آنها بوده‌ایم و انصافاً اعتماد به آمریکا یک ساده‌لوحی آشکار است. برای حرکت اقتصاد نباید به مذاکرات و نتایج آن خوشبین بود یا امید بست.

ما الان در سال سرمایه‌گذاری برای تولید هستیم و در دوره‌ای که موضوع برجام نیست و تحریم‌ها وجود ندارد ما توانستیم حدود پنج میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی داشته باشیم، در حالی که حتی در سال‌های برجام نیز چنین رقمی وجود نداشت. این نشان می‌دهد جذب سرمایه‌گذاری ارتباطی به برجام و... ندارد؛ وقتی که ما با حدود ۱۵ کشور مرز آبی و خاکی داریم یا عضو پیمان‌هایی مانند بریکس و شانگهای هستیم به این معناست که نباید خودمان را محدود کنیم، نباید تجربه‌هایی مانند تعلل در انتخاب سفیر چین یا امضای قرارداد ۲۵ ساله را تکرار کنیم تا بستر زمینه‌های شرطی شدن اقتصاد فراهم شود.

موضوع بعدی این است که یکی از مشکلات اساسی ما است، اجرای نشدن قانون در کشور است. ما قوانین خوبی داریم که اجرا نمی‌کنیم؛ برای نمونه ما قانون رفع موانع تولید را در مجلس داشتیم که بر اساس آن قرار بود در سه سال به ۲۱ هدف برسیم، الان ۱۲ سال از تصویب این قانون می‌گذرد و ما به ۳۰ درصد از اهداف آن هم نرسیده‌ایم. نه تنها دولت بلکه خود مجلس هم به عنوان قانون‌گذار گرفتار این موضوع است و به قوانین موضوعه خودش هم عمل نمی‌کند، برای نمونه؛ در مجلس به قانون «تنقیح قوانین» عمل نمی‌شود؛ دستور عملی که براساس آن باید هر قانون مصوب خانه ملت، یک سال پس از تصویب مجدداً بررسی شده و ایرادات آن برطرف شود، اما نمایندگان به این موضوع عمل نمی‌کنند.



ساحل عباسی

خبرنگار

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس گفت: «متأسفانه تا کنون نه تنها تولید در سیاست‌گذاری‌های انجام شده در کشور اولویت نبوده است بلکه همه خرابی‌ها را نیز بر سر تولید آوار کرده‌اند به نحوی که هر جا که نمی‌توانند کاری انجام دهند تولید را هدف قرار می‌دهند. لازم به ذکر است که سنگاندازی‌ها و مصائب مرتبط با تولید بحث امروز و دیروز نیست، بلکه سال‌هاست دچار این آفت اقتصادی شده‌ایم.»

«مرتضی عزتی» اقتصاددان و عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس در گفت‌وگو با صدق در پاسخ به این پرسش که به نظر شما مهمترین مؤلفه‌ای که عامل چالش‌سازی برای اقتصاد ایران بوده چیست، به موضوع بی‌توجهی به رشد تولید اشاره کرد و گفت: «مسائل مختلفی در حوزه اقتصادی مورد توجه قرار گرفته اما واقعیت این است که منافع عمومی در آن لحاظ نشده است زیرا برخی مبنا و اصل را بر پایه سود و زیان خود و نه تأمین منافع ملی تعریف کرده‌اند.»

وی در این باره خاطر نشان کرد: «اگر مدیران، فعالان اقتصادی و اعضای اتاق بازرگانی و... اصل و مبنا را رشد تولید قرار می‌دادند و در این باره اطلاعات درست را با مسئولان تراز اول کشور در میان می‌گذاشتند بی‌تردید وضعیت امروز کشور در حوزه‌های مختلف اقتصادی تا این اندازه چالش برانگیز نبود.»

مرتضی عزتی گفت: «وقتی مشکلات و کسب سودهای شخصی جایگزین توجه به منافع ملی شود طبیعی است که تولید نیز پس زده می‌شود. متأسفانه سال‌هاست درگیری‌های حزبی و جناحی جای خود

را به انگیزه و شور و شوق برای رشد تولید داده است. فعالان اقتصادی به دنبال تأمین ارز خود هستند یکی دنبال صادرات بیشتر و یکی دنبال واردات خود و دریافت ارز دولتی است؛ یعنی بخش‌های مختلف به دنبال حفظ منافع شخصی خود هستند و منافع ملی در اولویت نیست و تولید کنار گذاشته شده است در حالی که مهمترین مشکل امروز ما کاهش تولید و عدم نگاه جامع نگرانه به رشد تولید است. این موضوع یعنی عدم توجه به تولید در حالی است که رشد و جهش تولید طی سال‌های اخیر شعار اصلی سال‌های مختلف بوده یعنی اولویت اصلی کشور باید توجه به این موضوع باشد اما در واقعیت به هیچ وجه اینگونه نبوده است.»

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس معتقد است: «اگر کشور سال‌های گذشته مسیرهای انحرافی را طی نمی‌کرد، بدین معنا که مسئولان امر تمام هم و غم خود را روی افزایش تولید قرار می‌دادند امروز وضعیت ما قطعاً خیلی بهتر از آنچه اکنون در آن قرار داریم بود. مسئله این است که دولت‌ها به فکر رفع کسری بودجه خود از جیب مردم با افزایش تورم هستند؛ افزایش توری که در واقع فشار اصلی آن روی مردم و منافع آن برای دولت است، بنابراین به نظر می‌رسد به دلیل این ذی نفع بودن دولت نگرانی چندانی نسبت به افزایش و جابه جایی قیمت‌ها ندارد.»

مرتضی عزتی گفت: «حل کسری بودجه اولویت اول دولت است اما این امر بدون توجه به راهکارهایی که فشار را از روی مردم بردارد دنبال می‌شود؛ بنابراین دولت هر اقدامی در این راستا می‌کند فشار آن بر روی مردم است. اگر چه صادرکنندگان خواهان صادرات بیشتر هستند اما این هدف بدون توجه به این موضوع است که آن‌ها به این باور رسیده باشند که مشکلات کشور مگر با رشد و جهش تولید حل نمی‌شود.»

وی در این باره تصریح کرد: «رشد تولید به معنای

مرتضی عزتی در گفت‌وگو با صدق صادق

منافع ملی با رونق تولید محقق می‌شود



مثال زمانی که تولیدکننده می‌تواند تولید کند برق قطع می‌شود و عملاً تولید متوقف می‌شود. متأسفانه بی‌آبی هم به این وضعیت اضافه شده است. طبیعتاً نمی‌توان دو روز کامل در هفته بدون برق تولید داشت. برق تولیدی‌ها هر روز از ساعت ۶ بعد از ظهر قطع می‌شود. این موارد یک به یک نشان می‌دهد گویا عده‌ای در کشور عامدانه تولید را تحت آسیب‌های جدی قرار داده‌اند.»

وی افزود: «بی‌تردید اصلی‌ترین مشکل کشور سنگ‌اندازی‌هایی است که بر سر راه تولید ایجاد کرده‌اند. در صورتی که موانع پیش روی تولید برطرف نشود یعنی اولویت اول کشور روی رشد تولید قرار داده شود بسیاری از مشکلات کشور حل می‌شود.»

مرتضی عزتی معتقد است: «متأسفانه تا کنون نه تنها تولید در سیاست‌گذاری‌ها اولویت نبوده است بلکه همه خرابی‌ها را بر سر تولید آوار کرده‌اند. هر جا که نمی‌توانند کاری انجام دهند تولید را هدف قرار می‌دهند. لازم به ذکر است که سنگ‌اندازی‌ها و مصائب مرتبط با تولید بحث امروز و دیروز نیست، بلکه سال‌هاست دچار این آفت اقتصادی شده‌ایم.»

این کارشناس و تحلیلگر مسائل اقتصادی گفت: «اگر دولت و حاکمیت به فکر تجدید نظر اساسی در راهبردهای خود است از بخش تولید باید شروع کند زیرا مطمئناً عده‌ای عامدانه فقط به تولید ضربه می‌زنند تا مانع رشد و توسعه اقتصاد ایران و مانع رفاه مردم شوند.»

وی در پایان این گفت‌وگو خاطر نشان کرد: «وضعیت افت تولید هر سال نسبت به سال قبل تشدید می‌شود به نحوی که به نظر می‌رسد در صورت عدم تجدید نظر جدی در این حوزه باید منتظر آسیب شدید به ساختارهای اقتصادی و نگرانی‌های بزرگتری باشیم که آثار خود را در حوزه سیاسی و اجتماعی نمایانگر می‌کند.»

بالا رفتن میزان درآمد، اشتغالزایی، سرمایه‌گذاری معنا دار و هدفمند در فعالیت‌های مولد و ایجاد رضایت خاطر در عموم آحاد جامعه است. به دنبال اشتغالزایی و رونق گرفتن فعالیت‌های تولیدی، درآمدهای مالیاتی دولت نیز افزایش می‌یابد و هم دولت وضعیت مالی خوبی پیدا می‌کند هم شرایط تولیدکننده و هم مردم بهبود می‌یابد، پس دولت می‌تواند بسیاری از چالش‌های اقتصادی را بدون تحمیل تورم‌های بالا به مردم حل کند.»

این کارشناس و تحلیلگر اقتصادی تأکید کرد: «متأسفانه طی چند سال اخیر همه سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها ضد تولید بوده است؛ به عنوان مثال بانک مرکزی که خواهان حل ناترازی ارزی است فشار عدم اعطای تسهیلات را فقط بر تولیدکننده وارد کرده است یعنی وام به افرادی داده شده که سفارش شدگان مجلس و سایر مسئولان هستند و در بخش اصطلاحاً رانتی‌های اقتصاد قرار دارند، اما کسی که خواهان راه‌اندازی خطوط تولید یا فعال‌سازی و استفاده هر چه بیشتر از ظرفیت‌های تولیدی در کشور هستند عموماً مورد بی‌مهری بانک مرکزی و نظام بانکی قرار می‌گیرد و منابعی دریافت نمی‌کنند.»

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس یادآور شد: «با اینکه تلاش‌هایی برای بهبود فضای کسب‌وکار صورت گرفته اما افرادی که در این پست‌ها و کارمندانی که در این ادارات حاضر هستند خود مشکل آفرین می‌شوند؛ زیرا کاری که دوروز باید انجام شود طی دو هفته نیز انجام نمی‌شود. کارمندان پشت کامپیوترهای خود می‌نشینند و اصطلاحاً حضور فیزیکی دارند اما کاری نمی‌کنند.»

وی درباره آسیب‌های وارده ناشی از ناترازی انرژی به تولید نیز گفت: «عمده کمبود برق و گاز و آب بر سر تولیدکنندگان شکسته می‌شود یعنی همه فشارها روی تولیدکننده وارد می‌شود. برای

شاخص

آمریکا علیه قاره سبز

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، طی اظهاراتی با این ادعا که اتحادیه اروپا «به‌شدت خواهان رسیدن به توافق» است، تأکید کرد که احتمال دستیابی به این توافق تجاری ۵۰ درصد یا حتی کمتر است. وی هنگام ترک کاخ سفید برای سفر چند روزه به اسکاتلند به منظور بازی گلف و انجام دیدارهای دوجانبه، به خبرنگاران گفت: «به‌نظر من احتمال رسیدن به توافق با اتحادیه اروپا ۵۰ درصد یا کمتر باشد اما یک شانس ۵۰-۵۰ وجود دارد.» این در حالی است که کشورهای عضو اتحادیه اروپا با اعمال تعرفه‌های متقابل برای ۹۳ میلیارد یورو کالای آمریکایی در صورت شکست مذاکرات موافقت کرده‌اند.



منهای نفت

کاهو آیسبرگ

کاهو آیسبرگ به دلیل کیفیت بالا، طعم ترد و ماندگاری طولانی، تقاضای زیادی در بازارهای جهانی، به‌ویژه روسیه، امارات و کشورهای همسایه دارد. بی‌شک این محصول به دلیل حجم بالای صادرات و قیمت رقابتی، به بهبود اقتصاد کشاورزی کمک می‌کند، اما متأسفانه توجه جدی به صادرات این محصول نمی‌شود به گونه‌ای که صادرات این محصول از ابتدای سال به روسیه به مبلغ حدودی ۲۷۰ میلیون تومان بوده است در حالی که روسیه به عنوان بزرگ‌ترین مشتری، روزانه بیش از ۵۰۰ تن کاهو آیسبرگ از کشورهای دیگر دریافت می‌کند و پس از آن امارات متحده عربی با حدود ۲۰۰ تن در روز در رتبه بعدی قرار دارد.



افزوده

عقد استنصاع

«عقد استنصاع»، قراردادی اقتصادی در فقه اسلامی است که در آن مشتری سفارش ساخت کالایی خاص با مشخصات معین را به تولیدکننده می‌دهد و در ازای آن، مبلغی را پرداخت می‌کند. این قرارداد، نوعی پیش‌خرید است که در آن تولیدکننده متعهد به ساخت و تحویل آن در زمان مشخص می‌شود. استنصاع در معاملات مدرن، مشابه قراردادهای پیش‌فروش است و در صنایعی مانند ساخت‌وساز، تجهیزات صنعتی یا حتی کشاورزی کاربرد دارد. این عقد، ریسک‌های تولید و بازار را بین طرفین تقسیم می‌کند و به مدیریت نقدینگی تولیدکننده کمک می‌کند. شرایط صحت قرارداد شامل توافق بر مشخصات، قیمت و زمان تحویل است.



خدا اگر کار بی خودی کند که خدا نیست!

گفتاری از آیت الله شیخ حسین مظاهری



او را مثل سنگ در دیوار کند اما مثل ریگ در کوچه است و هر کسی برسد، پایی به این ریگ می‌زند و این طرف و آن طرف می‌رود و سبک سری عجیبی برای او هست. لذا قرآن برای اینکه به ما توجه دهد که اگر مواظب نباشیم، این جزع و فزع ما را به جاهای باریکی می‌رساند، می‌فرماید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا»؛ معمولاً انسان‌ها بی شخصیتند. معمولاً انسان‌ها خودشان را گم می‌کنند. به قول عوام مردم به

پیدا می‌کند... معمولاً کم پیدا می‌شود کسی که در مصیبت‌ها جزع و فزع نداشته باشد. مثلاً به راستی ورشکسته است و فکر کند که چه باید کرد و تقصیر را تقصیر خودش بگذارد و تقصیر بی بند و باری و چک کشیدن خودش بگذارد و نه تقصیر دیگران. آنگاه کم کم با حوصله‌ای این گره را باز کند. اگر نشد، از کنار مشکل بگذرد. باز اگر نشد مشکل را به دوش بگیرد و جلو رود. از خدا بخواهد که گره او را باز کند. همان صبر و استقامت موجب می‌شود که شخصیت رفته‌اش برگردد. همان موجب می‌شود در عوض بجهای که از دنیا رفته، خدا نعمت بالایی به او عنایت کند... آنچه ما می‌دانیم و می‌توانیم حل کنیم، اینست که خدا عالم است که اگر این مصیبت را به تو بدهد، سخت است. خدا قادر است و اگر خدا قدرت نداشته باشد که این بچه را نگاه دارد، خدا نیست؛ خدا جواد و رحیم است، خدا در سر تاپای قرآنش می‌گوید: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». خدا حکیم است. بی‌خودی کار نمی‌کند و اگر خدا بی‌خودی کار کند، خدا نیست.

آیه

عزت جهادگران نزد خداوند است

سیاسی و نظامی دنیا. در مقابل، قرآن با تندی کسانی را نکوهش می‌کند که برای کسب عزت به دشمنان خدا پناه می‌برند یا به قدرت‌های باطل تکیه دارند: «آیا آنان از نزد کافران عزت می‌طلبند؟ در حالی‌که تمام عزت از آن خداست.» (نساء/۱۳۹) این آیه هشدار جدی به مؤمنان است که مبادا فریب ظواهر قدرت‌مدارانه و اقتدارهای پوشالی دشمن را بخورند و به گمان یافتن جایگاه، خود را وابسته به آنان کنند. در روایات اهل بیت(ع) نیز عزت جایگاهی والا دارد. امام علی(ع) می‌فرماید: «هر عزیزی که زیر قدرت و سلطه‌ای باشد، ذلیل است.» عزت راستین، نه تنها امری مطلوب است، بلکه موجب خلوص شخصیت انسان و رهایی از دورویی و ذلت درونی می‌شود. انسان عزیز، اهل تملق، چاپلوسی و وابستگی نیست؛ حتی اگر در ظاهر فقیر یا تنها باشد، باطنش سرافراز و بلند همت است. یکی از عوامل مهم در کسب عزت، توکل بر خدا و مقاومت در برابر دشمنان است. کسی که به دنبال عزت واقعی است، باید آمادگی داشته باشد تا حتی جان خود را فدای حق کند، اما لحظه‌ای به خفت و خواری در برابر باطل تن ندهد. عزت، نقطه مقابل سازش و تسلیم است. کسی که در برابر ظالم، اهل عقب‌نشینی و مصلحت‌سنجی‌های ترس‌آلود است، در حقیقت عزت خود را فروخته است، حتی اگر جایگاهی در ظاهر حفظ کرده باشد. کسی که برای کسب عزت به ظلم دیگران

متوسل شود، خودش خوارترین مردم است. گاهی انسان به‌جای رسیدن به عزت از راه حق، آن را با زور، تحقیر دیگران، تملق، یا همکاری با دشمنان می‌خواهد به دست آورد اما نتیجه این مسیر نه عزت، بلکه خواری درازمدت و سقوط در چشم مردم و خدای متعال است. از مهم‌ترین راه‌های رسیدن به عزت، ایستادگی در راه دین و جهاد در راه خداست. مجاهدان راه حق، کسانی‌اند که نه برای شهرت یا غنیمت، بلکه برای اعتلای کلمه توحید می‌جنگند و روحیه‌ای از استواری و کرامت در آنان موج می‌زند و به همین جهت همیشه دارای عزت هستند. قرآن درباره این گروه می‌فرماید: «آنان که در راه ما جهاد کنند، حتماً راه‌های هدایت را به آنان نشان خواهیم داد و خداوند با نیکوکاران است.» (عنکبوت/۶۹) مجاهدان راه خدا، افزون بر شجاعت و عقل، نیازمند عزت درونی‌اند؛ عزتی که آنان را از ترس، دنیاطلبی، وابستگی و وسوسه‌های دشمن دور نگه دارد. آنان باید هم در برابر دشمن، چهره‌ای استوار و ترس‌ناک داشته باشند و هم در برابر مردم، اهل تواضع و صداقت باشند. عزتی که جهادگران مؤمن به آن نیاز دارند، عزتی است که ریشه در یقین به خدا، بی‌نیازی از خلق و شهادت در برابر باطل دارد. در برابر، یکی از راه‌های سقوط عزت، سکوت در برابر ظلم و فساد است. کسانی‌که برای حفظ جان یا موقعیت دنیوی، در برابر دشمن ساکت می‌مانند یا حتی با او همکاری

می‌کنند، به‌مرور نه تنها در چشم مردم و تاریخ خوار می‌شوند، بلکه روح خود را به مسلخ ذلت می‌برند. خداوند در قرآن جهت عبرت، یهودیانی را که از ترس دشمن دست از مبارزه کشیدند، مورد مذمت قرار می‌دهد و در سوره آل‌عمران می‌فرماید: «هر کجا یافته شوند به خواری دچار شده‌اند مگر آنکه به پناه امان خدا و زنهار مردم [روند] و به خشمی از خدا گرفتار آمدند و [مهر] بینوایی بر آنان زده شد. این بدان سبب بود که به آیات خدا کفر می‌ورزیدند و پیامبران را بناحق می‌کشند [و نیز] این [عقوبت] به‌سزای آن بود که نافرمانی کردند و از اندازه درمی‌گذرانیدند.» (آل‌عمران/۱۱۲) از دیگر راه‌های حفظ عزت، صبر، تقوا و پرهیز از فریب دنیا است. انسان با تقوا، به‌سبب بندگی واقعی خدا، از بندگی غیر خدا آزاد می‌شود. او به‌جای آنکه اسیر خواسته‌های دیگران یا ترس از فقدان باشد، به وعده‌های الهی دلگرم است و از موضع عزت سخن می‌گوید. چنان‌که حضرت زینب(س) در دربار یزید، با آن همه فشار و تهدید، با صدای رسا فرمود: «ما رأیتُ إلا جمیلاً»؛ من چیزی جز زیبایی ندیدم. این نهایت عزتی است که نه با شمشیر، که با ایمان و پیش به دست می‌آید. با فهم مفهوم عزت و تأسی به اهل بیت(ع)، هر کسی در هر جایگاهی در امت اسلامی باید جهادگرانه و عزتمندانه فکر و عمل کند و به دشمن مجال عرض اندام و قدرت‌نمایی ندهد.

تاریخ نگار

قیام علیه بنی‌امیه!

قیام «زید بن علی» قیامی بر ضد حکومت بنی‌امیه به رهبری زید بن علی بن حسین که در صفر سال ۱۲۲ق در زمان حکومت «هشام بن عبدالملک» مصادف با دوره امامت امام صادق(ع)، برای خونخواهی امام حسین(ع) و مخالفت با حکومت وقت، رخ داد و به کشته‌شدن زید و بسیاری از یارانش انجامید. در تحلیل دلایل و تفسیر رویکرد امام ششم شیعیان درباره این قیام و اینکه موضع امام سیاست و تدبیر بوده یا از باب عدم تأیید قیام بوده و یا دلایل دیگر در میان عالمان شیعه اختلافاتی وجود دارد. گفتنی است زید در سوم ماه صفر همان سال به شهادت رسید.



سلوک

رضایت خدا

آیت‌الله شیخ احمد مجتهدی تهرانی: اگر می‌خواهید بدانید که خدا از شما راضی هست یا نه؟ ببینید خودتان در ته دل از خدا راضی هستید؟ اگر راضی باشید، خدا هم از شما راضی است، حدیث داریم که شما مانند بیمار هستید و خدا مانند دکتر و طبیب؛ همان‌طور که دکتر هر چه بگوید، بیمار می‌پذیرد، خدا هر چه به ما داد، ما هم باید رضایت داشته باشیم، اگر در مصیبت‌ها و ناداری‌ها از خدا گله نکنیم و تسلیم خدا باشیم یعنی اینکه ما از خدای راضی هستیم و خدا هم از ما رضایت دارد.



*** وقت مخصوص نماز ظهر، از زمان اذان ظهر شرعی تا زمانی است که به اندازه خواندن یک نماز چهار رکعتی یا دو رکعتی (برای مسافر) از اذان ظهر گذشته باشد.**

دین

شماره ۱۱۹۸ | دوشنبه ۶ مرداد ۱۴۰۴

صداقت

مکتب

برنامه برای مقابله با تحریم

سید علی میرهادی

کارشناس علوم اسلامی

دشمنان خدا در دوران مختلف تمام‌قدرت شیطانی خود را به‌کار می‌گرفتند که اهل ایمان را از راهشان بازدارند و آنان را مانند خودشان تبدیل کنند به بندگان شیطان؛ یکی از این راه‌ها حصرهای اقتصادی و فشار برای ناتوان کردن آنان در معیشت و امکانات اولیه زندگی بود. این جریان از زمان حضرت موسی و فشارهای فرعون به بنی اسرائیل تا محصور شدن مسلمانان در شعب ابی‌طالب و... وجود داشت. اینکه دشمنان به دنبال فشار اقتصادی، تحریم، جنگ، تهدید و ایجاد ترس از فقر هستند تا مسلمانان را تضعیف و مرعوب کنند، اصلی مسلم است و بحث خود را دارد اما در مقابل این رفتار دشمنان، اسلام و آموزه‌های مکتبی چه توصیه‌ها و دستوراتی دارند. مقابله با رفتارهای دشمنان که در هر لحظه از زندگی بوده و هست در یک برنامه منسجم اسلامی و مکتبی آمده است. مقابله با فقری که از وسوسه‌های شیطان است و بدون وقفه در حال انجام است: «الشَّيْطَانُ يَعْدُكُمُ الْفَقْرَ...» (بقره/۲۶۸) و سوره توبه آیه۲۸؛ نیاز به یک برنامه بلند مدت و پیوسته دارد که خمس، زکات، صدقه، هبه، جزیه، قرض و... به این موضوع می‌پردازند. به‌طور مثال سوره انفال آیه۱ و آیه۴۱ دستور به پرداخت خمس است. از طرفی قدم گذاشتن در این مسیر هم توصیه شده و مورد تشویق قرار گرفته است و پاداش بسیاری زیاد و اثرات ارزشمندی برای زکات دادن، پرداخت صدقه و قرض دادن و... هم بیان شده است. هدف از ایجاد این سازمان تنها یک چیز است و آن قدرت‌مند شدن مسلمانان در موضوعات اقتصادی و معیشت است. از طرفی دیگر مسلمانان به کار و تلاش و کسب روزی حلال که تنها روزی ماندگار و با برکت است تشویق می‌شوند. رسول خدا(ص) می‌فرماید: «الْعِبَادَةُ عَشْرَةٌ أَجْرٌ وَأَوْشَعُهُ أَجْرًا وَفِي طَلَبِ الْحَلَالِ»؛ عبادت ده جزء است که نه جزء آن در کار و تلاش برای به دست آوردن روزی حلال است. (مسندک الواسطائل، ج۱۳، ص ۱۲) و می‌فرماید: «الكَافُ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛ کسی که برای [کسب روزی] خانواده‌اش زحمت بکشد، مانند مجاهد در راه خداست. (بحارالأنوار، ج۱۰۳، ص ۱۳)؛ از طرفی دیگر جزا و تنبیه برای کسی‌که در معیشت مسلمانان خلل ایجاد می‌کند در نظر گرفته شده است. در این‌باره پیامبر اسلام(ص) می‌فرماید: «چه بد بنده‌ای است محترک، اگر خداوند قیمت‌ها را ارزان نماید، غمگین شده و اگر گران نماید، خوشحال می‌شود.» (نهج‌الفصاحه، ص ۲۱۷) و می‌فرماید: «جبرئیل گفت: به جهنم گذر کردم و در آن جایگاهی دیدم که بسیار وحشتناک و مخوف بود. پس به مالک آن گفتم: این جایگاه برای چه کسانی است؟ گفت: برای سه طایفه است که یکی از آنها احتکارکنندگان هستند.» (جامع الاحادیث، ج ۲۳، ص ۱۱۰)؛ در کل برای مقابله تحریم و ترساندن مسلمانان از فقر باید برنامه اسلام را به‌طور دقیق پیگیری نماییم و طبق آن برنامه‌ریزی کنیم. در این چارچوب، تحریم اقتصادی، محاصره معیشتی و فشارهای مالی دشمن، تنها زمانی موفق می‌شوند که مسلمانان از این ساختارهای الهی فاصله بگیرند. هر چه جامعه اسلامی به عدالت در توزیع ثروت، به رونق کار و تولید و به معنویت در اقتصاد نزدیک‌تر شود، دشمنان را بیش‌تر به عقب می‌رانند و حتی باعث ضعف آنان می‌شوند.

تقویم انقلاب

اگر یک قدم عقب بنشینیم...



سید مهدی حسینی
مورخ و پژوهشگر

در تقویم تاریخی انقلاب اسلامی ایران ثبت شده است که گذرگاه‌های اصلی ورود به کربلا سال‌ها تحت اشغال رژیم بعثی حاکم بر عراق بود. شهر مرزی مهران که از دوم مهرماه سال ۱۳۵۹ متجاوزین اشغال کرده بودند تا مرداد ۱۳۶۲ همچنان در تصرف دشمن متجاوز قرار داشت. از آنجا که برخی از عملیات‌های صعب‌العبور با موفقیت انجام نشده بود مسئولان جنگ تا حدودی در آزادسازی مهران دچار شک و تردید شده بودند، اما هنگامی که نمایندگان مجلس در خرداد ماه با امام خمینی (ره) دیدار داشتند. حضرت امام طی بیاناتی انقلابی فرمودند: «مسئله مخالفت همه قدرتمندان دنیاست با ایران. مسئله‌ای هم که یک مسئله‌ای نیست که مخفی باشد خودشان هم اقرار دارند، خودشان هم می‌گویند که نباید عراق شکست بخورد. میزان عراق نیست صدام نیست میزان پیشرفت اسلام است. اینطور نیست که آنها برای صدام دلسوزی می‌کنند. صدام هم یک آدمی است که اگر بشود گفت آدم از بین مروری لکن آنی را که از آن می‌ترسند از ایران است، از ایران است، یعنی دنبال شکست ایرانند... من به شما عرض کنم اگر ما یک قدم عقب بنشینیم آنها صد قدم جلو می‌آیند. ما محکم باید در مقابل آنها بایستیم تا اینکه آن آدمی که این فساد را در منطقه ایجاد کرده است سرکوب شود.» امام راحل در ادامه می‌فرماید: «ما هم آمریکا را می‌شناسیم، هم شوروی را می‌شناسیم که اینها هیچ کدام صلح‌طلب نیستند.» پس از این رهنمودهای کاربردی عملیات آزادسازی مهران تحت عنوان «والفجر ۳» طراحی شده بود و کارهای شناسایی و سازمان‌های رزم و اعزام نیرو و غیره به سرعت فعال شدند در حالی که مهران (منطقه معروف به کله قندی) مهم‌ترین منطقه سوق الجیشی در اشغال بعثی‌های متجاوز بود.

پس از این رهنمود حضرت امام رزمندگان به طور جدی پای کار آمدند و برای آزادسازی مهران هماهنگی‌ها بین نیروهای سپاه ارتش توپخانه مهندسی رزمی جهاد سازندگی و غیره انجام گرفت. با غروب آفتاب ۱۳۶۲/۵/۷ فرماندهان یگان‌ها دستور حرکت رزمندگان به سمت خطوط مقدم صادر می‌کنند خودروه‌های حامل رزمندگان با چراغ‌های خاموش جاده‌های پر پیچ و خم را با احتیاط می‌پیمایند. فرمانده قرارگاه نجف در تماس با یگان‌های عملیاتی اعلام می‌کند برای دریافت رمز عملیات آماده باشید. پس از اعلام رمز عملیات فرماندهان لحظه به لحظه هدایت و کنترل عملیات را پیگیری می‌کنند. ۱۷ دقیقه‌بعددر محور فتح اخیر تصرف تپه اس و به اسارت گرفتن تعدادی از عناصر دشمن و قرارگاه اعلاش می‌گردد، در همین حال در محور فتح ۲ رزمندگان موفق می‌شوند از معبر عبور کنند و به سرعت خود را به سنگرهای متجاوزان می‌رسانند و پس از انهدام سنگرها مواضع دشمن را تصرف می‌کنند. در این مبحث چند نکته مهم لازم به یادآوری است.

۱- اگر در بیانات و رهنمودهای امام راحل که ذکر شد خواننده به جای نام صدام نتانیاھو گذاشته شود، گویا امروز این پیام برای ماست.

۲- عملیات تا چندین روز ادامه داشت

چون درگیری با پاتک‌های دشمن همچنان ادامه داشت تا موقعیت ثبت شد.

۳- فراموش نکنیم گذرگاه‌هایی که امروز

برای رسیدن به کربلا استفاده می‌شود با

ریخته شدن چه خون‌های عزیز و مقدسی است.

محمد گنجی

روزنامه نگار

در سال ۱۳۴۳ شاه و دولت او سعی داشتند روحانیت را از راه مبارزه بازدارند و به آنها بفرمایند دخالت در سیاست کار آنها نیست. روحانی محترم و معزز است چنانچه کاری به حکومت نداشته باشد و تصور می‌کردند با واقعه ۱۵ خرداد و جریانات بعد آن و در محصور نگهداشتن امام(ره) به نتیجه کامل رسیده‌اند و تنبه کافی داده‌اند و اکنون در صدد آن بودند که به نحوی امام را به سوی خود جذب و جلب نمایند تا از حمایت روحانیت هم برخوردار شوند و با تغییر دولت بهترین زمان برای این امر حاصل شده بود، چرا که این شیوه رژیم حاکم بود که همواره شاه را مصون از هرگونه تعرضی حفظ نماید و خطاها را به دولت‌ها نسبت دهد و با تغییر و تبدیل نخست‌وزیر مردم را به آرامش و سکوت بکشاند و کابینه جدید منصور هم باید همین نقش را بازی می‌کرد و خود را حامی و طرفدار روحانیت معرفی می‌کرد و چنان وانمود می‌کرد که شاه به علت عدم رضایت از اقدامات علم او را کنار گذاشته است.

دکتر صدر فرزند صدرالاشراف معروف و وزیر کابینه حسنعلی منصور مأموریت یافت تا به ملاقات امام در قیطریه برود و راه آشتی را هموار

ایران جعلی!

مروری بر نفوذ صهیونیست‌ها در دربار دیکتاتور پهلوی

سیاست اسلام‌زدایی سیاسی بود که خاندان پهلوی آن را دنبال می‌کرد. اولین گام‌های آن با محدودسازی روحانیت و کشف حجاب و... در دوران پهلوی اول آغاز شد. اقداماتی که روز به روز بر نفرت ملت مسلمان ایران نسبت به خاندان پهلوی افزود. بسا فرار و تبعید رضاخان و جایگزین شدن فرزندش، نه تنها این سیاست کنار گذاشته نشد، بلکه با لطایف الحیل‌های مختلفی دنبال گردید. محمدرضا هیچ تعلقی به اسلام و مذهب جعفری نداشت و بی‌دینی بود که در بی‌قیدی و لاابالی‌گوری غوطه ور بود. لذا در خدمت سیاسی استعماری قرار داشت که تلاش می‌کرد تا هویت ملی ایران را نابود سازد و هویتی غیرواقعی با نام ایران باستان و... جایگزین آن نماید.

این سیاست از طرق مختلفی دنبال می‌شد که یکی از مظاهر اسلام‌زدانی دوره پهلوی تقویت روزافزون مذاهب و ادیان باطله اعم از ادیان منسوخه یا مذاهب ساختگی بی‌پایه بود. تقویت کلیمی‌ها از جهت اقتصادی در دوره محمدرضا به جایی رسیده بود که می‌توان گفت اقتصاد کشور را در قبضه قدرت کلیمی‌ها قرار داده بود. حمایت‌های فراوان رژیم شاه از این طایفه در ابعاد گوناگون، و روابط سیاسی رژیم با دولت غاصب صهیونیستی مستقر در فلسطین اشغالی، علی‌رغم نفرت شدید ملت ایران از رژیم صهیونیستی گوشه‌ای از سیاست اسلام زدانی‌های رژیم شاه را شکل می‌داد. «ویلیام

خاطرات دوسفیر

سازد، کدورت‌ها را از بین ببرد، دولت جدید را موجه نشان دهد، تمام جنایات و تقصیرها را به عهده دولت دیوصفت قبلی بگذارد و مراحم و عطوفت شاهانه را ابلاغ نماید. وی در قبال تمام فریب‌کاری‌ها پاسخ امام را دریافت می‌دارد که ما نه با آن دولت دشمنی داشتیم و نه عقد اخوت با این دولت خوانده‌ایم. ما مراقب اعمال و کردار شما هستیم، اگر اعمال شما تکرار اعمال دولت گذشته باشد، ما همانطور که با آن دولت مخالف بودیم و هستیم و برای همیشه روی آن سیاه شد، با شما نیز مخالف خواهیم بود و اگر در مقابل احکام اسلام خاضع شدید و رویه را تغییر دادید ما همه با هم برادریم و اختلافی نخواهیم داشت.

حسنعلی منصور که تصور کرده بود وزیر کشورش در ملاقات بسا امام موفق بسوده، قدم دیگری برداشت و خود را واسطه مراحم شاه به روحانیت معرفی کرد و گفت: «... ما معتقدیم که ملت و دولت ایران یک ملت و دولت مسلمان و دین اسلام یکی از مترقیترین و برجسته‌ترین ادیان جهان می‌باشد. مقام روحانیت برای ما با ارزش است. اینجانب مأموریت دارم که مراحم وعطوفت خاص شاهنشاه را به مقامات روحانی ابلاغ نمایم...»

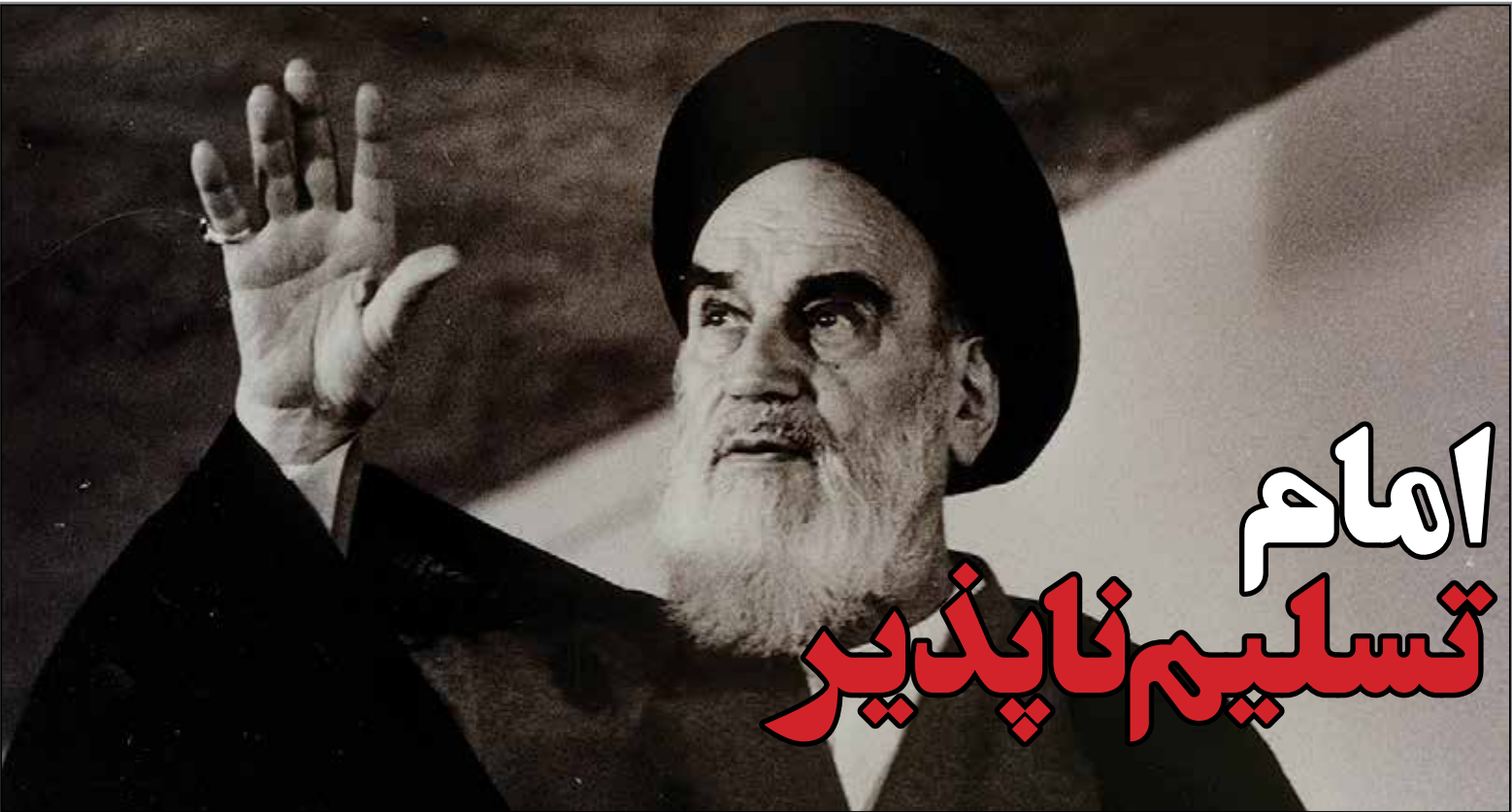
رویه‌ای که منصور در پیش گرفته بود یک خط مشی حساب شده بود با محاسباتی بود که از

نیروی مخالف کرده بودند و تصور این را داشتند در صحنه سیاست تنها نیروی مذهبی می‌تواند خطر تولید نماید و توده‌ها را به همراه دارد و اگر به هر قیمت این نیروی مخالف به سکوت کشیده شود دیگر مبارزه‌ای جدی وجود نخواهد داشت و دریافت کرده بودند که خمینی وزنه سنگین و اساسی نیروی مذهبی است راه او را دیگران خواه و ناخواه می‌پیمایند بنابراین تمام اهتمام را صرف جلب رضایت ایشان ساختند و روز ۱۷ فروردین وزیر کشور آزادی مطلق ایشان را اعلام نمود.

حضور امام راحل در قم شهر را در چراغانی و جشن و سرور فروبرد مدرسه فیضیه مرکز جنب وجوش شد و مردم از هر سوی کشور برای دیدار امام به قم شتافتند.

بهربرداری رژیم از آزادی امام و پاسخ آن رژیم قدم در راه آشتی گذاشته بود و در ازای آزادی امام می‌خواست ولو به ظاهر حمایت روحانیت را جلب کرده باشد و چون از طریق ملاقات‌های وزیر کشور و دیگران چیزی در تأیید عایدش نشده بود طبق معمول دروغ‌پردازی را شروع کرد.

سر مقاله روزنامه اطلاعات چنان تنظیم شد که گویا آیه آیت‌الله خمینی از راه خود بازگشته، اصول انقلاب سفید را پذیرفته سوءتفاهمات برطرف شده و اکنون روحانیت جمعا پشتیبان کامل حکومتاند و تصور کردند با این تلقینات



امام تسلیم ناپذیر

امام را در مقابل امر انجام شده قرار خواهند داد. امام در نطق ۲۱ فروردین ۴۳ سر مقاله اطلاعات را تکذیب کرد و در شرایط آن روز افشاکری بسیار نمود و از مسئول اطلاعات خواست که صریحاً دلیل انتشار آن مقاله و منبع آن را بنویسد و چون مشخص شد که ساواک مقاله را تنظیم کرده و ساواک پشت آن است امام بیشتر در مقابل آن ایستاد و تا آنجا که دولت نماینده‌ای به قم فرستاد و تعهد کرده که دیگر چنین اتهاماتی را متوجه روحانیت ننماید.

موضع جدید امام در مقابل رژیم حاکم که با سخنان ۲۱ فروردین و قطعنامه حوزه علمیه قم و مقابله با سر مقاله اطلاعات مشخص شد، تردید باقی نگذاشت که مسئله آشتی و تفاهم باروحانیت و مخصوصاً با امام خمینی خیالی است باطل و همان شیوه خصومت باید تعقیب گردد سازمان امنیت در صدد شناسانی تنظیم‌کنندگان قطعنامه ۲۱ فروردین برآمد تا آنها را به مجازات سخت برسانند.

نویسنده کتاب بررسی نهضت امام خمینی تصریح دارد به اینکه یکایک مقامات طراز اول حوزه علمیه قم از قطعنامه و نویسنده و تنظیم‌کننده آن اظهار بی‌اطلاعی کردند و امام خمینی هم توضیح در این مورد را به معرفی نویسنده سر مقاله اطلاعات منوکول ساختند.

حافظه

خدای جنگ در هرمز!

مروری بر حضور استعمارگران اروپایی در آسیا



«تأسیس یک امپراتوری پرتغالی در شرق» را در سر داشت. آلبوکرک با ایجاد پایگاه‌هایی که تمامی مدخل‌های دریایی را در بر می‌گرفت-در شرق آفریقا، دانه دریای سرخ، هرمز، مالابار و مالاکا-کنترل استراتژیک اقیانوس هند را نصیب پرتغال کرد. از این پایگاه‌ها، که در استحکاماتی استوار جای داشتند، کشتی‌های اقیانوس پیمای پرتغالی، کشتی‌های کندروتر عرب را به هراس می‌انداختند.

نخستین اقدام آلبوکرک، تهاجم به جزیره استراتژیک «گوا» بود که در آن زمان در قلمرو حکمران مستقل «بیجاپور» جای داشت. پرتغالی‌ها در سال ۱۵۱۰ میلادی، این جزیره را به اشغال دائم خود درآوردند. آلبوکرک، پس از اشغال جزیره گوا، تمامی سکنه مسلمان آن را اخراج کرد. این اولین قطعه از سرزمین هند بود که از زمان اسکندر تا آن روز به طور مستقیم تحت فرمان اروپایی‌ها قرار گرفت. از این پس، گوا به مقر نایب‌السلطنه و مرکز امپراتوری پرتغال در شرق بدل شد و در آن قلعه و شهری بزرگ برپا شد که تا سال‌های مدید مرکز اصلی تکاپوی ماجر احویان اروپایی در منطقه بود.

غلبه تمدن بر توحش!

بررسی ریشه‌های تاریخی و فرهنگی رفتار ایران و رژیم صهیونی در جنگ تحمیلی

محمد گنجی

روز نامه نگار

در جنگ تحمیلی اخیر، جهان بار دیگر شاهد تقابل دو رویکرد متضاد در مواجهه با منازعات بود یکی مبتنی بر دفاع مشروع و تمدنی ریشه‌دار، و دیگری متکی بر تهاجم پیش‌دستانه و هویتی متزلزل. این نبرد نه‌تنها تفاوت‌های ماهوی در فرهنگ راهبردی ایران و رژیم صهیونیستی را آشکار ساخت، بلکه بار دیگر نشان داد که چگونه بنیان‌های اجتماعی، تاریخی و فرهنگی، جهت‌گیری‌های استراتژیک و رفتار دولت‌ها را در قبال جنگ و صلح شکل می‌دهند. در این یادداشت، به بررسی عمیق این تفاوت‌ها، ریشه‌های تاریخی و فرهنگی آنها، و پیامدهای این تقابل تمدنی می‌پردازیم.

دفاع مشروع و فرهنگ مقاومت

ایران، وارث تمدنی چند هزارساله، همواره در برابر تهاجمات خارجی رویکردی دفاعی و مبتنی بر حکمت و فرهنگ اتخاذ کرده است. تاریخ این سرزمین گواه است که ایرانیان هرگز جنگ طلب نبوده‌اند، اما در برابر متجاوزان با شجاعت و هوشمندی از کیان خود دفاع کرده‌اند. از دوران هخامنشیان که در برابر تهاجم یونانیان ایستادگی کردند تا مواجهه با مغولان در قرون وسطی، ایران همواره با تکیه بر فرهنگ، علم و تجارت، نه‌تنها از خود دفاع کرده، بلکه مهاجمان را در بافت تمدنی خود حل و هضم کرده است.

این روحیه در دوران معاصر نیز در جنگ تحمیلی هشت ساله رژیم بعث علیه ایران متبلور شد. ایرانیان در آن نبرد نابرابر، با تکیه بر فرهنگ مقاومت و دفاع مشروع، نه‌تنها از تمامیت ارضی خود دفاع کردند، بلکه الگویی جهانی از ایستادگی در برابر تجاوز ارائه دادند. این فرهنگ دفاعی، ریشه در هویت ملی و تمدنی ایران دارد که جنگ را نه به‌عنوان هدف، بلکه به‌عنوان آخرین راه‌حل برای حفظ استقلال و کرامت انسانی می‌بیند.

تبیین

جنگ روایت‌ها و جهاد تبیین -۱۴۱

اعتراف روشنگر!

ایران هم باشد و برد موشک‌های بالستیک و کروز

و پهپادهای ایرانی را زیر ۴۸۰ کیلومتر مهار کند، شاهدهی دیگر بر توان و قدرت موشکی ایران است. ضربات موشکی ایران اگر کشنده، تأثیرگذار و تغییردهنده قواعد بازی نبود، جنگ نه به ایستگاه درخواست آتش‌بس از سوی دشمن می‌رسید و نه به این مرحله که دشمن صهیونی رسماً از غرب و آمریکا درخواست کند تا یک طرح سیاسی برای مهار قدرت موشکی ایران ارائه کنند.

توان موشکی ایران مانند توان نیروی هوایی بعضی کشورهای همسایه از طریق یک کانال وارداتی تأمین نشده که به محض منهدم شدن کانال یا خرابکاری در زنجیره تأمین محصول از بین برود. سازوکاری که به مثابه یک درخت کهن سال است که از لحاظ توان علمی و فنی، توان تکنولوژیکی، زنجیره تأمین و مواد اولیه، نیروی انسانی، توان کنترل و فرماندهی و مدیریت، ریشه در عمق جامعه ایرانی دارد؛ درختی که در سال ۱۳۶۳ و میانه‌های جنگ با رژیم بعثی یک نهال کوچک بود؛ نهالی کوچک که از آن سال تا الان، ریشه در ساختارهای متعدد علمی، دانشگاهی، نظامی، فنی و مدیریتی دوانده و حالا تبدیل به درختی پهناور شده که دیگر نمی‌توان با ترور چند فرمانده یا منهدم کردن چند تأسیسات روی زمین، آن را از ریشه درآورد. هر چند بر سر در این ساختار و مجموعه اسامی پرافتخاری مانند «طهرانی مقدم» و «حاجی‌زاده» قرار گرفته، اما سلول به سلول این ساختار و توان با اتکاء به آن چیزی شکل گرفته که بر بستر ظرفیت‌ها و توانایی‌ها و استعدادهای ملت ایران جاری است.

هویت جعلی

و استراتژی تهاجمی

در مقابل، رژیم صهیونیستی بر پایه‌ای متزلزل و هویتی مصنوعی بناشده است. این رژیم، که از طریق مهاجرت اجباری یهودیان از نقاط مختلف جهان به سرزمین فلسطین شکل گرفت، هیچ پیوند تاریخی و تمدنی با این جغرافیا ندارد. این فقدان ریشه‌های تاریخی، همراه با جغرافیای شکننده سرزمین‌های اشغالی-جایی که در برخی نقاط عرض آن به کمتر از ۲۰ کیلومتر می‌رسد-رژیم صهیونیستی را به سمت استراتژی‌های تهاجمی سوق داده است.
دکترین بر پایه «دفاع از طریق حمله» بناشده، به وضوح در جنگ‌های متعدد، از جمله جنگ شش‌روزه ۱۹۶۷، تهاجم به لبنان، و حملات مکرر به نوار غزه، نمود یافته است. این رویکرد تهاجمی، که ناقض صریح منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل است، ریشه در روان‌شناسی ترس و احساس محاصره در منطقه‌ای عربی- اسلامی دارد. فقدان مرزهای به‌رسمیت‌شناخته‌شده در قطعه‌نامه‌های شورای امنیت نیز به این رفتار پیش‌دستانه دامن زده است.

تفاوت‌های بنیادین

در فرهنگ استراتژیک

تفاوت در فرهنگ استراتژیک ایران و رژیم صهیونی، به‌وضوح در عمق استراتژیک و رویکرد به مقوله امنیت نمایان می‌شود. ایران با تکیه بر وسعت جغرافیایی، غنای منابع انسانی و طبیعی، و تمدنی چند هزار ساله، از عمق استراتژیک واقعی برخوردار است. این عمق، ایران را به کشوری تبدیل کرده که ذاتاً از جنگ‌افروزی گریزان است و تنها در مقام دفاع از خود وارد میدان نبرد می‌شود. در مقابل، رژیم صهیونی، با عمق استراتژیک نزدیک به صفر، به دلیل محدودیت‌های جغرافیایی و فقدان هویت تمدنی، به استراتژی‌های تهاجمی وابسته است.
دکترین بن‌گوریون، که بر «دفاع از طریق حمله» تأکید دارد، ستون فقرات راهبرد امنیتی این رژیم را تشکیل می‌دهد. این تفاوت نه‌تنها در سطح نظامی، بلکه در رفتار اجتماعی و فرهنگی در جامعه نیز مشهود است.

در حالی‌که جامعه ایرانی با تکیه بر ارزش‌های انسانی

و اسلامی، حتی در بحبوحه جنگ، اخلاق‌مداری را حفظ می‌کند، جامعه صهیونیستی، تحت تأثیر ترس وجودی و حمایت بی‌قید و شرط غرب، به رفتارهای غیرانسانی و جنگ‌طلبانه روی آورده است.

نقش

حمایت‌های غربی

نقش غرب، به‌ویژه ایالات متحده، در تقویت رفتار جنگ‌طلبانه رژیم صهیونیستی غیرقابل انکار است. رژیم صهیونی، به‌عنوان بزرگ‌ترین دریافت‌کننده کمک‌های نظامی آمریکا، سالانه ۸/۳ میلیارد دلار دریافت می‌کند و به فناوری‌های پیشرفته نظامی دسترسی انحصاری دارد. این رژیم، علی‌رغم عدم عضویت در معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای (NPT)، تحت حمایت کامل آمریکا به توسعه زرادخانه هسته‌ای خود ادامه می‌دهد. در عرصه سیاسی، آمریکا با وتوی ۴۶ قطعنامه شورای امنیت که محکوم‌کننده جنایات رژیم صهیونیستی بوده‌اند، عملاً هرگونه امکان بازخواست حقوقی این رژیم را مسدود کرده است. حتی دیوان کیفری بین‌المللی (ICC)، تحت فشار دیپلماتیک سنگین آمریکا و متحدانش، تاکنون نتوانسته رهبران صهیونیست را به دلیل جنایات علیه بشریت در سرزمین‌های اشغالی محاکمه کند.
ایسن حمایت بی‌چون‌وچرا، رژیم صهیونیستی را در پیگیری سیاست‌های تهاجمی خود جسورتر کرده است.

چرا ایران

تهاجم پیش‌دستانه نکرد؟

برخی ممکن است بپرسند: اگر رژیم صهیونی ذاتاً جنگ طلب است، چرا ایران پیش‌دستانه به آن حمله نکرد تا با روش خودش مانع تجاوزاتش شود؟ پاسخ در تفاوت بنیادین تمدنی دو طرف نهفته است. ایران، به‌عنوان وارث تمدنی اسلامی-ایرانی، هرگز از روش‌های غیرانسانی دشمن پیروی نکرده و نخواهد کرد. این نبرد، صرفاً یک رویارویی نظامی یا سیاسی نیست، بلکه یک تقابل تمدنی تمام‌عیار است: تقابل میان تمدنی اصیل، انسانی و-ویحانی با هویتی جعلی و تهی از اصول اخلاقی. جمهوری اسلامی ایران در این نبرد نه‌تنها از سرزمین و منافع

ملی خود دفاع کرد، بلکه با حفظ اصول اخلاقی و انسانی، پیروزی دوگانه‌ای به دست آورد: پیروزی نظامی و راهبردی، و پیروزی اخلاقی و تمدنی. ایران نشان داد که می‌توان در سخت‌ترین شرایط نبرد، با تکیه بر منطق قرآنی و حکمت اسلامی، پرچم عدالت و انسانیت را برافراشت.

بازتاب آیات قرآنی

در رفتار صهیونیستی

متون دینی نیز بر ویژگی‌های خاص قوم بنی‌اسرائیل تأکید دارند که در رفتار رژیم صهیونیستی بازتاب یافته است. سوره بقره، آیه ۷۴ به «قساوت قلب» این قوم اشاره می‌کند: «قَسَتْ قُلُوبُهُمْ» (دل‌هایشان سخت شد)، و سوره مائده، آیه ۷۸ از لعنت بر کافران بنی اسرائیل سخن می‌گوید. این آیات، نقض عهد و سرکشی تاریخی این قوم را برجسته می‌کنند، ویژگی‌هایی که در سیاست‌های اشغالگرانه و جنگ‌طلبانه رژیم صهیونیستی به‌وضوح دیده می‌شود.

پیروزی تمدن

بر توحش

جنگ اخیر بار دیگر تفاوت بنیادین میان ایران و رژیم صهیونیستی را به نمایش گذاشت. ایران، با تکیه بر تمدنی ژرف و فرهنگ مقاومت، در برابر تجاوزات رژیم صهیونیستی ایستادگی کرد و نه‌تنها از کیان خود دفاع نمود، بلکه الگویی از رفتار اخلاق‌محور و انسانی در میدان نبرد ارائه داد. در مقابل، رژیم صهیونیستی، با هویتی جعلی و متکی بر حمایت‌های غربی، به سیاست‌های تهاجمی و غیرانسانی خود ادامه داد. این تقابل، نبردی میان تمدن و توحش بود؛ میان منطق نورانی اسلام و حکمت ایرانی، و رویکردی جنگ‌طلبانه و غیر اخلاقی که ریشه در ترس و بحران هویت دارد. ایران با این پیروزی نشان داد که می‌توان در دل آتش و خون، صدای عدالت و انسانیت را به گوش جهانیان رساند و پرچم عزت و شرافت را برافراشت. جهان شاهد بود که چگونه تمدن اسلامی-ایرانی، با اتکاء به اصول اخلاقی و انسانی، نه‌تنها در میدان نبرد، بلکه در عرصه تمدنی نیز پیروز شد.

آفاق

ضوابط تفکر انقلابی-۶

اعلام موضع انقلابی

ما را باید همه به طور مشخص بدانند. یک‌وقت انسان لازم است آن را با صدای بلند اعلام کند، یک‌وقت در موقعیتی با صدای بلند اعلام نمی‌کند؛ اما آن را انکار هم نباید بکند؛ باید همه بدانند که ما در این جهت و در این خط هستیم. البته یک‌وقت هست که لازم نیست انسان مسأله‌یی را جنجالی کند». این بیانات نشان می‌دهد که اصل در تفکر انقلابی، شفافیت در خط و جهت‌گیری‌هاست، حتی اگر بنا به ضرورت‌های زمانی و مکانی، نوع و شیوه بیان تغییر کند. تجربه نشان داده است که پنهان کردن مواضع اصولی، نه‌تنها از فشار دشمن نمی‌کاهد، بلکه موجب تردید و سردرگمی در میان دوستان و متحدان می‌شود. همچنین باید توجه داشت که اعلام مواضع انقلابی، صرفاً یک اقدام تبلیغاتی یا احساسی نیست؛ بلکه بخشی از راهبرد کلان انقلاب در ساختن گفتمان و افزایش عمق استراتژیک است. در دنیای اسلام، بسیاری از ملت‌ها نگاهشان به ایران به‌عنوان پرچم‌دار مقاومت و عدالت‌خواهی است. اگر این مواضع شفاف و بی‌پرده بیان نشود، اعتماد ملت‌ها نیز کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، روشن بودن خط‌مشی جمهوری اسلامی برای دشمنان هم یک پیام بازدارنده است؛ چرا که می‌فهمند نظام در اصولش عقب‌نشینی نخواهد کرد. بنابراین، صداقت در اعلام موضع، یک اصل راهبردی است که هم اثر داخلی دارد، هم خارجی. در داخل، باعث تقویت اعتماد عمومی، انسجام و وحدت می‌شود؛ در خارج، موجب تقویت جایگاه و افزایش اعتبار بین‌المللی و منطقه‌ای است. ایسن همان چیزی است که رهبر انقلاب از آن به‌عنوان «اعتبار و عمق استراتژیک» یادمی‌کند.

سیاست نامه

سیدمحمدباقر صدر-۵۰

قیام مردمی

مسعود پور فرد

کار شناس اندیشه اسلامی

حرکت بنت‌الهدی پس از بازداشت برادرش شهید صدر تأثیری زیادی بر تحرک مردم عراق گذاشت. پس از آنکه گروهی از مؤمنین در حرم جمع شدند ودعای فرج را خواندند، هنگامی که به نام امام زمان(عج) رسیدند، همه مؤمنان از جابر خاستند و بعد، تظاهرات گسترده‌ای در خیابان‌های اطراف حرم آغاز شد و نیروهای امنیتی به شدت وحشت کردند و همین موجب شد که احمد حسن البکر، شخصا دستور آزادی سید را صادر کند. خود شهید صدر بعدها به ما گفت که شیوه و لحن بازجویی‌ها در ابتدا خشن و تند بود، ولی در اواسط بازجویی، شخصی وارد شد و برگه کوچکی را به دست بازجو داد و از آن پس روش بازجویی تغییر کرد. چند دقیقه بعد تلفن زنگ زد و به نظر می‌رسید که شخص مهمی پشت خط است، چون بازجو با جملاتی مثل «بله قربان» و «اطاعت قربان» پاسخ می‌داد. بعدها معلوم شد که آن شخص، احمد حسن البکر معدوم، رئیس‌جمهور وقت عراق بود که بعدا به سید گفت، «شما را برای دیدار به اینجا آورده ایم و اصلا بازداشت نکرده‌ایم و این جمعیت، چیست که در خیابان‌ها راه افتاده و در نجف و کاظمین تظاهرات می‌کند؟» رژیم عراق با دستگیر کردن شهید صدر در روز هفده رجب، قصد داشت ایشان را اعدام کند، ولی وقتی با واکنش مردم روبه‌رو شد، تصمیم گرفت ایشان را در شرایط حصر در منزل قرار دهد. این حصر آغاز شد و نه ماه به طول انجامید و در نهایت به شهادت شهید صدر منتهی شد.

رژیم در ادامه اقدامات خود و پس از محاصره منزل، آب و برق و تلفن منزل شهید صدر را قطع کرد. این وضعیت حدود پانزده روز به طول انجامید و اگر در خانه، منبع آب نبود، تشنگی، همه اهل خانه را تلف می‌کرد. به نظر می‌رسید که هدفشان هم همین بود. از سوی دیگر، آنها حاج عباس، خدمتگذار سید را از ورود به منزل، منع کردند تا شهید صدر و خانواده‌اش را با گرسنگی از پا در آورندند. ما به دلیل همین محاصره بی‌رحمانه و قطع ورود مواد غذایی، ناچار بودیم از نان‌های خشک و غیر قابل مصرف استفاده کنیم. یادم هست که یک روز من و شهید صدر با همین نان‌ها مشغول صرف ناهار بودیم، سید گفت، «این لذیذترین غذایی است که در عمرم خورده‌ام، چون در راه خدا و به خاطر خداست.»

با پیچیدن خبر محاصره غذایی منزل شهید صدر در میان مردم، رژیم بعث تحت فشار قرار گرفت، البته نه از ناحیه مرجعیت و حوزه، بلکه از سوی عامه مؤمنین و جوانان که با نوشتن شعار روی دیوارها و توزیع اعلامیه، محاصره غذایی مرجع شیع را محکوم می‌کردند. این فشارها موجب شدند که رژیم بعث، محاصره غذایی را لغو کند و به حاج عباس اجازه داد که روزانه، تحت نظارت مأمورین، مواد خوراکی منزل شهید صدر را تأمین کند. این مأمور امنیتی، هر روز، سایه به سایه، حاج عباس را در بازار همراهی می‌کرد.



مهرش به دلم نشست

صحبت‌های خانم نجمه دهقانی
مادر همسر شهید مصطفوی

آقا سید در خانواده ما خیلی محبوب بود. با همه نوع شخصیتی در هر سنی ارتباط می‌گرفت. در کنار و با حضور ایشان به همه خوش می‌گذشت. نجیب بودند و خانواده‌شون فوق‌العاده متواضع بودند آنقدر که ما همان جلسه اول که آمدند خواستگاری پسندیدیم. همان‌طور که مهر ایشان به دل فاطمه خانم ما نشست، واقعا من هم ایشان را دوست داشتم، به ویژه که سید هم بودند و ما خانوادگی احترام خاصی برای سادات قانلیم. محبت و احترام بین ما متقابل بود.

من از برخی خصوصیات اخلاقی ایشان واقعا لذت می‌بردم؛ مثلا ایشان بسیار منظم و تمیز بودند. خیلی خوشم می‌آمد که همیشه آراسته و خوشبو بودند.

همه کارهای‌شان را به موقع انجام می‌دادند و اگر جایی دعوت می‌شدند یا با کسی قرار داشتند، مقید بودند که سر وقت بروند. به قولشان پایبند بودند و صداقت داشتند.

از غیبت فوق‌العاده بدشان می‌آمد و اصلاً وارد این مباحث نمی‌شدند. وقتی می‌دیدند در فامیل دختری یا پسری هنوز ازدواج نکرده به من می‌گفتند چرا شما کاری نمی‌کنید؟ اگر خانواده‌ای از لحاظ مالی مشکل داشتند، نمی‌توانستند بی‌تفاوت بمانند، در حالی که خودشان هم از نظر مالی به هر حال مشکلاتی داشتند.

وقتی با دخترتم ازدواج کردند، من حوزه می‌رفتم. مرتب به من می‌گفتند شما مسئولیت دارید و به من تلنگر می‌زدند که حواستان باشد، شما در مورد خیلی مسائل مسئولید و حتما کاری از دستتان برمی‌آید. به آدم شور حرکت و خودباوری می‌دادند.

خیلی به من می‌گفتند شما چرا ورزش نمی‌کنید؟ چرا مواظب خودتان نیستید مامان؟ وقتی وارد جمع خانوادگی می‌شدند، با بچه‌ها هم صحبت و سرگرمشان می‌کردند و بچه‌ها خوششان می‌آمد و دوستشان داشتند.

خودشان مظهر خوبی بودند اما این جمله را زیاد به من می‌گفتند که دستتان درد نکند، عجب دختری تربیت کردید. آنقدر متواضع بودند که تا وقتی بودند، از درجه نظامی‌شان و مقام‌های ورزشی‌شان اطلاع نداشتیم؛ در هر حال ما همیشه باعث افتخار بودند و همیشه با افتخار آقا سید را به همه معرفی کردیم و معرفی می‌کنیم.

گفت‌وگو با فاطمه فرهمندراد همسر شهید سیدمحمد مصطفوی

آقا سید تولدت مبارک

قبلا از شهادتش نمی‌دونستم در جه‌اش چیه و بعد‌ها در مدارکش دیدم که سرهنگ دوم بود. ورزشکار و کوهنورد بود، دست به خیر بود.»

♦ شهادت‌نامه‌ای که امضا شد

همسرم یکی، دو سال اخیر از نظر معنوی خیلی ارتقا پیدا کرده بود. سال قبل می‌خواستیم بریم بندرعباس اما بسا اینکه در برنامه‌مان نبود، اتفاق‌ها طوری رقم خورد که سر از شهر کرمان درآوردیم. اصلا به نظرم خود سردار سلیمانی ما رو طلبید. رفتیم مزار ایشون و معتقدم آقا سید همون جا حاجتش رو برای شهید شدن گرفت. عکسی که همه جا از ایشون هست، سر مزار حاج قاسم ازش گرفته و ماندگار شد. به نظرم نامه شهادتش رو همان جاسردار سلیمانی امضا کرد. وقتی روزی که خبر شهادت همسر به گوشش رسید روایت می‌کند، انگار مرثیه می‌خواند اما مرثیه‌خوان و روایت‌گری محکم را پیش چشم می‌بینم. زنی که نگاهش به بالاست و می‌خواهد محکم بماند.

«جمعه صبح که خبرها را شنیدیم، چند تماس گرفت و بعد از نماز مغرب و عشاء رفت. روز بعد که عید غدیر بود، بعدازظهر اومد و بچه‌ها رو به راهپیمایی غدیر برد. روز یکشنبه صبح رفت سرکار.

تا ملکوت می‌رسه و شاید اون روز در دیوار ماشین هم با من گریه کردند...

دو سال پیش اتفاقی برای پسرم افتاد و با همین دعاها معجزه شد. گفتم دو مرتبه همون دعاها رو می‌خونم، حتماً جواب می‌گیرم اما این بار احساس می‌کردم دعاها فقط منو بالا می‌بره. انگار جنس اجابت از نوع دیگه بود. بالاخره به ساختمان رسیدیم. چند تا از همکاران همسرم حضور داشتند و خیلی پریشان بودند. می‌گفتن نباید برید جلو خطر ناکه... دستم رو گذاشتم روی صورتم و با فریادی که از اعماق وجودم بلند می‌شد اما صدای بلندی نداشت، گفتم: من چهار تاجیه دارم. فقط اجازه بدید برم اونجا زیارت وارث بخونم.»

گریه امانش نداد وقتی به یاد آن روز از ته دل زیارت وارث را خواند. انگار همان‌جا کنار همان ساختمان بود و می‌خواند: یا وارث ابراهیم خلیل‌الله... ای خدایی که آتش را بر ابراهیم سرد کردی، آتش را بر همسر من سرد کن.

و به قول خودش دعاهایش در این حد کار کرد که وقتی پیکر آقا سید پیدا شد، چون با محلی موشک خورده بود، فاصله داشت، سوختگی‌اش از دیگران خیلی کمتر بود. گویی آتش بر او سرد شده بود...

«شب بعد هم رقتم. به نظرم اون ساختمان هم



عکس: حامد گودرزی

زیارت داشت. احساس می‌کردم که اینها سرشون بر دامن حضرت زهرا(س) است. احساس می‌کردم اونجا زمین کربلاست، احساس می‌کردم در آسمان باز شده و فرشته‌ها در رفت و آمدند. سحر روز سوم بی‌قرار بی‌قرار بودم و هنوز آقا سید پیدا نشده بود. هی تماس می‌گرفتم و خبر می‌گرفتم. باورم نمی‌شد آدمی که همیشه اقدر بوده، حتی وقتی هم که نبود، در ذهن من بود، نباشه.

سحر روز چهارشنبه مثل مرغ سر کنده به خود می‌پیچیدم و با خودم می‌گفتم یعنی باید پذیرم؟ داشت کم‌کم باورم می‌شد، مگه می‌شه سه روز زیر خاک‌ها زنده مونده باشه... خیلی حالم بد بود. اذان صبح رو که دادند، به همسر دوستم پیام دادم از ساختمان خبر دارید؟ ۹ صبح جواب دادند که وسایلشون پیدا شده و پیکری که نزدیک اون وسایل بوده احتمالا همسر شماست. پیکر رو معراج می‌برند.»

♦ دیدار در معراج

صدایش می‌لرزد وقتی می‌گوید دوستان با مشورت روان‌شناس و با قهرمان‌سازی توانستند این خبر را به بچه‌ها بدهند. بچه‌هایی با ذهن‌های آماده، بچه‌هایی که می‌دانستند پدر در مسیر شهادت گام برمی‌دارد و بارها درباره این موضوع با آنها صحبت کرده بود.

این بار بغض سرباز می‌کند وقتی از دیدار یار بعد از چهار روز و مراسم تدفین می‌گوید.

«شب جمعه بود که گفتند بیایید معراج. دیدمش؟ موه‌اش همه سوخته بود و روی بعضی جاهای صورتش خاک بود. فهمیدم جاهای خالی شده روی صورت رو با تربت پر کردن که وقتی ما می‌بینیم، ظاهر بهتری داشته باشه. گفتم شک دارم خودش باشه. می‌دونستم اگه بگم خودشه، سوار آمبولانس می‌کنند و پیکرش رو می‌برند. می‌خواستم وقت بخرم. اون

شب آزمایش DNA گرفتند و دو، سه روز طول کشید تا جوابش بیاد. تا جواب آزمایش بیاید، سه بار در حد چند دقیقه تونستم با او در خلوت صحبت کنم. پیکر همسرم رو که دیدم، لحظه‌ای سخت ولی بسیار زیبا بود. و صفت‌ناشدنی بود. اون چیزهایی که تو روضه‌ها می‌خونیم، به چشم دیدم. گفتند اگر از چهره مطمئن نیستید، می‌خواین پاش رو باز کنیم؟ باز کردند و به هم اشاره کردند و بستند. متوجه شدم که پایی نیست. خیلی کنج‌کاوی نکردم اما دیدم دست‌هایش نبودن و من یاد حضرت ابوالفضل(ع) افتادم و این توسل به اصحاب کربلا برای من قشنگ بود. این دلبری کردن خیلی قشنگ بود. گفتم آقا سید، چه دلبری‌ای کردی برای خدا، خوش به حالت مرد...

هویت که تأیید شد، گفتم تمام تلاشم رو می‌کنم حرم دفنشون کنند. دلم نمیدادش رو به خاک بدم ولی به زمین حرم میدم. این طوری یک کم دلم آرام‌تر می‌شد. گویا خود همسرم هم به خواهرشون گفته بودند دلشون می‌خواد در حرم دفن بشن. در نهایت به آروزیش رسید و در صحن آقا امام رضا(ع) که همیشه ایشان رو پدر معنوی خودش می‌دونست، آرام گرفت. برای‌مان از پارچه سفیدی می‌گوید که از روز اول که شهید مصطفوی تحفص شدند، روی پیکرشان بود تا زمانی که در تابوت را برای تشییع در مشهد بستند. پارچهای که ما را قابل دانست نشان‌مان بدهد و می‌گفت همه جا همراه دارد.

«من روز معراج خیابان بهشت نمی‌تونستم گریه کنم. به دوستانم گفتم دارم می‌میرم اما گریه‌ای که که آتش قلبم رو خاموش کنه، نمیساد. این پارچه رو همون جاده‌ها بودند دستم. بازش کردم و انداختم روی سرم و گریه کردم. شهید خودش کمک کرد که گریه کنم و آرام شدم.»

♦ عاشقانه‌ای جاودان

شهید سید محمد مصطفوی در جوار پدر معنوی‌اش آرام گرفته‌اما عاشقانه‌های او و همسرش گویی تمامی ندارد. تعریف می‌کند و باز هم اشک‌ها در چشم‌هایش و چشم‌های‌مان می‌جوشد.

«از روزی که جواب آزمایش اومد و مجبور به پذیرش حقیقت شدم، انقدر به دلم راه اومد که حد نداشت. حضور و بودنش رو همه جا حس می‌کردم. بعد از شهادت ایشون انگار یک جور دیگه تازه ازدواج کردیم. وقتی تولیت حرم امام رضا(ع) انگشتر به من هدیه دادند، گفتم آقا سید حلقه‌اش هم برام فرستاد. من حتی ارتقای معنوی رو تو بچه‌ها می‌بینم. احساس می‌کنم یک شبه دل ما بزرگ شد، انگار شهید دست گذاشت روی قلب ما و سوره والعصر خوند. به هر حال شهادت و فقدان یک عزیز خیلی سخته. بعد از هفده سال زندگی انگار یک تکه از وجودم رو از دست دادم. پسر بزرگم که نه ساله است و دختر کوچکم ریحانه که دو سال و نیمه است و درکی از شهادت نداره، بیشتر بی‌تابی می‌کنند. پسر دیگرم که هفت ساله است می‌گفت بابا رو نمی‌بخشم، خودش رو شهید کرد. فقدان پدر خیلی سخته ولی معتقدم ما باید خیلی متفاوت عمل و خیلی معنوی فکر کنیم.»

♦ رجز خوانی در مراسم هفتم

در مراسم تشییع در مشهد متنی آماده کرده بودم که بخونم اما نگذاشتند. مراسم هفتم سر مزار آقا سید در رواق حضرت زهر(س) بودیم. دوست نداشتم کسی به من تسلیت بگه، می‌گفتم به ما تبریک بگید. ابهت و شکوه شهادت رو دوست داشتم. بچه‌ها جلوم نشسته بودن و عکس بابا جلوشون بود. احساس می‌کردم آتش‌نشانی درونم فوران می‌کنه اما نه حنجره جیغ زدن داشتم و نه آدمی بودم که خیلی جزع و فزع کنم. یه دفعه یاد اون متن رجز افتادم و فکر کردم الان وقتشه. بلند شدم و رجز رو با غم و خشم خوندم و بعد خیلی آرام شدم. اونجا فهمیدم من با بیان آرام می‌شم. بعد رفتم طبس و مراسم داشتم. گفتم می‌خوام حرف بزنم و باز هم رجز بخونم.»

انگار با یس‌آواری رجز خوانی و تخلیه آتشفشان درونش شوری در وجودش پیدا شده و با همان روحیه حماسی می‌گوید: «به نظرم جنگ هشت ساله ما با عراق با این جنگ دوازده روزه خیلی فرق می‌کنه. زمانه هم خیلی فرق کرده. در دوران دفاع مقدس کلاً فضای کشور، فضای خاصی بود. تفاوت اصلی اینه که ما داریم با رژیم صهیونی می‌جنگیم. جگرمون خون بود برای مردم غزه و دستمون بسته بود و خدا با این جنگ دست بسته ما را برای گرفتن انتقام خون مردم غزه باز کرد. گاهی با خودم فکر می‌کنم چقدر به زمان ظهور نزدیکیم و با همسران شهدا خیلی صحبت می‌کنم. همه به رجعت همسران‌مان در زمان ظهور امید داریم.»

داستان سلحشوری یک ایرانی

مرضیه کرماجانی

خبرنگار

«اشک هور»، چهارمین ساخته «مهدی جعفری»، تلاشی برای به تصویر کشیدن پرتره‌ای از یکی از شهدای برجسته جنگ تحمیلی، «سردار شهید علی هاشمی»، و همزمان روایتگر رنج و انتظار طولانی مادر اوست. این فیلم که با روایتی غیرخطی، پیوسته میان گذشته و آینده در نوسان است، می‌کوشد تا مفهوم عمیق انتظار را در بستر جنگ و پس از آن، برای مخاطب تداعی کند. فیلم «اشک هور» اولین بار بهمن سال گذشته در چهل و سومین جشنواره فلم فجر به نمایش درآمد. این فیلم بدون اکران عمومی در سینماها، راهی سکوها نماش خانگ و تلویزیون شد.

انتظار مادر:

ستون فقرات عاطفی فیلم

یکی از برجسته‌ترین محورهای «اشک هور»، مفهوم انتظار و بازتاب آن در شخصیت مادر شهید است. فیلم، با نمایش اشک مادر در پلان آغازین و پیوند آن با نمای هور خشک شده، از همان ابتدا به این موضوع محوری اشاره می‌کند. انتظار مادری برای بازگشت پیکر فرزند شهیدش، یا دست‌کم خبری از او، رنجی است که در طول ۲۲ سال، روح او را درگیر کرده و فیلم به خوبی این کشمکش درونی را به تصویر می‌کشد. در صحنه‌هایی مانند امتناع مادر از دادن آزمایش خون برای تشخیص هویت پیکر، یا ارتباط او با یادگارهایی چون خاک پوتین فرزندش، بار احساسی عمیقی به مخاطب منتقل می‌شود. این بُعد از روایت، یادآور فیلم موفق «شبیار ۱۴۳» است و نشان می‌دهد که مفهوم انتظار تا چه اندازه می‌تواند در امراتیک و درگیرکننده باشد. «رویا

افشار» در نقش مادر، بازی درخشانی ارائه داده و بار سنگین عاطفی فیلم را به دوش می‌کشد. او تصویری باورپذیر و تأثیرگذار از مادری دردمند و در انتظار را خلق کرده که گریم مناسب نیز به آن هویت بخشیده است. عملکرد افشار فراتر از استانداردهای معمول سینمای ایران است و به حق می‌توان او را یکی از نقاط قوت اصلی فیلم دانست.

الگوسازی از شهید: قهرمان هور

فیلم «اشک هور» بخش‌های مهمی از زندگی مجاهدانه سردار شهید علی هاشمی را به تصویر می‌کشد. با وجود اینکه به اذعان برخی منتقدان، فیلم بیش از آنکه پرتره‌ای کامل از شهید هاشمی باشد، بر انتظار مادر تمرکز دارد، اما تلاش شده تا ابعاد شخصیتی این فرمانده شجاع نیز نمایش داده شود. سکانس‌های مربوط به مقاومت همزمان و یاران سیدعلی هاشمی در ابتدای فیلم و اصرار او بر حفظ جزیره مجنون، روحیه ایثار و ازخودگذشتگی او را بر جسته می‌کند. دیالوگ او



خطاب به یارانش: «حواستون باشه بچه‌ها، جزیره [مجنون] رو خیلی گرون گرفتیم، حیفه که ارزون از دست بدیم»، نمونه‌ای از روحیه سلحشوری و مسئولیت‌پذیری این فرمانده است. ناپدید شدن او پس از درگیری با هلیکوپترهای دشمن، با ایجاد تعلیق مناسب، بر فداکاری بی‌حد و حصر او تأکید می‌کند. بازی «رضا ثامری» در نقش شهید علی هاشمی، اگرچه کامل نیست، اما در باورپذیر ساختن شخصیت این فرمانده به خوبی عمل کرده است. فیلم می‌کوشد تا جنبه‌های مختلفی از شخصیت این شهید بزرگوار، از جمله روحیه شهادت‌طلبانه و ایمان عمیق او را به نمایش بگذارد و در این راستا، گام‌هایی برداشته است.

تلاشی پرفراز و نشیب

«اشک هور» از حیث فیلمبرداری، نقطه قوتی قابل اعتنا محسوب می‌شود. «مهدی جعفری» با توجه به سابقه و تخصص خود در فیلمبرداری توانسته قاب‌های بسیار درخشان و استنادردی را، به ویژه در صحنه‌های نبرد و جنگ، خلق کند.

برداشت

۴۲ اقدامی هوشمندانه

نگاهی به آثار اجتماعی و فرهنگی ناباروری به بهانه سریال تازه رسانه ملی



روش‌های تشخیص و درمان آن بی‌اطلاع هستند. رسانه‌ها می‌توانند با ارائه اطلاعات علمی و دقیق، سطح آگاهی عمومی را بالا ببرند. معرفی مراکز درمانی معتبر، توضیح روش‌های نوین درمان (مانند IVF، اهدای گامت و رحم جایگزین) و شفاف‌سازی فرآیندهای درمانی، می‌تواند به زوجین کمک کند تا تصمیمات آگاهانه‌تری بگیرند. سریال «آلا» با روایت داستان‌هایی در یک مرکز در مان ناباروری و نمایش مراجعه زوج‌ها به آن، به طور غیرمستقیم اطلاعاتی در این زمینه به مخاطبان ارائه می‌دهد. مسیر درمان ناباروری اغلب طولانی، پرهزینه و از نظر عاطفی طاقت‌فرسا است. زوجین در این مسیر نیازمند حمایت عاطفی و امیدواری هستند. رسانه‌ها می‌توانند با نمایش موفقیت‌ها، داستان‌های امیدبخش و همچنین چالش‌ها و نحوه مواجهه با آن‌ها، به زوجین ناباور این پیام را بدهند که تنها نیستند و می‌توانند بر مشکلات غلبه کنند. نقش «پدر همدل» در سریال «آلا» که به عنوان حلقه‌ای میان نسل‌ها عمل می‌کند و خانواده را در مسیر فرزندآوری تقویت می‌کند، نمونه‌ای از این حمایت اجتماعی است. در شرایطی که بسیاری از کشورها، از جمله ایران، با چالشش پیری جمعیت و کاهش

نرخ فرزندآوری مواجه هستند، ترویج و تشویق به فرزندآوری از اهمیت بالایی برخوردار است. رسانه‌ها می‌توانند با برجسته‌سازی ارزش‌های خانواده، زیبایی‌های فرزندپروری و اهمیت نسل آینده، به تغییر نگرش جامعه در این زمینه کمک کنند. سریال «آلا» با تمرکز بر این دغدغه ملی و با همکاری پژوهشکده رویان، به دنبال تشویق زوج‌ها به فرزندآوری و ارائه اطلاعات در این زمینه است. همانطور که سریال «آلا» نشان می‌دهد، استفاده از قالب داستانی و دراماتیک، یکی از مؤثرترین روش‌ها برای انتقال پیام‌های پیچیده اجتماعی است. مخاطب با شخصیت‌ها همذات‌پنداری کرده و از طریق داستان، با ابعاد مختلف ناباروری آشنا می‌شود. اپیزودیک بودن سریال «آلا» و روایت داستان زندگی زوج‌های مختلف، این امکان را فراهم می‌کند تا طیف وسیع‌تری از چالش‌ها و تجربیات ناباروری به تصویر کشیده شود. برای تأثیرگذاری بیشتر، محتوای رسانه‌ای باید واقع‌گرایانه و ملموس باشد. نمایش جزئیات زندگی روزمره زوجین، دغدغه‌های مالی، فشارهای خانوادگی و اجتماعی و همچنین فرآیندهای درمانی، به مخاطب کمک می‌کند تا با واقعیت‌های ناباروری ارتباط برقرار کند. «آلا» با

استفاده صحیح از موسیقی، به‌ویژه در صحنه‌های تعقیب و گریز و همچنین در نمایش احساسات عمیق انتظار مادر، از دیگر نقاط مثبت فیلم است که به تأثیرگذاری آن می‌افزاید.

با این حال، فیلم از ضعف‌هایی در فیلمنامه و شخصیت‌پردازی رنج می‌برد. عمده شخصیت‌های اصلی داستان، از جمله خود شهید هاشمی، به دلیل عدم پرداخت کافی، کامل و عمیق به نظر نمی‌رسند. این نقص، باعث می‌شود که کنش‌ها و واکنش‌های آنها در برخی بخش‌ها برای مخاطب گنگ و نامفهوم باقی بماند و از همراهی کامل با کلیت اثر می‌کاهد. ریتم کند قصه نیز در بسیاری از بخش‌ها، به ویژه در نیمه اول، مخاطب را آزرده خاطر می‌کند و مانع از پیشروی روان داستان می‌شود. اگرچه در سکانس‌های جنگی و صحنه پیدا شدن پیکر شهید، ریتم متعادلی مشاهده می‌شود، اما جعفری به عنوان نویسنده و کارگردان نتوانسته ریتمی یکدست برای فیلم خود ایجاد کند. روایت دویاره فیلم، که بین انتظار مادر و زندگی شهید در نوسان است، گاهی باعث تشتت در روایت می‌شود و اجازه نمی‌دهد که مخاطب به طور کامل با یکی از این دو محور ارتباط برقرار کند.

«اشک هور» در مجموع اثری ارزشمند و قابل اعتنا در سینمای دفاع مقدس است که روح سلحشوری و عرق ملی در آن موج می‌زند. این فیلم، با وجود ضعف‌هایی در شخصیت‌پردازی و ریتم، به دلیل تمرکز بر مفهوم انتظار مادر و نمایش بخش‌هایی از زندگی قهرمانانه‌ای سردار شهید علی هاشمی، و همچنین بازی درخشان رویا افشار و فیلمبرداری قوی، جایگاهی در میان آثار ارزشمند سینمای ایران دارد. این فیلم تلاشی صادقانه برای ادای دین به قهرمانان جنگ و صبر و مقاومت خانواده‌های شهداست.

طراحی صحنه و دیالوگ‌های واقع‌گرایانه، به اعتبار و اثرگذاری داستان خود افزوده است.

تلویزیون می‌تواند با نمایش باورهای غلط رایج در جامعه (مانند اینکه مشکل ناباروری فقط از زنان است، یا با استراحت بیشتر حل می‌شود)، و سپس به چالش کشیدن و اصلاح آنها از طریق شخصیت‌ها و روایت داستان، به آگاهی‌بخشی کمک کند. در سریال «آلا»، پدری که معتقد است مشکل نمی‌تواند از پسرش باشد و این باور غلط که اگر ناباروری وجود دارد، مشکل از خانم‌هاست در ذهنش جا افتاده، به خوبی این چالش را به تصویر می‌کشد و در نهایت به اصلاح این دیدگاه می‌پردازد. در کنار روایت داستانی، می‌توان از حضور کارشناسان و متخصصان در برنامه‌های تلویزیونی برای ارائه اطلاعات دقیق‌تر و پاسخ به سؤالات مخاطبان استفاده کرد. اگرچه سریال «آلا» یک برنامه تخصصی نیست، اما همکاری با پژوهشکده رویان و محوریت یک مرکز درمان ناباروری، نشان‌دهنده رویکرد علمی و تخصصی در ساخت آن است. همچنین، رسانه‌ها می‌توانند با تأکید بر اهمیت تشخیص زودهنگام و پیگیری درمان به موقع، از اتلاف وقت و افزایش مشکلات جلوگیری کنند. نمایش موفقیت‌آمیز درمان‌ها و بهبود کیفیت زندگی زوجین پس از درمان، می‌تواند انگیزه لازم را برای مراجعه به پزشک و آغاز فرآیند درمان ایجاد کند.

سریال «آلا» با انتخاب هوشمندانه موضوع ناباروری و فرزندآوری، گامی مثبت در جهت فرهنگ‌سازی و افزایش آگاهی عمومی در این زمینه برداشته است. با توجه به چالش‌های جمعیتی و نیاز جامعه به ترویج فرزندآوری، نقش تلویزیون به عنوان رسانه‌ای فراگیر و تأثیرگذار، بیش از پیش اهمیت می‌یابد. امید است با ادامه ساخت چنین آثاری، شاهد کاهش انگ اجتماعی، افزایش آگاهی و حمایت بیشتر از زوجین ناباور در جامعه باشیم.

یادداشت

کلید بقا در جنگ شناختی!

آرش فهیم

دبیر گروه فرهنگ



با آتش‌پس بین طرفین متخاصم در یک جنگ نظامی، نبرد در عرصه‌های دیگر ادامه پیدا می‌کند. یکی از این میدان‌ها، حوزه شناخت است که از آن با عنوان «جنگ شناختی» یاد می‌شود. همچنانکه این نبرد در ایام بعد از جنگ ۱۲ روزه تحمیلی علیه ایران، عمدتاً با محوریت رسانه و فضا مجازی، درحال انجام است. در دنیای پیچیده و به هم پیوسته امروز، مفهوم جنگ شناختی بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافته است. این نوع جنگ، که در لایه‌های عمیق‌تر از جنگ‌های نظامی ستنی عمل می‌کند، بر دستکاری ادراکات، باورها و تصمیمات افراد و جوامع متمرکز است. هدف اصلی جنگ شناختی، تأثیرگذاری بر مسیر فکری و نحوه تحلیل طرف مقابل است، نه لزوماً دستیابی به یک نتیجه مشخص نظامی. این تمایز بنیادین، جنگ شناختی را به ابزاری قدرتمند و در عین حال پنهان در صحنه روابط بین‌الملل و حتی در داخل جوامع تبدیل کرده است. مکانیسم جنگ شناختی را می‌توان در سه گام اصلی بررسی کرد:

گام صلح که شامل استفاده از تکنیک‌های پایه برای حفظ و تثبیت صلح و جلوگیری از ورود به فضاهای خصمانه است.

گام نبرد که حد فاصل بین صلح و جنگ تلقی می‌شود؛ فضایی از هوشیاری و آمادهباش که در آن، طرفین به دنبال ایجاد اختلال در دستگاه محاسباتی یکدیگر هستند. در این فضا، قواعد صلح و جنگ هر دو حاکم هستند و هدف اصلی، مدیریت شرایط به گونه‌ای است که از وقوع جنگ تمام‌عیار جلوگیری شود، در حالی که بر ذهن و اراده طرف مقابل تأثیر گذاشته می‌شود. این مرحله اغلب با عملیات رسانه‌ای گسترده و هوشمندانه همراه است.

گام جنگ که اوج تخاصم است و جنبه‌های نظامی برجسته و پررنگ می‌شوند. حتی در این مرحله نیز، هدف تنها محدود به درگیری نظامی نیست؛ بلکه تلاش می‌شود تا با استفاده از تمامی ابزارها، از جمله ابزارهای نظامی، ذهنیت و اراده طرف مقابل به طور کامل شکسته شود و به سمت تغییر سوق داده شود. در جامعه امروز، رسانه در نبرد شناختی، نه تنها به عنوان یک ابزار اطلاع‌رسانی، بلکه به عنوان یک عامل اصلی در شکل‌دهی به روایت‌ها، ایجاد موج‌های فکری، و تخریب چهره دشمن عمل می‌کند. این جنگ، نه تنها بین کشورها، بلکه در داخل جوامع نیز جریان دارد و می‌تواند بر انتخابات، سیاست‌ها، و حتی سبک زندگی افراد تأثیر بگذارد.

بنابراین، شناخت، درک و مدیریت جنگ شناختی برای افراد، سازمان‌ها و دولت‌ها امری حیاتی است. در این دوران، هوشیاری و توانایی تحلیل اطلاعات و اخبار از منابع مختلف، برای مقابله با دستکاری‌های شناختی و حفظ استقلال فکری، اهمیت دوچندانی پیدا می‌کند. این جنگ، جنگی برای کنترل ذهن‌ها و اراده‌هاست، و هرچه جامعه‌ای در این زمینه آگاه‌تر و آماده‌تر باشد، آسیب‌پذیری کمتری در برابر این حملات پنهان خواهد داشت. در عصر اطلاعات، سواد رسانه‌ای و قدرت تمیز بین واقعیت و دروغ، کلید بقا در این عرصه پیچیده است.

قبیله عشق

پسر ایران



تنها پسر خانواده بود. پدرش هر چه اصرار کرد او را به خارج از کشور بفرستد، قبول نکرد. گفت من همه زندگی‌ام ایران است. اگر از دنیا رفتم فقط روی قبر من بنویسید پسر ایران و یک لوگوی پرسپولیس بگذارید. پدر همیشه می‌گفت: «من که نیاید برای تو سنگ قبر بگیرم ولی همین اتفاق افتاد.»

«پارسا منصور» از نوجوانی اسکی، تنیس، بدنسازی کار می‌کرد اما در سال‌های اخیر تنیس‌باز پدل بود. مهندسی خوانده بود و حالا سرباز بود. چیزی از پایان خدمتش نمانده بود. در یک مجتمع مسکونی در غرب تهران زندگی می‌کرد. برای عید غدیر مرخصی گرفته بود تا کنار خانواده‌اش باشد. ساعت ۳:۲۰ بامداد جمعه ۲۳ خرداد بود. پارسا در اتاقش خوابیده بود که موشک‌های نقطه زن اسرائیل، اتاقش را زدند. پسر ایران فدای ایران شد. در قطعه ۴۲ قدم بزنی و به بنرهای شهدا نگاه کنی عکس پارسا با بقیه فرق دارد. لباس ورزشی به تن دارد که روی آستین هایش پرچم ایران است. یکی از دوستان پارسا به نام «ریسان» طی خاطره‌ای درباره شهید می‌گوید: «پارسا ورزشکار بود. خیلی باشگاه می‌آمد، با هم تنیس بازی می‌کردیم. شب اول جنگ خواب بود که موشک زدند، حالا اینجا دیدنش آمده‌ایم. پارسا را به پسر ایران می‌شناسند، چون که او عاشق ایران بود. عاشق وطنش بود. همیشه با لباس سه‌رنگ باشگاه می‌آمد. همیشه از ایران زیاد می‌گفت. تعصب ایران را می‌کشید. بهش می‌گفتم پسر ایران.»

پارسا در دانشگاه مهندسی پزشکی خوانده بود. بین بچه‌های دانشگاه و باشگاه به بمب انرژی معروف بود. پارسا همیشه خوش‌فکر و باانگیزه بود.

پارسا مهندس بود، ورزشکار بود، سرباز بود؛ اما فراتر از همه اینها، تجسمی از ایران بود که بسیاری آرزویش را دارند. ایرانی پرنانرژی، باانگیزه، ریشه‌دار در فرهنگ کهن شاهنامه و همگام با دنیای امروز.

موشک دشمن شاید جسم او را از ما گرفت، اما حکایت «پسر ایران» تازه در قلب دوستانش، در بغض پدرش و بر سنگ مزاری که به‌سادگی و عظمت نام ایران را بر خود خواهد داشت، متولد شده است. پارسا نه اولین قربانی دفاع از این خاک است و نه آخرین، اما داستان او روایتی بی بدیل از جوانی است که در اوج زندگی، آرزویی جز جاودانگی نام وطنش نداشت. او رفت تا به همه ما یادآوری کند که «پسر ایران» بودن، یک لقب نیست؛ یک مرام است، یک عشق بی‌قیدوشرط است که حتی مرگ نیز نمی‌تواند آن را خاموش کند.

پدر شهید پارسا منصور می‌گوید: «هیچ‌گاه فراموش نمی‌کنم روزی که از پل کردستان (تهران) عبور می‌کردیم، پارسا با اشاره به پرچمی که طرح ضریح اسام رضا(ع) بر آن بود گفت: بابا این پرچم دقیقاً در راستای ضریح امام‌رضاست... من همیشه سلامم را از همین‌جا می‌فرستم. پارسا با لحنی خاص به من گفت: بابا، امام رضا(ع) به تو بزرگی کرده... عظمت او را دست‌کم نگیر.» این حرف‌ها از جوانی می‌آمد که از کودکی ریشه در باور داشت و امروز مسیرش را با همان باور به پایان رساند.

روایتی از فرماندهی کم نظیر امام خامنه‌ای در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه

فرمانده اتاق جنگ

اطمینان به جامعه منتقل کرد. همچنین، صدور سه پیام تصویری خطاب به ملت طی ۱۲ روز جنگ، نه‌تنها آرامش را به جامعه بازگرداند، بلکه به اذعان رسانه‌های خارجی، التهاب و نگرانی را در جبهه دشمن ایجاد کرد. این پیام‌ها، نشانه‌ای از هدایت پیوسته و زنده کشور در دشوارترین شرایط بود. این نمونه‌ها تنها بخشی از نقش‌آفرینی فرمانده معظم کل قوا در هدایت میدان و مدیریت کلان کشور در جریان جنگ ۱۲ روزه را نشان می‌دهد. حضور مستقیم، تصمیم‌گیری‌های دقیق و تداوم امور، واقعیتی بود که هم برای مخاطبان داخلی و هم برای ناظران خارجی به‌وضوح نمایان شد و بار دیگر اقتدار نظام اسلامی را به اثبات رساند.

جلوه دهد. مدیریت منسجم و پیوسته در سطح کلان کشور، نشان داد که حتی در شرایط جنگی، ایران از ثبات و اقتدار برخوردار است. نکته قابل توجه، تداوم برنامه‌های رسمی رهبر معظم انقلاب در کنسار مدیریت بحران بود. دیدار سالانه با مسئولان قوه قضائیه، که طبق روال هر سال در هفته قوه قضائیه برگزار می‌شود، علی‌رغم شرایط جنگی با چند روز تأخیر انجام‌شد. همچنین، تمدید و انتصاب فقهای شورای نگهبان، یک روز پیش از این دیدار، نشانه‌ای دیگر از تداوم امور در بالاترین سطح بود. این تداوم، حتی در بحبوحه جنگ، بیانگر عمق مدیریت و آرامش حاکم بر نظام بود. حضور رهبر معظم انقلاب در مراسم روضه بیت در شب عاشورا، علی‌رغم تهدیدات نظامی رژیم صهیونیستی، پیامی قاطع از پایداری و

نظام، نیز بر این موضوع تأکید کرد و گفت: «این عملیات به‌طور مستقیم توسط رهبر معظم انقلاب اداره شد و ایشان نه‌تنها ناظر بودند، بلکه دستورات را مستقیماً صادر و جنگ را هدایت کردند.» این سخنان، برای نخستین بار پس از جنگ، گوشه‌ای از نحوه مدیریت رهبر انقلاب در اتاق جنگ را روشن ساخت و نشان داد که تصمیم‌گیری‌های کلان در حساس‌ترین لحظات، با دقت و سرعت تحت نظارت مستقیم ایشان انجام شده است.

در ساعات اولیه آغاز جنگ، تصمیمات کلیدی با سرعتی کم‌نظیر اتخاذ‌شد. انتصاب فرماندهان جدید در همان چهار ساعت نخست حمله، نمونه‌ای بارز از این سرعت عمل بود. این اقدام، پاسخی محکم به تبلیغات دشمن بود که تلاش داشت نظام تصمیم‌گیری ایران را ناکارآمد و مختل

نماینده ولی فقیه در سپاه در مراسم اربعین شهادت سرداران جنگ تحمیلی ۱۲ روزه

مردم ما زمان شناس، بصیر و شجاع اند



شهید بزرگوار پیمان ببندیم که راه ایشان را ادامه دهیم.

♦ انسجام مردم درس آموز بود

حجت‌الاسلام‌المسلمین عبدالحسین خسروپناه، دبیر شورای‌عالی انقلاب فرهنگی نیز در حاشیه مراسم بزرگداشت چهلمین روز شهید سپهبد باقری اظهار کرد: «همه شهدای جنگ تحمیلی ۱۲ روزه درس زیست مقاومت را به ما یاد دادند. مردم عزیزمان با همین درس مقاومت محکمی ایستادند و پشت رهبری بودند، حمایت کردند در مقابل استکبار جهانی ورژیم صهیونیستی، محکم ایستادند همدل و متحد و منسجم، الحمدلله توانستند این پیروزی را به ارمغان بیاورند.»

وی افزود: «انسجام ملی که مردم عزیزمان داشتند بسیار درس آموز بود و ان‌شاء‌الله تلاش کنیم بماند و استمرار پیدا کنند.»

♦ شهید باقری، مغز متفکر جبهه‌ها بود

سردار حسین نجات جانشین فرمانده کل سپاه در قرارگاه ثارالله(ع) نیز در حاشیه مراسم بزرگداشت چهلمین روز شهادت سپهبد شهید محمد باقری با اشاره به خدمات این شهید بزرگوار گفت: «سپهبد شهید باقری از زمان آغاز هشت سال دفاع مقدس تا پایان آن، شبانه‌روز در جبهه‌ها حضور داشتند. ایشان در اواخر جنگ نیز در صف اول جبهه‌ها مشغول فعالیت بودند و در زمینه آماده‌سازی رده‌ها و مجاهدت‌ها نقش مؤثری ایفا کردند.»

وی افزود: «شهید باقری و برادرشان مغز متفکر جبهه‌ها بودند و مایک برادر متفکر راهبردی و نیروی فکور جبهه‌های جنگ و مقاومت را از دست دادیم.» جانشین فرمانده کل سپاه در قرارگاه ثارالله(ع) بیان کرد: «شهید باقری همیشه در کنار رهبر معظم انقلاب بود و تصور می‌کنم که رهبری یکی از یاران و بازوهای خود را از دست داده‌اند.» سردار نجات همچنین با اشاره به تأثیر گذاری شهید باقری در تربیت نیروهای جدید گفت: «ایشان افراد زیادی را تربیت کردند و به‌سرعت جایگزین شدند. ما برای ایشان، همسر مکرشان و فرزندشان که در این واقعه شهید شدند، آرزوی درجات عالی داریم.»

قایلیاف رئیس مجلس شورای اسلامی در این مراسم گفت: «این جلسه، جلسه‌ای است که هرگز نباید فراموش کنیم و نباید در برابر آن غفلت کنیم. باید با قدرت، این مسیر را ادامه دهیم. همان‌طور که رهبر عزیزمان فرمودند؛ در این حوادث اخیر، نه زیر بار جنگ تحمیلی خواهیم رفت و نه زیر بار صلح تحمیلی.»

قایلیاف عنوان کرد: «ما هم مرد میدان مقاومت عملی هستیم و هم مرد میدان منطق و گفت‌وگو. این دو لازم و ملزوم هم هستند و با قدرت این مسیر را ادامه خواهیم داد.وی ادامه داد: این راه باید در اقتصاد، فرهنگ، سیاست، فناوری و علم هم جاری و حاکم باشد. نمونه بارز آن را امروز در سازمان هوافضا می‌بینیم؛ در همان محیط سخت و پیچیده اگر مشکلاتی هست، اما با این باورها پایدار ایستاده‌ایم. اگر بایستیم در اقتصاد نیز به همان قدرت و استحکام خواهیم رسید.»

رئیس مجلس شورای اسلامی گفت: «ما نه ترس داریم و نه احساس ضعف؛ راه ما راه عزت، شرف، آزادی و بندگی است. این راه منتظران واقعی است که در این مسیر حرکت می‌کنند و ان‌شاء‌الله ادامه خواهد یافت.»

در این مراسم سردار ابراهیم جباری، مشاور فرمانده کل سپاه؛ سردار احمد بیگلری، معاون قرارگاه ثارالله و جمعی از فرماندهان و مسئولان لشکری و کشوری و همچنین جمعی از خانواده معظم شهدا حضور دارند.

♦ باید راه شهید باقری ادامه یابد

مراسم بزرگداشت چهلمین روز عروج آسمانی سردار سپهبد شهید محمد باقری با حضور مقامات لشکری و کشوری در مسجد حضرت امیر(علیه‌السلام) تهران برگزار شد. سردار احمد وحیدی، مشاور فرمانده کل سپاه نیز، در حاشیه این مراسم با اشاره به خدمات این شهید بزرگوار گفت: شهید باقری عمر خود را در دفاع از کشور و ایجاد ساختاری مستحکم در نیروهای مسلح صرف کرد. او در دوران دفاع مقدس و پس از آن نقش بسیار برجسته‌ای ایفا کرد و توانست یاد جاودانی از خود برای ملت ما به جا بگذارد. وی همچنین تأکید کرد: امروز ما باید به یاد این

شمار می‌آید. تفکر ضد استکباری او همچنان باقی است و شهادتش برکات و آثار فراوانی از جمله جان بخشیدن به انقلاب به همراه داشت.»

حاجی صادقی تأکید کرد: «این شهادت‌ها تلاش چندین دهه دشمن را بی اثر کرد. دشمن قصد داشت با از بین بردن مراکز فرماندهی، مردم را علیه نظام بشوهراند، اما مردم با شجاعت و بصیرت در مقابل دشمن ایستادند. این شهادت‌ها خشم مقدس، وحدت و انسجام را در جامعه به‌وجود آورد. مردم ما زمان‌شناس، بصیر و شجاع‌اند و قدرت واقعی آنها، نه آمریکا بلکه همین مردم هستند. آتش‌بس دشمن تنها به دلیل ترس از موشک‌های ایران نیست، بلکه ناشی از نگرانی آنها از خشم مردم است.»

♦ جنگ اطلاعاتی با دشمن ادامه دارد

حجت‌الاسلام حسین طائب، مشاور فرمانده کل سپاه نیز در جمع خبرنگاران گفت: «همانطور که به فضل الهی جنگ ۱۲ روزه را در موفقیت و پیروزی پشت سر گذاشتیم و ملت ما شاهد پیروزی همه‌جانبه‌ای علیه رژیم صهیونی و آمریکا بودند، طبیعی است که پس از جنگ، بازسازی‌ها و نوسازی‌ها انجام‌شود.»

وی افزود: «در حوزه اطلاعاتی نیز به فضل الهی اشراف اطلاعاتی ما روز به روز بیشتر می‌شود.» حجت‌الاسلام طائب عنوان کرد: «هر چند جنگ نظامی به پایان رسیده، اما جنگ اطلاعاتی و امنیتی مختص به زمان جنگ نیست و قبل، حین و بعد از جنگ دستگاه اطلاعاتی همواره درگیر این مسائل است.»

وی ادامه داد: «بسیاری از این جنگ‌های اطلاعاتی و امنیتی برای مردم شریف ما آشکار نیست، اما دستگاه اطلاعاتی با عوامل دشمن در داخل کشور به خوبی درگیر است، اشراف کامل دارد و برخوردهای لازم را به فضل خدا انجام می‌دهد.»

♦ نه جنگ تحمیلی، نه صلح تحمیلی

در مراسم اربعین سرلشکر شهید امیرعلی حاجی‌زاده، فرمانده فقیه نیروی هوافضای سپاه و شهدای اقتدار ایران در آستان مقدس امامزاده حسن(ع) در منطقه ۱۷ تهران برگزار شد؛ محمدباقر

شاهد ۱۳۶ بابر چسب آمریکایی!



و داشت و برخی حتی آن را «شاهد ۱۳۶» با برچسب
آمریکایی «نامیده اند!

داستان از آنجا شروع شد که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در سخنانی جنجالی از هزینه‌های سرسام‌آور پهلپادهای آمریکایی انتقاد کرد. او با اشاره به شاهد ۱۳۶ ایران، فاش کرد که پهلپادهای ایرانی با کسری از هزینه‌های میلیونی نمونه‌های آمریکایی، عملکرد مشابهی دارند. این اظهارات، انگار جرقه‌ای در پنتاگون زد؛ چرا از طراحی ساده اما مؤثر ایران الهام نگیریم؟ نتیجه‌اش شد «لوکاس» (Lusk)، پهلپادی که قرار است با توجیه‌های پرواز گروهی (Swarm) و عملیات خودمختار، آمریکا را در نبردهای مدرن یک قدم جلو ببرد. اما آیا این قدم، ربه جلواست یا فقط یک کپی ناشیانه؟

شاهد ۱۳۶ ایران، ستاره‌ای در میدان‌های واقعی نبود است. این پهباد انتحاری با وزن ۲۴۰ کیلوگرم، سرعت ۲۸۰ کیلومتر بر ساعت و برد ۲۰۰ تا ۲۵۰ کیلومتری، بارها در عملیات‌هایی مثل «وعده صادق ۳» و رزمایش «پیامبر اعظم ۱۷» قدرت خود را به رخ کشیده است. دقت بالای آن در شبیه‌سازی حمله به نیروگاه دیمونا، لرزه بر اندام دشمنان انداخته و باره‌به‌باری‌های ناجیز، با افتدگذاری گریز-رانش به چالش کشیده است. حالا نسخه جدیدترش، شاهد ۱۳۶B، با موتور توربوجت و برد خیره‌کننده ۴۰۰ کیلومتر، ایران را یک سر و گردن از رقبای بالاتر برده است.

چهارشنبه گذشته، حیاط پنتاگون شاهد لحظه‌ای تلخی بود: رونمایی از پهپاد جدید و کم‌هزینه‌ترش آمریکا به نام «LUCAS». اما این لحظه، بیش از آنکه نمایشی از نوآوری باشد، به صحنه‌ای از شگفتی و تردید تبدیل شد. وزیر دفاع آمریکا، پت هگزرث، در حالی که سعی داشت لبخندی مطمئن بر لب داشته باشد، در کنار پهپادی استاده بود که به طرز عجیبی شبیه به پهپاد ایران شاه‌لش ۱۳۶ بود. چهره متعجب همراهش حکایت از یک سؤال آزرگ‌تر داشت: آیا آمریکا سازنده ۳۵۴ و ۲۰۰، واقعاً به‌ی‌بودن فناوری ایران روی آورده است؟

♦ کپی کاری آمریکایی ها!

پهپاد «لوکاس» با طراحی دلتا شکل، موتور پیستونی، طول ۳ متر و دهانه بال حدود ۲/۵ تا ۳ متر، انگار از خط تولید شاهد-۱۳۶ بیرون آمده و وزن ۶۰۰ کیلوگرمی، سرعت ۱۸۵ کیلومتر بر ساعت، برد ۲۰۰۰ کیلومتری و توانایی حمل ۱۸ کیلوگرم محموله، همه و همه شباهت‌های غیر قابل انکاری به پهپاد ایرانی دارند. اما این فقط ظاهر ماجرا نیست. نتیجه قیمتی تقریبی ۱۰۰ هزار دلار «لوکاس» هم تلاشی برای رقابت با هزینه تولید ۲۰ تا ۲۵ هزار دلار شاهد-۱۳۶ به نظر می‌رسد. این شباهت‌ها آنقدر زیاد است که کارشناسان هوافضا را به حیرت

سخنگوی ستاد کل نیروهای مسلح

هشدار به دشمنان!



«سردار ابوالفضل شکارچی» در مراسم اربعین شهدای
اقتدار در قم اعلام کرد: «موشک‌های ایران با عبور از سد‌ها
فروند هواپیمای جنگنده، رادارهای پیشرفته و سامانه‌های پدافند
هوایی ساخت آمریکا، آلمان، انگلیس و فرانسه، مراکز امنیتی و
نظامی اسرائیل را در هم کوبید.»

سختگوی ستاد کل نیروهای مسلح ایران اظهار داشت: «در مسیر یک هزار و ۲۰۰ کیلومتری تا سرزمین‌های اشغالی، صدها فرزند هوایمانی جنگند، و ادارای پیشرفته و سامانه‌های پدافند هوایی ساخت آمریکا، آلمان، انگلیس و فرانسه برای مقابله با حمله موشکی و پهپادی ایران مستقر شده بودند. با این حال، موشک‌های ایران از این لایه‌های دفاعی عبور کرده و اهداف خود را از شمال تا جنوب سرزمین‌های اشغالی هدف قرار دادند.»

شکارچی همدار داد: «اگر کوچک‌ترین خدشه‌ای با مواضع شکارچیها هر شبی وارد شود یا کسی در مسیر تقابل با وایلایت قدم بردارد، آگاهانه در زمین دشمن بازی کرده و به رژیم صهیونیستی خدمت می‌کند. در اغلبه بر دشمن، تنها در سایه پرزور و لایلت، حفظ وحدت و بصیرت انقلابی ملت ایران محقق خواهد شد.»

هشدار به آمریکا

ساعت ۱۰ یکم مرداد، ناوشکن آمریکایی DDG Fitzgerald قصد ورود به آب‌های تحت نظارت ایران در دریای عمان را داشت. تیم هوادریای نیروی دریایی ارتش (نداجا) با بالگرد برفراز ششاور پرواز کرد و هشدار دور شدن صادر نمود. ناوشکن آمریکایی با تهدید به هدف‌گیری بالگرد، خواستار ترک منطقه شد، اما خلبان ایرانی با قاطعیت هشدار را تکرار کرد. سامانه پدافند قهر مان ارتش وارد عمل شد و اعلام کرد بالگرد تحت حمایت کامل پدافند است و ششاور آمریکایی باید مسیر خود را تغییر دهد. با یافشاری تیم پروازی و پشتیبانی پدافند، ناوشکن آمریکایی تسلیم شد و از آب‌های ایران دور شد.

فدایان ولایت

رزمایش «فداییان ولایت» جامعه عشایر با حضور بیش از ۱۰۰۰ نفر از عشایر و سردار طوایف در شهر «دهبکری» استان کرمان برگزار شد. در این رزمایش «سردار بهروز»، جانشین سپاه ثارالله استان کرمان گفت: «امروز اتحاد و همدلی بزرگترین نعمت ماست.» «سرهنگ سیاری»، رئیس بسیج عشایری استان هم گفت: «در سطح استان کرمان ۳۰۰ پایگاه عشایری داریم و بیش از ۴۰ هزار عشایر سازماندهی شدند.» «سرهنگ مصطفی دهقانپان»، فرمانده ناحیه مقاومت بسیج سپاه نیز گفت: «امروز در رزمایش فداییان ولایت عشایر شرق استان کرمان بیش از ۱۰۰۰ نفر از عشایر و سران عشایر و طوایف مختلف شرکت کردند.»

ترویج ازدواج آسان

یکی از سنت‌های همیشگی سپاه کمرکس‌نی به تازه‌عروس دامادهایی است که شرایط اقتصادی نامساعدی دارند؛ در این بین سپاه ناحیه شهرستان «دورود» به نیابت از شهدای جنگ ۱۲ روزه، چهار سری کمک جبهه‌ری را به نو‌عروسان شهرستان دورود اهدا کردند. «سرهنگ یوسفوند»، فرمانده سپاه ناحیه دورود گفت: «با هدف ترویج فرهنگ ازدواج آسان و به نیابت از شهدای جنگ تحمیلی ۱۲ روزه رژیم غاصب صهیونی در لرسن، چهار سری کمک جبهه‌ری به ارزش هر سری ۶۰۰ میلیون ریال بین نو‌عروسان شهرستان دورود توزیع شد.» وی افزود: «این کمک جبهه‌ری‌ها شامل یخچال، تلویزیون، جاروبرقی و ماشین لباسشویی بوده است.»

♦ اما «لوکاس» چه در چنته دارد؟

روی کاغذ، این بهپاد با سیستم‌های الکترونیکی پیشرفته و طراحی مازولار، قابلیت‌های جذابی دارد. اما حقیقت تلخ این است که هنوز در مرحله آزمایش است و هیچ تجربه عملیاتی در کارنامه‌اش نیست. در مقابل، شاهد۱۳۶ با سال‌ها حضور در میدان‌های واقعی، بلوغ عملیاتی خود را ثابت کرده است. از حمل ۳۰ تا ۵۰ کیلوگرم مواد منفجره گرفته تا حمله‌های گروهی که پدافندهای دشمن را فلج می‌کند، شاهد۱۳۶ یک کابوس تمام‌عیار برای دشمنان ایران است.

♦ غول‌های کپی کار

سوال این است که چرا آمریکا غول فناوری جهان، به کیی برداری از ایران روی آورده؟ پاسخ ساده است: واقع گرای. شاهد ۱۳۵۰ با طراحی ساده اما کارآمد، هزینه های پایین و عملکرد میدانی درخشان، معادلات جنگ مدرن را تغییر داده است. تحریم ها ایران را مجبور به نوآوری های اقتصادی کرده و نتیجه اش، پهنپادی شده که با کسری از هزینه های آمریکا، همان کارایی را دارد. پنتاگون هم این را خوب فهمیده: چرا چرخ را از نو اختراع کنیم وقتی می توان از یک طراحی آزمایش شده الهام گرفت؟ این حرکت، نه تنها به

رئیس دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله

درس بزرگ به رژیم متجاوز



«دکتر ابوالقاسمی»، در نهمین دوره «تربیت و تعالی اعضای هیئت علمی دانشگاه بقیه‌الله» که در مشهد مقدس برگزار شد، با اشاره به ضربه سخت ایران به رژیم صهیونیستی افزود: «ما به رژیم صهیونی درسی بزرگ دادیم. نشان دادیم حمله به ایران می‌تواند برای آنان خسارات سنگینی به دنبال داشته باشد. این پیروزی، دل همه مسلمانان جهان را شاد کرد.»

رئیس دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله سلامت معنوی را یکی از اصلاص اصلی همدسه معرفت دینی دانست و تصریح کرد: «ما مؤظفم سلامت معنوی را جدی بگیریم. اگر نگاه به سلامت فقط جسمانی یا صفر فزروانی باشد، این نگاه ناقص است. باید در کنار سلامت جسم، روان و اجتماعی، بُعد سلامت معنوی نیز به دانشجوین آموزش داده شود تا نگرش آنان به سلامت، نگاهی جامع و همه‌جانبه باشد.»

رئیس دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله (عج) در پایان گفت: «تقویت بنیه معنوی افراد، به ارتقای سلامت جسمی، روانی و اجتماعی آنها کمک می‌کند و منجر به رسیدن به بالاترین سطح کیفیت زندگی، یعنی حیات طیبه، می‌شود. این مسئله باید در خدمات سلامت ایران به‌طور جدی در دستور کار قرار گیرد.»

خبر

۱۵

ياسدار

شماره ۱۱۹۸ | دوشنبه ۶ مرداد ۱۴۰۴

صداق

روی خ

چرا درباره فلسطین

ساکتید؟!!

۰۹۳۶۰۰۰۲۴۴/۱ سلام، لطفاً درباره نقش امام خامنه‌ای، تو مدیریت جنگ و بحران و دفاع مقدس ۱۲ روزه بنویسید. به نظر همه رزوارها و موشک‌های طرف، نقش کلیدی والهی ایشان به طرف! حیف که ما بیشتر به مسائل مادی توجه می‌کنیم و از این نقش غافلیم.

صهیونی و جولانی به جور دعوای ساختگیه
که به صهیونیست ها بهانه بده سوریه رو بگیرن.
میگن جولانی تازه از آذربایجان برگشته! انگار
به همکاری قدیمی بین یهود و بنی امیه دوباره
زنده شده...

خواهشاً مسئله حله
 ۰۹۱۲۰۰۰۳۳۲۲۲
 رژیم صهیونیستی از طریق آذربایجان به سمت
 میدادن تجریش و مناطق شمالی روروش کنبد:
 اگر این خبر از طرف مسئولین تأیید بشه، باید
 حسابی با رژیم الهام علی اف بر خورد بشه! اگر
 هم نبوده برای مردم روشن بشود. حسینی
 ۰۹۱۳۰۰۰۴۱۱۴
 آمریکای زورگو با ایران
 و مستقل کنوی و همه دعوایشان سر
 همین است! این شیاطین بزرگ و کوچک دنبال
 یک ایران ضعیف و گاو شیرده اند، مثل زمان
 شاه اولی کور خواندن، تا دامادی که ما تابع
 امم خمینی (ره) و امام خامنه ای
 نمی گذارند این خون آشامان و کودک کشان بر
 این کشور سلطه پیدا کنند.

۰۳۳۱۶۰۰۹۱۲۰/ جنگ ناتو و سگ هار
قدرت بزرگ تو منطقه است. با فناوری های
پیشرفته و توان داخلی، ایران کابوس استکبار
شده و تو معادلات امنیتی غرب آسیا حرف اول
رو می زنی!

فرمودند: هرکسی صبح کند و به فکر مشکلات مسلمانان نباشد، مسلمان نیست. هرکسی فریاد کمک‌خواهی رویشود و کاری نکند، باز هم مسلمان نیست. امروز باید صدای مظلومیت غزه باید تو سازمان ملل، شورای امنیت و دیوان لاهه بلند بشود. باید رژیم کودک‌کش و حامی‌اش را رسوا کنیم!

۰۹۱۹۰۰۰۶۵۱۹ دولتمردای غرب آسیا
مگر سر نوشت سادات، پهلوی، قذافی و صدام
را ندیدید؟ چرا عبرت نمی گیرید؟ به تعبیر
مام علی (علیه السلام)، عبرت زیاد است ولی
عبرت گیر کم! افراد و قیامت رو چکار می کنید؟
البته اگر اعتقادی به ف دای قیامت داشته باشید.

[illegible]

۰۵۸۷۹۱۶۰۹. بعضی ها که فکر می کنند طلبکار نظام هستند، یک نگاه به وصیت شهید بابایی بندها دارند: «منی خواهد شما خودتان را برای انقلاب فدا کنید. انقلاب راه خودش را می رود؛ شما خودتان را بسازید و اصلاح بکنید.» یوحمدان اهواز
۰۴۵۲۱۰۹۲۰۰۹. آمریکا از ۲۰۱۸ از برجام خارج شد، اروپایی ها هم حتی به یکی از توله اش عمل نکردند! حالا با پروپویمی گن ایران به تعهداتش عمل نکرده و باید قطعنامه های قبلی رو برگردوند! واقعاً روه نیست، سنگ پاست!

سامانه پیامکی هفته نامه صبح صادق

۰۲۱۷۷۴۶۰۱۰
هفته‌نامه صبح صادق

صداق

هفته نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

صاحب امتیاز

معاونت سیاسی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیرمسئول:یدالله جوانی

سرمدیر:علی حیدری

شورای سیاست گذاری:

سیامک باقری،سعدالله زارعی، عزیز غضنفری،فرهاد مهنوی، مهدي سعیدی، فتح الله پریان،علی قاسمی، حسین عبداللهی فر دبیر تحریریه:سیدفخرالدین موسوی مدیرفنی: محمد صالح نادری نگارش و ویرایش:محبوبه حاجی آقایی صفحه‌ار:علی اکبر هدایتی عکاس: حامد گودرزی ناظر چاپ:سعید قاسمی

چاپ: مرکز چاپ سپاه: ۰۲۱)۳۸۵۲۲۴۴۶ (تلفن: ۰۲۱) ۷۷۴۶۰۱۰۰ و ۷۷۴۶۰۱۱۰ basirat.ir @ssweekly نمایر: ۰۲۱) ۷۷۴۸۸۴۲۶ (سامانه پیامک: ۰۲۳۳۰۰۰۹۹۰

شماره ۱۱۹۸ | دوشنبه ۶ مرداد ۱۴۰۴

کتابیه

از تو باید نوشت

جوهر شاهنامه تا گرم است از تو باید نوشت، ایران مرد! در کلام تو حجتی ست بلیغ که جهان را گواه خواهد شد تا که ایمان تو جلودار است هر چه بن‌بست، راه خواهد شد ای به قربان تو که از چشمت مردمی تر ندیده‌ایم هنوز! اشک‌هایت چکیده‌ای از عشق خنده‌هایت تبسم صبح‌اند جان ما را دوباره روشن کن بین عشاق تو زباز زد شد جمع عرفان و زهد و فلسفه‌ای ضرب در عشق و حکمت و ایمان ناگهان‌ها هنوز بسیارند ولی آرامشت الی‌الابد است از مه‌آلود روزگار چه باک؟ که نگاه تو راه را بلد است از «شهادت» بگو که باری هم بوسه بر دست راست زد و رفت می‌روی گرم و خیل مدعیان همه در مانده‌اند نیمه‌ی راه گر چه هشتاد و چندساله شدی از جوانان، جوان‌تری ای ماه به نگاهی گرفته دنیا را لشکر سبز مهربانی تو تاقیامت شهید خواهد داد نفس صاحب‌الزمانی تو من و مدح تو ای رها از خویش! تو ورنجیدن و برآشفتن خوش نداری، ولی چقدر خوش است از تو ای نازنین سخن گفتن

میلاد عرفان‌پور

آخرین فشنگ

از مرد برده‌دار ترس از خود نکن فرار نترس شلاق را بگیر از او رد شو از این حصار ترس دنیا بجز دروغ نیست جز جنگلی شلوغ نیست آزاده زیر یوغ نیست! با او نیا کنار! نترس تا کی بلوک شرق و غرب آف بر سلوک شرق و غرب کافی ست کوک شرق و غرب محکم بکش هوا را! نترس با هر چه شد بجنگ! بجنگ با مُشت و چوب و سنگ بجنگ تا آخرین فشنگ بجنگ از م. و شک و دلار نترس سربازی بی غرور نباش تسلیم حرف زور نباش بر ظلم‌شان صبور نباش بر خیز هم قطار! نترس ای رمز هر قیام، حسین بر خون تو سلام، حسین ای ملت امام حسین! از شمر روزگار ترس همراه و راه ماست خدا تنها سلاح ماست خدا تا نکیه‌گاه ماست خدا دشمن اگر هزار! نترس

حسین خزایی

صبحانه

پشت دیوار ترس

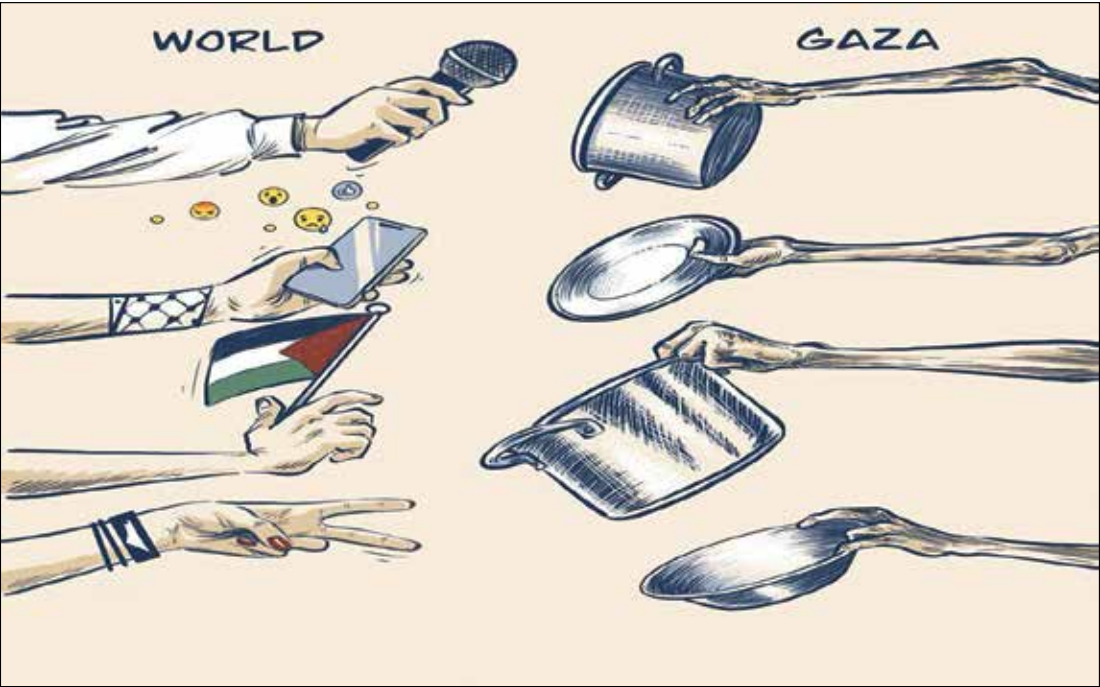
این یک حقیقت است که هر چیزی که تا به حال خواسته‌اید و آرزو کرده‌اید آن طرف ترس پیدایش می‌کنید. موفقیت‌ها در پشت ترس‌های ما اسیر شده‌اند برای آزادی آنها باید از دل ترس‌ها گذشت. این ترس از دل ندانستن‌ها متولد می‌شود، بنابراین دانستن آنچه باید انجام شود ترس را از بین می‌برد.

داستان

آخرین خرما

حسام خواست اعتراض کند، اما نگاه مادرش، پر از ایمان به دخترش، او را ساکت کرد. نسیم، دختر هفده‌ساله‌ای که جنگ‌های ۲۰۰۸، ۲۰۱۲، ۲۰۱۴، ۲۰۱۹ و ۲۰۲۱ را دیده بود، در گوشه‌ای با کتاب‌های کهنه‌اش نشسته بود. بدون معلم، بدون برق، بدون اینترنت، اما با اراده‌ای که انگار از سنگ ساخته شده بود. او به سه زبان مسلط بود و حرف می‌زد و معادلات ریاضی را مثل شعر می‌خواند. حسام همیشه می‌گفت: «نسمه نابغه‌ست. یه روز دنیا اسمش رو می‌شنوه.» ام‌احمد خرما را به نسمه داد و گفت: «بخور، دخترم. تو باید قوی بمونی.» نسمه خرما را در دستش گرفت، اما نگاهش به یاسر، برادرزاده دوساله‌اش، افتاد. یاسر، که دو ماه قبل از جنگ به دنیا آمده بود، حالا فرزند شهید بود. معاذ رجب، پدرش، اقتصاددان بود و رویای فلسطینی آزاد را داشت، زیر آوار بمباران جان داده بود. یاسر با چشمان درشتش به خرما نگاه کرد، انگار نمی‌دانست این چیست. نسمه خرما را به او داد. «بخور، کوچولو. تو باید زنده بمونی.» یاسر خرما را گاز زد و خندید، بی‌خبر از اینکه این خرما، شاید آخرین خرمای غزه باشد.

تلخند



بدون شرح!

سلامت

محدودیت‌های منطقی

سیده مهستی مومن زاده

کارشناس تغذیه

تربیت کودکان یکی از موضوعات مهم خانواده‌هاست که می‌توان به صورت اجمالی در نکات کلیدی زیر خلاصه شود:

۱- **محبت و توجه:** ارائه محبت و توجه به کودک، بنیادی‌ترین نیاز آنهاست که به شکل‌گیری اعتماد به نفس و امنیت روانی کمک می‌کند.

۲- **محدودیت و ساختار:** داشتن قواعد و محدودیت‌های منطقی به کودکان کمک می‌کند تا بفهمند چه چیزی مناسب است و چه چیزی نه. این امر باعث ایجاد حس مسئولیت در آنها می‌شود.

۳- **مدل‌سازی رفتار:** کودکان به شدت تحت تأثیر رفتار والدین و بزرگترها قرار دارند. بنابراین، باید الگوهای مناسبی برای آنها باشیم.

۴- **گوش دادن فعال:** شنیدن نظرات و احساسات کودک اهمیت زیادی دارد. این کار به آنها احساس ارزشمندی می‌دهد و ارتباط را تقویت می‌کند.

۵- **تشویق استقلال:** ایجاد فرصت‌هایی برای فرزندان تا مستقل باشد و تصمیماتی بگیرد، به بهبود اعتماد به نفس آنها کمک می‌کند.

۶- **مدیریت احساسات:** یاد دادن به کودکان درباره مدیریت احساسات و بیان صحیح آنها، به توسعه مهارت‌های اجتماعی و عاطفی کمک می‌کند.

صادقانه

قفل و کلیدهای زندگی

امام باقر(علیه‌السلام) فرمود: هر کس دروغ بگوید آراستگی او برود، هر کس اخلاقش بد شود خود را عذاب می‌دهد و اندوهش فراوان می‌شود. هر کس نعمت‌ها پیاپی بر او فرود آید، باید زیاد شکر کند. هر کس اندوهش زیاد شود، بسیار استغفار کند. و هر کس فقر بر او فشار آورد، بگوید: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ. الْعَلِیُّ الْعَظِیْمِ.» معدن الجواهر و ریاضة الخواطر، ص ۳۴

غیر رسمی

نگاه پدرانه



در زلزله سرپل ذهاب وقتی که حضرت آقا آمدند کنار داغ دیده‌ها و حادثه دیده‌ها؛ همین حادثه‌دیده‌ها و داغ‌دیده‌ها انگار دیگر تمام وجودشان را دیدند همه چیز یادشان می‌رود. اصلاً یادشان می‌رود که عزیزان‌شان یا تمام اموال‌شان را از دست داده‌اند. روستاهایی بودند که شاید خیلی هم بدبین بودند، اما با حضور آقا یک دفعه متحول شدند. از این رو به آن رو شدند. در سرپل ذهاب من این‌ها را قشنگ دیدم، آن نگاه پدرانه‌ای که حضرت آقا داشت و توصیه‌های به یادماندنی‌ای که به دستگاه‌ها و خدمت‌گزاران و تیم‌های عملیاتی و امدادی می‌کردند.

آن موقع، سرپل ذهاب، من اورژانس بودم. بیشتر کارمان با مصدومین و مجروحین و قطع عضوهای بود. خب توصیه‌ای که حضرت آقا داشتند این بود که کار اینها رها نشود و فقط محدود به زمان بحران نباشد. در نتیجه ما حتی فیزیوتراپی و توانبخشی تمام مصدومین‌شان را هم تا زمان بهبودی کامل انجام دادیم؛ همه‌شان را انجام دادیم.

پیرحسین کولیوند

رئیس جمعیت هلال‌احمر

حسن ختام

بهار دل‌های شکسته



ای جان و دل، مولا جان! در هوای نام‌تان نفس می‌کشم و هر نفس، حیاتی دوباره است. عمری است که نام‌تان را زمزمه می‌کنم، تا در این ظلمت دنیا، نوری بجویم. هر کلمه جز نام شما، کلامی بیپوده است.

آقا جان! دلم شکسته، اما شادمانم؛ چرا که هر نکاش آیین‌های است که نام شما را می‌خواند. زخمی‌ام، اما سربلند؛ که زخم‌هایم چون پیراهن یوسف، گواه عشق و پاکی من است.

صدای‌تان می‌کنم با هزار امید، که شما خود، همه امیدید. در سینه‌ام غمی است که با نام‌تان، بهاری می‌شود. دلم همیشه سبز است چرا که هر حرف از نام‌تان، شاخه‌ای از امید به زندگی است. صدای‌تان می‌کنم تا سباهی‌ها رنگ ببازد و قلمم در پناه نام‌تان آرام بگیرد. ای نور دل‌ها! هر آوایی جز نام شما، خاموش است و هر راهی جز راه شما، گمراهی. با دلی شکسته، اما امیدوار، نام‌تان را می‌خوانم تا روحم در هوای‌تان جانی دوباره بگیرد و سبز شود. مولا جان! شما بهار دل‌های شکسته‌اید.